

### قنور

درجه اول ۳۰ کیلومتر غرب جنوبی شهر خلوی در ساحل رودخانه قنور که از طرف خلوی جریان و رود ارس مصب میگردد - در قریب حدود عنای واقع سابقاً عثمانیان تصرف نموده بودند - ولی بموجب معاهده که بعد از محاربه سال (۱۲۳۷) مرحوم نواب عباس میرزای نایب السلطنه با دولت عثمانی بست نخله اراضی قنور باید شده به ایران واگذار شود ولی دولت عثمانی کوتاهی در اجرای احکام معاهده مینمود در نانی بموجب قرار داد مجلس (کونکرة) بر این که جبهه عند معاهده منعقد گردید قرار قطعی به استرداد آن داده شد - نفوس قریه قنور و اراضی آنجا تخمین هشت هزار نفر میباشد

### میان - یا میانج

این شهر در میانه تبریز و طهران کنار راه واقع و دارای سی هزار نفوس در ملتقای شهر خزل اوزن در یکقطعه اراضی بر آبی واقع و دارای باغچه‌های فراوان و کاروانسرایهای بسیار میباشد و یک پل سنگی متبقی هم در روستای رودخانه موجود است (باقی دارد)

### عنایت خسروانه

چندی بود ورود نواب والا آقای والا سلطان محمد شاه از هند به حدود بلوچستان ایران شایع شده همینکه معزی‌الیه وارد (ککوادر) شد بقرار معلوم جناب اعتلای الدوله کارگذار کل مرستان و امور فوق العاده دولت عایه که در حال قاعده دان وزارت جلیله امور خارجه است در وقت را بوزارت خارجه مقتضی دیده عرض نمود در وزارت خارجه مستحسن و معروض خاکپای همیونی افتاد و مترور شده که نواب والا شامزاده طهر السلطان حکمران بلوچستان و جناب کارگذار معزی‌الیه اشفاق و عنایات عایه ملوکانه و اظهارات و دادیه حضرت اشرف آقای مشیر الدوله وزیر خارجه را به نواب والا آقای سلطان محمد شاه ابلاغ میکنند و جنس کارگذار تفصیل و ترتیب را تلگرافاً به نواب معزی‌الیه تبایخ نمود - بی اندازه تشکر کردند آنرا نیز علی‌العاده بموجب خواهش و فرمایش نواب مشارالیه از عرض اولیای دولت ابد قرار گذرانیدند

مشخصین نیز قصبه بزرگ و از ماضیات اردبیل و دارای بجهزار نفوس است - هر چند اراضی دو طرف راه از اردبیل تا آنتارا که بندرگاه آجا و در کنار دریای مازندران واقع است با درختهای جنگلی کهن مستورست - ولی زمینش در نخستین درجه لای زار و با تلاق میباشد - قسمی که عبور و مرور از آن جاده در درجه اولی دشوارست (از سال قبل کبابی عمومی تحصیل امتیاز تعمیر این راه را نموده مشغول به تسویه میباشد - امیدواریم به عمت بزرگوارانه اعضای کبابی عمومی راه مزبور بحساب برادران وطن دایر و معمور گردد و دست اجنبی ارگریبان این یک رشته راه وطن مقدس ما کوتاه شود)

این شهر از بلاد قدیمه ایران و در چارسو و باران او تجارت امتعه روسیه رنج - و در داخل شهر منبره (شیخ صلی‌الدین) علیه الرحمه با جامع جیم و کتابخانه بسیار معتبری موجود است - ولی افسوس و هزاران دریغ که کتابهای نادیده این کتابخانه معتبر جسم را (با سکی به ویج) ینما و به (بترسورگ) نقل کرد - و امروز چیزی که در آنجا بجا مانده که شایان ذکر و اعتناست هماغه برخی چینی‌های قنقور گران بها میباشد

اردبیل در روی کوه قلعه بسیار محکم متینی دارد با آنکه آ ایندرجه فن حرب و قلعه گیری ترقی نموده امروزه از قلعه مزبور محل اعتناست [اما با کمال حسرت مشاهده مینمایم قلعه که از او مغرور میدانند آنست که همین و بجز این را بداجا میبرستند] در جوار شهر مزبور معدن مس فراوان و بسیار است (اما چون در آن معدن ذخایر قواعدی کار نموده و مینمایند به مصارف کلی بهره‌اندک بر میدارند و حال آنکه اگر فی‌الجمله عمت و صرف قدرت نموده به اصول جدید اجاعها بسازند - بلور فراوانی از اعلی ترین اجناس مس در آن معدن زیاد استخراج و مذبح ثروت بسیار بزرگی جبهه ملک و ملت تشکیل میدهند)

### ترکان جای

در میان راه تبریز و طهران واقع و منزلگاه کاروان و دارای چند کاروانسراست با معاهده که در سال (۱۲۴۳) بین دولت علیه ایران و دولت روس بسته شده نامزد و معروف است

بلوچستان

جلسه مطالعه امور معوقه با حضور مأمورین عظام و سرداران و خوانین فخام مکران و بلوچستان درتین ایران و انگلیس و اتباع کرام جابین روزی در طرف ایران و روزی در طرف انگلیس انعقاد مییابد. و کارهای راجعه به سمت (چهار) قریب به انجام است به این معنی که به استناد داده و اسنادیکه در دست بوده به انضام آراء غالباً قرار گزارده اند. و این بار میتوان اساس کار را محکم تر نمود. زیرا به اصول عشائری از اقوام و کسان خود در نزد حکومت گروگان داده اند و اگر طایق خارجی روی ندهد و در مدتهای معینه از قوه بطل تازگی پیش نیاید بکلی تمام شده است. در امور سایر حدود بلوچستان منتظر تعیبات دولت متبوعه هستند که حال یا به مجلس آتیہ فیصل نمایند

توجه اولیای دولت بجناب مستطاب

انجمن شیوع دارد که همین دو روزه جناب اهلالمسئله یا کشتی همیون (مظفری) به مسقط که قریب چاه چار است سفری خواهند کرد. و پس از چند یوم باز بچاه چار معاودت خواهند نمود. بین است این مسافرت با اجازه و امر اولیای دولت علیه و محض سرکشی بحال نبه و باره اطلاعات لازمه است. هر صورت از جگونگی این سفر که چشم وطن پرستان متوجه و متوسد نتیجه آن و امثال آن است هر چه مستحضر شود بمد عرض میکند همین قدر باید دانست که ازین نیز از اثر اغاس قدسیه جریده مندرسه است

باشی تا صبح دولتت بدمد

کاین هنوز از نتایج سحر است

جبل التین

( باران سکه در لطافت طبعش خلاف نیست )

( در باغ لاله روید و در شوزار خس )

موازده سال است جبل التین درین مواد سخن میراند چون ماده قابل نبود نتیجه برعکس می بخشید. جمیع افراد ملت راست که متشکر و دعاگوی ذات عدیلالت شاهزاده صدر اعظم که خدایش بآرزوهای خویش موفق دارد باشند. و قدر این وجود معظم که مجسمه خیرخواهی ملت و دولت است بدانند که باندک اشاره و تذکره خیرخواهان متوجه تحقیق امر شده که اگر مقرون بصواب یابند بی درنگ محکم باجرائش فرمایند.

( لطف حق چون بر سر بنده بود )

( طاقت جوینده یابنده بود )

انتخابی تجار بمبئی در اصلاح سکه

تنزل بی در بی قران ایران خسارتهای عظیم و نجات و تجار وارد آورده. و جمعی را در هر نقطه بی با ساخته است. علت این درد بی دوستان را درست کسی تشریح نه نموده تنزل سکه بالاتر ازین تصور نمی شود که بالغ برده کرور تومان قران ایران را چند ممالک دیگر برده صد پنج گره داده آب کرده بتمت قره فروخته صد چهار و نیم هم فائده برده اند درین موضوع از هر گوشه مکرر عرض حال شده ولی تا کنون اثری نه بخشیده است که وزارت تجارت بمهندوز بر اعقل و تدبیر جناب مستطاب موقوف شده امید داریم تدبیری فرمایند که سکه دولت تا این پایه خوار و ذلیل و بی وقرد در خارجه و داخله نشود مجلس تجارت بمبئی بتوسط جناب منجم السلطان وزیر مقیم در این خصوص تکلیف ذیل را بوزارت خارجه زده اند

تکلیف مجلس تجارت بمبئی

حضور حضرت مستطاب اجل اکرم افخم بندگان آقای مشیرالمسئله مدظله العالی. اعضای انجمن تجارتی ایرانیان بمبئی عرض میکنند که بواسطه بی اعتدالی سکه قره در ایران امسال خسارت فوق الطاقه به تجارت ایران و تجار متبیین هندوستان رسیده است. اگر دولت علیه تدبیری درین باب فرموده و اساس سکه را طلا قرار بدهد تجارت مملکت محفوظ ازین خسارتها مانده و تجار هم بی با نخواهند شد ( منجم السلطان )

مکتوب از شیراز

مدیر روزنامه جبل التین از آنجا که اندرز وطن پرستانه قسی از دین داری است باره گذارشات امور اتصافیه شیراز را محض اطلاع سلی تصدیق میدهد نباید مزید بر تشکر گردد که فرموده اند ( من لم یشکر الخلق لم یشکر الخالق )

جندی است در شیراز بواسطه سال گذشت از نیامدن باران و نرویدن گیاه در بیابان و سخت بودن کار زراعت بر مخلوق خدا از هر قبیل سخت گذشت. تا از قدم مینت لزوم این یگانه فرزند کامکارولی نعمت ایران و ایرانیان بندگان اهل حضرت اقدس اهل شاهنشاه اسلام پناه خفاهه ملک و سلطان ببران نافع و بوقع آمده و می آید. ازین دو مرضین و متکرین بآرزوی خود نائل نگردیده عوام کالانعام که امور آسایش و فکری را منوط بقدم این ملک زاده ملک رقب قرار داده و ندالت و نخواهند اند

( بیساکه رونق این کارخانه کم نشود )

( بزهد همچو نوش یا خسی همچو می )

اقتضای فکری عکس خیالات این جماعت را ظاهر ساخت - صاحبان ملک و ثروت صفا چند روزی خداوند مکتب آنها را داده تا بر آنها صحبت تمام شود سپس جنس کردند - رفق قرای بیچاره را با آنکه حضرت حق فرموده ( الفقراء عیالی والاغنیاء وکلان ) این وکلاء خان بیبال الله بنای بدسلوکی را گذارده و اختکار پیشه کرده رفته رفته جنس ترقی کرد و نزدیک بود کار بر مردم سخت شود - دو سه روزی در بدکاسکین خبازی جعبت شد و ممرضین بواسطه خیالات باطله که معروف است ( دزد بازار آشفته میخواهد ) و در صدد خرابی مملکت میباشند و در صراط مقاصد فاسده خود مستقیم هستند برای آنکه نتیجه بکشورند تربیت مقدمه دادند - در هر حال منتج نتیجه نشد - چون حضرت شاهنشاهزاده اعظم بندگان آقای شعاع السلطنه دام ظللالتعالی همه وقت خیال مفسدین و ممرضین را دانست جلوه آنها را بستاد - ولی پناهر مدنی آنها را بطبیعت خود واگذارده بودند چه فیخواستند در ایالت ایشان جنبه ملات خاطر بفرسند و صورت با دوستان و مدارای با دشمنان که شیوه مرضیه این شاهنشاهزاده اعظم والا تبار است ترک میفرمود طاقبت لطف از حد گذشت تلخ در صدد علاج برآمده امر فرمودند جناب مستطاب سردار اترم که باصابت رأی موصوف و شهادت یگانه و زبری است که میتوان گفت آصف دور وعهد خود میباشد تشکیل مجلسی نموده و اعیان و ارکان مملکت فارس را جمع نمایند و در خصوص تسخیر جنس قراری دهند تا فقرای بیچاره که در پناه شاهنشاهزاده اند به آسایش بسر برند

( هیئت اجنبیه از علما و اوکان و نجار )

( بموجب ذیل بودند )

- جناب ابوالعلماء شیخ طایفه امام جمعه دامت برکاته
- جناب شریعتمدار آقای شیخ الاسلام
- جناب آقا ملا احمد و سایرین از علماء
- جناب آقای آقا سید محمد
- جناب قوام الملک
- جناب سالار السلطان
- جناب نصر الدوله
- جناب معتمد دیوان رئیس دفتر
- جناب حاجی کمپانی
- جناب حاجی عبدالغفار کازرونی

- جناب مؤید الشریعہ
- جناب معین الشریعہ
- جناب ملک التجار

پس از تشکیل مجلس جناب سردار اکرم ابلاغ فرمایشات شاهنشاهزاده اعظم را نمودند و بطریق ذیل قرار دادند که متحمل تفاوت قیمت جنس شوند امروز که غرض شهر صفر المظفر است الحمد لله نان فراوان و مردم از دغدغه خاطر بیرون آمدند و خیالات باطله اول بزرگ مملکت فارس باطل شد حق این است که اگر از طرف ایالت گیری چنین حکمی نشده بود نصف شهر از گرسنگی تلف میشدند بمقام بزرگ شهرها این همه دولت را برای چه میخواهد معلوم است کسیکه ندیم و جلیس او فلان نکره و فلان ممرض باشد بهتر ازین می شود

( تقسیم دکان خبازی ازین فرارشد )

- شاهنشاهزاده اعظم بازده دکان بمده گرفتند
- جناب سردار اکرم هشت دکان
- جناب قوام الملک یک دکان
- جناب سالار السلطان سه دکان
- جناب نصر الدوله سه دکان
- جناب معتمد دیوان دو دکان
- جناب امام جمعه یک دکان
- جناب ملک التجار یک دکان
- جناب شیخ الاسلام یک دکان
- جناب حاجی عبدالغفار یک دکان
- جناب حاجی کمپانی یک دکان

سخته دیگر توفیر جنس است صفا امسال از دیوان اعلی حواله شده هرگاه قسی شود که بطور عدالت وقتلر میکنند هم خدا راضی شود و هم رعیت امیدوار - یقین است از طرف دولت ابد مد - حکمی صادر خواهد شد که ملک خراب را از آباد فرق گذارد و با شیرین این گونه بی اعتدالی نکنند که [سلطان خواهد خراج از خراب] ( مخبر صادق )

### شوشتر

از اوایل محرم (۱۳۲۳) تاکنون که بیست و نهم است ( میجرمارتن ) مهندس - وارد شوشتر شده در افسس کمپانی لچ انگلیس منزل نموده و همه روز از صبح تا شام و بعضی از شبها نزد اطراف شهر گردش میداند و از

بودند. روز طشوروا هم تیغ زن زنجیر زن سینه زن  
و و و و و با حالت پریشان دویه کبان و هوی کبان  
هر یک دسته خودشانرا حرکت دادند. جناب ملا نجار  
و حاجی علی اکبر معتمد که رش سفید و رؤسای  
انزلی محسوبند با سایر نجار و آهنه و معتزین پیشاپیش  
دسته با حالت اندوهگین در حرکت بودند عمید هایون با  
توچی و تنگی و صاحب منصبان توام در حفظ دسته  
و نظام آنها سعی و جاهد بود خداوند همه مسلمین  
و شیعیان خاصه این خانواده اجر عمل کرامت فرماید

ناظم نجار و وثوق نجار که ریاست عزاداری مسجد  
خان با ایشان است الحق حرب خدمت کردند خداوند  
بهمه توفیق بدهد حضرات سالی ها که اول ایاداران  
ذغال انزلی بشمارند پول تزیه حونی را از روی طاعت  
باندازه گرم خود میل نموده بدهد - خداوند بآنها هم  
برکت بدهد - هر یک از نجار و کسب باندازه وسع خود  
در این راه صرف مال و پول نمایند

بار انداز دنیا را مختصر بینی بزین فرو برده  
گویا ناخنی بنا کرده و فعلاً کار نمیکند چه انتظاری دارند  
معلوم بست - بعضی از بی غیرت های ایران حکه در  
باد کوبه با سم تجارت و برسم مال مردم خوری مشغول  
بودند و طاقت به بهانه فرار کرده مال روسی و یهود  
و مسلمان را برداشته برشت وقت آمد از قراری که معلوم  
و یقین شد تذکره تبعیت همسایه شاهی را در هر جا  
ارائه میدهند و دسق بر سیل زده آب میدهند و  
روغن سیل نیز کن را هر ساعت بر سیل مالیده سیل  
شان عالی سیل آلمانیان شده است بچاره طریقه  
مهیبه نداشت در مسلمان خود حالا رعیت خارجه هم  
شد و اقتضای هم میسکند - افسوس است به خیال  
قاسدی که تحصیل تذکره خارجه کرده بود و خواست  
دعوی بجا و ادعای بی معنی کند تیرش بسنگ خورده  
معاون او نیز هیچ وجه نمی تواند بوی کک کند چه  
بچاره از انجام گرفتاری های خودش عاجز است

اهالی انزلی برای اراضی سر بازخانه دواتی همیضا  
بنام منبع صدارت عظمی نموده همش و استدعا و  
درخواست نموده اند حکه از آن اراضی دواتی برای  
مدرسه عضده هم خوبست حکه زمین معین شده  
مدرسه بسازند تا زمین مدرسه از طرف دولت بجانا  
بوده اطفال در آنجا مشغول تحصیل علوم و دعا گوی  
دولت ابد مدت باشند روز نامه شریفه چهره نام هم  
از رعیت خارجه شدن حضرات شرعی درج کرده  
بود بجد علیه السلام قسم است هر کس آن مکتوب  
را نوشته صحیح بود و خلافی نداشت و ندارد

بخت [دروازه لشکر] که سمت [میاناب] میباشد و تمام  
دهات (میاناب) را زرع نمایند - در هر یک از دهات  
بیدق نصب نموده عکس بر میدارد و آب نهر  
داریان که وقت بهار با سباب جاریست زرع و اندازه  
میانند - چون از جانب اولیای دولت قوی شوکت عالی  
ایران و از طرف حکومت عمیه مأموری همراه ندارند  
رقابای جاهل سالی متوحش میشوند و نمیدانند برای  
چه بیدق نصب نموده اسباب وحشت برای اهالی دهات  
شده نزدیک است مانع از نصب بیدق شوند از اولیای  
دولت خائف هستند حکه شاید اجازه داشته مشول  
واقع شوند - ولا یکساعت میگذشتند در آنجا سیاحت  
نمایند - خوب است اهالی خارجه که در خاک ایران  
مأمورتی دارند بدون مأمور از جانب حکومت عمیه  
اقدام نمایند که اسباب زحمت و خطر برای خودشان  
و رعایا فراهم آید و چند روزی هم از سمت [دروازه  
کرکر] بیرون رفته باز بدین منوال رفتار نمایند عملی که  
مرفوف به تل خطاط است رفته مراجعت نموده و تا  
محال معلوم نیست برای چه این حرکات را میکنند و  
تا کی در شوشتر اقامت خواهد داشت [س ف ش]

### مکتوب انزلی

دعای اول محرم که شروع عزاداری سید مظلومان  
بمجر و خوبی بانجام رسید در این عشره اول  
در تمام تکایا و مساجد مشغول عزاداری و سینه  
زنی و دسته بودند نجار بهادت همه ساله در مسجد  
خان شب و روز مشغول ماتم داری و در شب  
دسته با دست بسیار بزرگی ترتیب داده به مسجدهی  
که مرکز عزاداری حکومت است بردند (عمید هایون)  
اگر چه بار سال نجار مسجد خان را در حرکت دسته  
فدی گیل کرده بود و در (جبل المین) نیز درج بود  
ولی برخلاف بار سال خود (عمید هایون) در شب ناسرعاً  
از مرکز خویش باستقبال دسته نجار به مسجد خان  
آمده جلو دسته افتاد و از آنها بدرائی نمود تا مرکز  
عزاداری از توقیر و احترام دسته نجار ذره فرو گذار  
نکرد الحق عمل خوب خوب و بد بد است و خیر نگار  
را با احدی غرض و مرض نیست آنچه حق است  
مینگارند و از احدی هم خوف نداشته نخواهد نمود و قتیکه  
بنای خوف و ملاحظه شد باید راه بی غیرتی گرفت

شب طشوروا حکومت دسته مخصوص خودش را با  
احترام نام حرکت داده به تمام تکایا گردش نمود شاگردان  
مدرسه عضده با لباس مخصوص هر یک بپوشید سیاه  
گرفته در وسط دسته حکومت مشغول مرتبه خوانی

چهل و نهمین کنگره

معیار کالج استریت نمبر،

کلیه امور اداره بنا

مدیر کل مؤید الاسلام است

متنظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

ربیع الاول ۱۳۲۳ هجری

مصادف با

# چهل و نهمین

سنه ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

قیمت اشتراک

حالاته — شش ماهه

هند — و برمه

۱۳ روپیه — ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۵ قران

عثمانی — و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

روس و ترکستان

۸ می ۱۹۰۵ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

مراسلات تام التفضیله مقبول و در انتشارش اداره آزادست

## فهرست متبرجات

- سیاسی • افتخار • خیر مقدم • مجبئی •
- چهل و نهمین • سینان • الماس گرانبها • حکامیسیون
- افغانستان • نهاد روس • وقایع حسرت آیات •
- قولسل ژاپون • آریخ چرب ژاپون • هنگامه معاهده
- تبرید تلگراف روز • طهران • روس و ترکستان •
- مکتوب یکی از موافقین • مکتوب • مکتوب یکی از
- بسیابین • جغرافیای ایران • ضوابط و قواعد
- انجمن تجاری ایرانیان مجبئی • اصلاحات وزارت جنگ •
- ورود عسکری ژاپون در مستط • مکتوب از
- اسلامبول • اتحادات و دولت • تلگرافات •

## سیاسی

حرکات غیورانه و سلوک مدبرانه امیر جوان  
 جوان بخت افغانستان حسن استقبال و استقلال آتیه این  
 امارت و تبدیلیش را بسطت علناً میرساند - کیسیون  
 افغانستان و هیئتیکه بر است وزارت خارجه هندوستان  
 بکابل رفت ناراض مراجعت نکرده - لطف این است که  
 امیر افغانستان هم از ورود و خروج کیسیون ناخوش  
 معلوم نمی شود

تاکنون درباره اقدامات کیسیون و مواردیکه در آن  
 بحث و فیصله شده رسماً یا غیر رسم نکته بصراحت افشا  
 و انتشار نیافته - و چنانچه برخی اخبارات می نویسند ناوقت

که از ملاحظه وزیر هند نگذرد اشاعت نخواهند داد  
 چون در بدو حرکت کیسیون عامه جراند  
 انگلستان و عموم امالی انگلند را های موی  
 بسیار بود و پس از معاودت تا این درجه خونگی  
 اختیار کردن معنی خیز و خالی از رمز نتواند بود -  
 ظاهراً اگر کیسیون مقضی المرام مراجعت کرده بودی  
 برای پیش رفت مقاصد خود در مقامات دیگر وانظار  
 جلالت و ابراز برتری نزد دوست و دشمن که علت  
 قاتی و اساس کلیه این اقدامات است همان موادیست  
 مرضی خاطر آنان فیصل شده موضوع بحث قرار  
 داده آشکار می نمودی - مستور داشتن این مسئله  
 میرساند که کیسیون از کابل مقضی المرام معاودت نکرده  
 فقط بر برخی از عقود عهدنامهجات امیر عبدالرحمن خان  
 متوفی دستخط امیرحالیه را گرفته معاودت کرده است  
 از بوم حرکت کیسیون امیر قایت توجه را  
 باستحکامات سرحدی مبذول داشته چنانچه بر است حکامات  
 قلعه هرات و سایر قلاع سرحدی روس خیلی افزوده و  
 قشون ساحلوی آن سرحدات را اضافه کرده توپهای  
 بزرگ که مخصوص مدافعه و نگاهداری قلعه است زیاد  
 در آن سرحد فرستاده اند - همین قسم توجه بجناب  
 سرحدات هند نیز نموده با تمام قوت خویش بر استعداد



باجله اضطراب و وحشت فرانسه و انگلیس از  
حرکات آلمان در (مراکو) دالاست بر اهمیت این مسئله  
و بر اینکه عما قریب نتیجتاً بسیار مدهشی بنصه شهود  
خواهد رسانید

در میدان اقصای شرق جنگی تازه روی نداده و  
واقعه جدیدی پیش نیامده. برآ همان اصول پیش در پیش  
یعنی نرم نرم ژاپونیان جلو. و آهسته آهسته روسیان بجانب  
(مارین) عقب میروند. علت عمده آنکه ژاپونیان تاکنون  
خود را به [مارین] رسانیده جلو گیری روسیان  
نیوده. چون ژاپونیان هر قدمی که پیش میروند در  
استحکامات آینه آن مسامی جبهه بکار برده و می برند  
که در آینده خصم را موقع برش و تصرف نماند. این  
است که قدم بقدم ژاپونیان را علاوه بر رفع موانع حیل  
صافته آینده نیز دامن گیر است با این همه مشکلات  
در قلیل زمان خود را قریب مارین رسانیده و راه  
آهن خویش را از [دالقی] تا [بیتنگ] رسانیده و در  
تعمیر استحکامات اطراف راه آهن نیز سعی اند.

تا کنون جنرال [لینویچ] سپسالار تازه نیز  
در مقابل خصم کاری از پیش نه برده و در میدان  
مدامه مستقیم ایستاده چیزیکه از اصول جنرال کروپاتکن  
اختیار کرده همان فراو از جلو خصم است

اما جنگ بحری تاکنون جهازات بالتیک آفتابی  
دهده یعنی از حدود بحری (اندوچینا)ی فرانسه خارج  
نگردیده و بطرف مقصود رهسپار نشده اند اعتراضات  
ژاپون فرانسه را متوحش ساخته. ولی باتدابیریکه  
امرای بحری روس بکار میبرند کاری از پیش نمیروند  
باید نیست سکه طاقت این امر برای فرانسه و خصم  
شود یا باید مخالفت در جواب حرکات روس بایستد  
و جهازات بالتیک واجبرا از آبهای [اندوچینا] خارج  
نماید یا مستعد خاصه و جواب ژاپون و انگلیس شود  
چون امروزه فرانسه اتحاد انگلیس را نسبت بر روس  
مبید تر بحال خود می پندارد بناچار جهازات بالتیک  
ر رها ازین حرکات که شکنده قوانین بی طرفی است  
ما خواهد آمد

ژاپونیان استعداد بحری خود را نیز کامل دیده برای  
بر خصم حاضرند. جهازات [بالتیک] نیز در این مدت  
در خادر (اندوچینا) نواقص خویش را دفع  
در دفع حمله بر خصم حاضر بلکه مستعد برش  
دشمن شده. چنان می نماید سکه عما قریب جنا

حربی و قوای جنگی خود می افزاید. این نکته نیز ظاهر  
میدارد که امیر را عدم خوشنودی کبیریون تا اندازه  
معلوم و علاج واقعه را قبل از وقوع می نماید. یعنی اگر  
مخالف با معادله دولت انگلیس واقع و بر فرض حال حرکتی  
مخلاف افغانستان شود مدارکات سرحدی او کامل باشد

اقدامات غیر متعصبانه امپراطور (ویلهلم) در (مراکو) و  
تعداد غیر منتظره سلطان با دولت آلمان تا درجه نخته سیاست  
اروپا را واژگون و قعه دولتین انگلیس و فرانس را  
در هم نموده. از هر طرف کبیریون و سفارت های  
فوق العاده است که بدربار (مراکو) گسیل میشود کبیریون  
فرانس و تکالیف متعدیانه آن که مایه توجه سلطان  
پاتحاد آلمان شده معلوم. پس از ملاقات سلطان در  
(نابیی) با امپراطور (ویلهلم) دولت آلمان نیز در جواب  
کبیریون فرانس هیئت را باسم بلیغ تشکر در میان  
وازی سلطان از امپراطور بجانب (فیض) روانه داشته  
هیئت سفارت فوق العاده انگلیس هم که بجانب (فیض)  
حرکت کرده مبنی بر همین نکته است اینها همه دلالت  
میکند بر اینکه معامله [مراکو] خیلی اهمیت پیدا کرده رفته  
رفته مایه رقابت عظیم و اختلاف بزرگ فرانسه و آلمان  
خواهد گردید. در صورت اختلاف بناسباتی چند.  
که ذکرش خارج ازین موضوع است نمیتوان گفت که  
انگلیس بی طرف محض تواند واقع شد

لذا حمایت انگلیس درین مسئله از فرانس حتی الوقوع  
ست چون (اسپانیا) نیز یکی از مدعی های بزرگ و  
حقوق خود را از همه بیشتر در مراکو تصور مینماید و از  
زمان جنگ امریکا از انگلیس و فرانس کمورت قلبی  
دارد از اتفاق و همرازی با آلمان ناگزیر است سلطان (مراکو)  
خود نیز با لاسه قویست که به فداکاری در راه آلمان  
حاضر و موجود میباشد. هرگاه تا چند سال این تقار  
و رقابت باقی ماند سلطان [مراکو] در سایه تعلیمات  
امپراطور آلمان قوتی بسزا حاصل خواهد نمود.  
مسافرت حالیه پادشاه انگلستان به پاریس و تلافی با  
مسیو (لوه) و مسیو (دلکاسی) رئیس جمهوری و  
وزیر خارجه فرانس مبنی بر بحث درین مسئله بوده است  
اخبارات فرانسه از سفارت فوق العاده که دولت انگلیس  
به فیض فرستاده اظهار مسرت نموده میگویند که این  
سفارت حقوق و نفوذ ما را قوت خواهد بخشید. از  
طرف دیگر اخبارات فرانس از روی مال اندیشی دولت  
متنبوه خود را حدایت میکنند به تجدید و از دست  
استحکامات سرحدات شرق

بژودی و سلامت عودت نموده کارهای را که عنین  
فائده ملت و دوات آغاز نهاده انجام دهند

### سیستان

خبریکه از کیسپون سرحد بندی سیستان رسیده  
بدین قرار است که بیست و هشت درجه برف در آنجا  
باریده - در اواخر جنوری رودخانه‌های کم آب باوجود  
سیلان منجمد شده یخ بسته بودند

### الماس کران بهاء

الماسی بوزن سی هزار و سی (قراط) از معدن (پریمر)  
نزدیک (جوهانس برگ) بیرون آمده اگرچه شکلش  
ناهوار ولی خیلی نفیس است و الماسی بدین بزرگی تا  
کنون دیده نشده بود - چه بزرگ ترین الماسها (اکسیر)  
بود که نهد و هفتاد (قراط) وزن داشت و از معدن  
شمالی (آفریک) بیرون آمده و تراشیده بودند بعد از  
آن (مثل اعظم) بود که تراشیده دویست و هشتاد  
(قراط) بود سپس (رحمت یعنی نواب) و زینت چهار  
صد و ده (قراط) تراشیده بود - و یک صد و سی  
و شش (قراط) تراشیده اش را گفتند - از آن بعد  
(کوه نور) است که وزنش نهد و شش (قراط)  
تراشیده بود و تقریباً یک صد و شش (قراط)  
تراشیده اش و زن شده جمیع این الماسها درهند بود  
معدن (پریمر) که قرب (پرینوریا) و سی هزار  
و سیصد (ایکر) و در خاک یوز واقع است (پرنسلا)  
نام در سال هزار و نهد و دو مسیعی به مسز [نی  
ای - سلون] به پنجاه و پنج هزار لیرا فروخت - و  
یک کبابی که سرمایه آن هشتاد هزار لیرا است احداث  
شد فی شهری یک لیرا فعلاً قیمت یک شریک لیره آن  
به نود لیرا رسیده است

### کیسیون افغانستان

کیسیون افغانستان از کابل تاریخ دوازدهم اپریل به  
شماره رسید نتایج کیسیون همان است که لارد [ناتپ] در  
[پارلمان] بیان نمود - یعنی دست خط امیر حایبه بر  
عهدنامه مثل عهدنامه ایام امیر عبدالرحمان خان - عقود  
عهدنامه با کمال خوش اسلوبی فیصل یافت - این قدم هم  
که تأخیر شد بسبب کسالت مزاج امیر بود که تا دو  
هفته بمرض قفس بستری بودند - امیر در همان حال  
نیز خواست گفتگوی کیسیون را دائر نماید و ازین

شدیدی در دریا واقع شود - اگر دواین جنگ درین  
باز روسها شکست یابند جنگ را خاتمه تصور باید کرد  
چه مرکز امید و دار مدار قوای روس امروزه همین  
جهازات اسد و بس

### اعتدال

در شماره بیست و نهم روزنامه مقدس در عنوان  
رحلت نوابه علیّه عالیّه شمس جهان بیگم فردوس محل  
(ناج‌الهند جی - سی - آی) زوجة محترمة آخرین  
نظامت بنگال نوشته بودیم که از آن مرحومه يك صیه  
بیادگار است از اطلاع ثانوی معلوم گردید ~~صکه~~ از  
آن مرحومه دو دختر بلند اختر بیادگار است یکی  
نوابه شهر بانو بیگم و دیگر نوابه افروزالتساء بیگم  
امید است این دو بانوی محترم ~~صکه~~ از آن مرحومه  
بیادگارند مورد توجهات حکومت هند شده وظیفه  
نوابه علیّه در حق آنان برقرار گردد

### خیر مقدم

عمدةالتجار والاعیان مقرب الخاقان آقا محمود شریف  
و بیس قونسل دولت علیّه ایران که چند ماه قبل بحج  
بیت الله رفته در معاودت زیارت عتبات عالیات نیز  
مشرف شده هفته گذشته سلامت وارد کلاسکته و  
بجانب رنگون رهسپار گردید

### بمبئی

بموجب خبریکه بااداره رسیده جناب منجم‌السلطان  
وزیر مقیم بمبئی اصلاح مزاج باجازه اولیای دولت  
علیه برای سه ماه بفرنگستان خواهند رفت و گویا قبل  
از انعام دهه اولی بمبای مقصود حرکت خواهند  
نمود فقط يك هفته در مصر توقف و سپس بطرف  
ویانه رهسپار خواهند شد

### جبل‌المتین

(سلامت روی و باز آئی)

جناب منجم‌السلطان درین سه ساله مأموریت  
هندوستان شب و روز اوقات خود را بخدمت دولتی  
و ملتی صرف نمود و با این همه امراض مسریه و آب و  
هوای عنین که میتوان گفت هر آن انسان منتظر  
نزول بلائی کهنه یا آره است دمی نیاسود - ازین رو  
زایدالوصف لحنه شده حق این است استراحت چند  
روزه و اصلاح مزاج برای ایشان لازم بود امیداست

## شماره (۳۱) ۲ ربیع الاول (۱۳۲۳) - سال نوزدهم - ۸ می (۱۹۰۵) صفحه (۲)

(باز یارت) را ثاباً از تحت بخت کفیده عزله نمودند و دولتین (پروسیا) و انگلیس متفق القوه قشون خود را بطرف (پاریس) مخطوف داشتند میآشد  
وقایع نگاران صوم جرائد ازوب به آهنگ توام بر حال قشون (مسکوکو) توجه طوائف می کنند -  
هنوز مدتی نگذشته که وقایع نگار اخبار (بانی) اطلاع داد که دو دسته لشکریان از عوارض مختلفه تائف شدند و امید نیست که قشون را کنی کامله داده تا قوت یابد - هزارها از اهل حرفه و هنرمندان کامله الفتن از کار دست کشیده اند - از جهت استقامت و مطالبات شورشیان باواز بلند این است که با کمال عجز ترک این جنگ خونخواره را نمایند

### وفات حضرت آیات

( نواب سید فتح علی خان بیکن بی )

مشیر قیصر هند . نواب سید فتح علی خان بهادر رئیس امارت ( بیکن بی ) مدراس بعد از کاخوشی طویل به جوار رحمت الهی پیوست - نواب مرحوم در سنه ( ۱۸۴۸ ) متولد و بجهت و نفقت مراحل زندگانی را طی نمود - در سنه ( ۱۸۶۸ ) خان اختیار ریاست به ایشان تفویض شد - و تا سی و هفت سال نظم و نسق فرمود - نواب مرحوم را علاوه از سه پسر و یک دختر چند پسرزاده و دخترزاده همز موجود است - ویکی از رؤسای محترم ممالک شمالی هند محسوب بود - در سنه ( ۱۸۷۷ ) در دربار دهل به نشان سی - آبی - ای - و در سال ( ۱۸۷۶ ) به خطاب توانی مخاطب گردید پسر بزرگ آن مرحوم نواب سید غلام علی خان بجان پذیر بر مستند ریاست متمکن است

### فونسل ژاپون

مستر ( هیاشی ) قاتل ژاپون از ( شمله ) به بعضی مراجعت کرده - سفر ایشان مبنی بر این امر بود که از طرف دولت متبوعه خود در آن قضائیکه از رلزله بر طایفه هندرسیدمانظهار مدردی نموده و نیز استفسار نمایند که اجازه داده میشود دوا - ژاپون هم دفتر طایفه برای بیچارگان و مصیبت یافتگان هند باز نماید ؟ فرمانفرمای هند پس از تشکر اظهار داشت که بواسطه کفایت وجهه اطافه داخله هنوز آنقدر ضرورت محسوس نشده که دلتز اعانه طوهار کجا بکشاده شوند -

زو اعضای کمیسیون را در خلوت طلب فرمود ولی چون این امر معکل بود که امور دقیقه مثل دربار و غیره بزودی طی شود کمیسیون معرفی ماند و قتیکه امیر سالم شد عهدنامه را دستخط فرمود - از آن بعد میهنیهای رسانه در خانه سردار عنایة الله خان از اعضای کمیسیون شد والا حضرت امیر و جمیع اکابر و اعیان موجود بودند - و با منتهی محبت اعضای کمیسیون در آن مجلس پذیرفته شدند

سردار عنایة الله خان در هنگام توقف کمیسیون به کابل رسید - بعلت بارندگی زیاد زحمت بسیار درین سفر کشید برخی از همراهان ایشان از شدت برودت دست و پایشان بی کار شده ماقبت تمام شترها را در راه گذاشتند سردار عنایة الله خان خلیل معرف حکومت هند و با الفاظ بسیار گرم تمجید مہمان نوازی لارڈ [ کرزن ] را هنگام قیام کلکتہ در عمارت [ میتنگس ] می نمود - گویا هنوز مشاهده اشیایکه در دلش جای گرفته تازه است - سردار موصوف ذکر جهاز [ هیانسنه ] را نیز میگرد که در کلکتہ ملاحظه کرده بود - تا زمانیکه کمیسیون در کابل بود سردار نصر الله خان برادر کهنتر امیر نیز توقف داشت مفاون است که در موسم بهار به جانب سرحدات جنوبی در معاینه قشون ساحلوی قلاع که در تحت نگرانی ایشان است بروند - و اخباراتیکه انتشار یافته بود که مشار الیه بجانب سرحد حرکت نموده مقرون صواب نیست

همر جان پسر کوچک امیر مرحوم نیز در کابل بود - و امور عامه و تعمیرات ملکی و کارخانجات تحت نگرانی ایشان است

### شداند روس

رودنامه ( استسمن ) مینویسد - تا کنون هوای جنگ برخلاف روس می رزد - اگر دولساره متفق شده بومی نمایند که روس - ک دست بردارد بکوست وانه مازدوات مشارالیه دست و پا خواهد زد که ازین ورطه خود را عاجلاً نجات دهد - پس چیزیکه روس را از جنگ باز نواند داشت و نگاه است اول اغتشاشات و غائلات داخله دوم - سہازات ( بالتیک )

شک نیست حکم حینہ بخت روسستان سیاه شده میتوان گفت سیاه برار بخت براساویان و قلیکه



شماره ۳۱ ۷ ربيع الاول (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۸ ی (۲۰۰۵) صفحه ۵۵

### تاریخ حرب ژاپون

( از شماره ۳۰ )

### استحكامات و مؤسسات عسكريه

ژاپون جزیره ( جوسیا ) را که در وسط راه کلواکه (سیمونوزومی) تا بندرگاههای (مازاسیو) و (فوزان) که متعلق بحکومت قوره است با استحكامات متعدد مستحکم نموده است . استحكامات قدیمی جزیره قلمرو که عبارت از استحكام (لوتخ) بوده باشد خراب و تعدیل بطرز جدید نمودهاست

( مؤسسات عسكريه دولت ژاپون بقرار آنی است )

(۱) توپخانه توکیو که جامع فاوریکهای آنی است

فاوریک فشنگ سازی که هر روز سیصد فشنگ اجمال مینماید

فاوریک فشنگ ریزی که روزی ده هزار فشنگ اجمال مینماید

باروخانه عسکری

فاوریک آلات نازک ریزی

فاوریک برقی اسب و ارابه

(۲) توپخانه اوزاق که محتوی فاوریکهای آنی است

فاوریک فونداق

توب فاوریک لوله سازی - لولههای اجمال نشده که از اروپا اقیاع کرده می آدرند در آجر اجمال مینماید

فاوریک اذابه هر روزی صد طوتا معدن فونیت موجود مینماید

فاوریک فولاد یا خشک

پولاد خانه

باروت خانه

فاوریک بر کردن کوله ما

سراجخانه

(۳) باروت خانه ( آبیاشی ) و ( ابواخان )

(۴) در سنجود فاوریک ماموت

(۵) انبار معمولات

دولت ژاپون حبه تجهیز و اكمال لوازم عسكريه و حربیه آنچه لازم دارد همگی را بدون آنکه بخارج مراجعت نماید در قلمرو حکومت خود بلفظاً با بالغ تدارك مینماید

چون در اراضی ژاپون برنج بسیار زرع میشود لذا مهارای آنجا عارضه دار است و حبه ورزش قوای جسم عسكري بالطبع اراضی وسیع خالی یافت نمیشود لذا از طرف دولت در مواقع مختلفه اراضی بسیار اقیاع و حبه ورزش عسكري تخصیص نموده که آن اراضی ملك و دولت و دائم آماده و حاضر است

[ باقی دارد ]

### هنکامة مشهد

بذرایع معتبره رسیده ظاهر میدارد اغتشاشات

وقایع نگار روز ناما [ طلص ] مینویسد رپورتیکه در مشهد روی داده از اثر بلوای (مادکوبه) بوده .

ظاهر میدارد که حکومت آنتنای روس در طرف شرق ترکستان مصروف جمع قشون و تهیه مدارک است و خیلی در جلب قلوب اهالی سامی میباشد تلگراف هم همین دهم اپریل از (تاشکند) تکذیب این خبر را مینماید که در لشکریان سرحدی روس تبدیل و آفرین شده فقط برای آنزه دن عساکر قلعه (کاشک) آنکه قشون فرستاده شده و نیز بیان شده که لشکریان (مرو) از آنجا به جای دیگری منتقل خواهند شد و هیچ قشونی از ترکستان (انبرک) نرسیده الا عساکریکه روان تبادل قزاقان فرستاده شده بود

**مکتوب یکی از موثقین**  
(از شماره ۷۸)

در اعیاد و جمعه ها که روز مخصوص مسلمانان روسها محل تجارت و کاسبیشان باز و در آخرای تجارت آزادند ولی در روز (یوتی) آنان سگها و گاوین مسلمانان را حکومت می کشد و اگر کسی دکان خود باز کند از او جزای قندی میگیرند. قریه قران او بازی (مسو) کاغذی روسی العبارة که از سترجات او کسی آگاه نبود آورده مسلمانان گفتند باید آنرا امضا کنید مسلمانان ابا نموده فوراً خبر دادند و بیست نفر سادات آمده و با ضرب چوب مردم را مجبور بامضا نمودند اینو حشگری بی سبب ساداتها میگفتند که این چوما را بر شما عزیزیم بلکه خرق مبارک بزرگان دین شما میگویم و قدر امکان از حقارت و ادیت در رخ نمودند و همچنین قریه (تیکالی) که از قرای شهر قرن او بازی (اسپاس) سادات آورده رخی از اهالی را تکلف و حیوانات آنان را بزد و شکست و قندی که در قوه داشتند ابد و ادیت نمودند - اینتل کار بجای رسیده هیتکه اهالی میفروند جگر می آید اطفال خود را جبهه آنکه از شر سیاه می هم محفوظ بماند بدعات دور از راه برده بسیارند

و همچنین بشی قران او بازی (بجکاری) جبهه امضای بکافند. جمهوری آلمانی پیش از دو دست تر سادات آورده و دوازده نفر حبس و مردم را مجبور بته و بطور فوق الحد و تصور حرکت بر بریاه مدعی بروز دادند که قهری نیست - وحشت را بجا رسانید

همینکه اهالی مشهد خبر فساد ارمنه را در نادره شنیدند تصاب اسلامیتان محوش آمده و اختیار بر ارمنه غیض و غضب کردند اهالی حکومت قبل از این که اقدامی شود واقف شده ندامت نمودند و از یورو تا جبهه روز شهر امن بود - بیستم مارچ مخالفین برون آمده - خیلی شلوغ و غات کردند - و آبادهای تمار رسیده که مالک آنان ناتارمان از سنت و حماعت و با ارمنه مربوط بودند به بنها بودند - و بر همزات آنها شلیک کردند - حکومت فوراً چند سوار فرستاده جهت را متحر نمودند - اگر آقاان و علمای آنجا اثرات خود را ظاهر نمیکردند خون ریزی بسیار عظم میشد - ربورت واقعات نیست و سم ما ج انتشار زیاد پیدا کرد - ارمنه خود را در قوسلخانه ابعالی و انگلیس و دقار حکم بق دستور داشتند

**تردید تلگراف روتر**

اخبار (استیمن) کلانته سی ام اپریل مینویسد - موجب تلگرافیکه در روز از (ساگون) کلانته رسیده خبریکه گرفتن جهازات روس چهار کشتیهای رخ ژاپونیان را اشاعت یافته مقرون بصحت نیست

**طهران**

**ترجمه از اخبار استیمن**

در طهران بطریق نیم رسمی اعلان شده که اعیان حضرت شاهنشاه جججاه ایران امسال به مشهد مقدس نهدت فرما نخواهد شد و در اواخر اپریل از راه رشت و نادره به انگلستان تشریف خواهند برد - بست و یکم مارچ در (طهران) فرمان مایه دربارة تجدید نظم و سق قشون ایران شایع شده از روی انتظام جدید دوازده اردوی کامل مشتمل بر سواره و پیاده و توپخانه مرتب و هم اردو زیر سرداری خواهد بود ششم اپریل دوباره تربیت اردوی اول مشروحاً احکام شایع گردید - این اردو مشتمل بر هفت هزار و هفت صد پیاده و با صد توپچی و دو هزار و نه صد سواره است

**روس و ترکستان**

دوم اپریل وقایع نگار (استندرد) از (توسبرگ) چنین مینویسد - اخباریکه از (تاشکند) رسیده

# شماره ۱۳۳۳ - دی ماه اول (۱۳۲۳) - فصل اول - دوازدهم - سی (۱۰) صفحه - (۱۳۳۳)

که برنجی اطفال از خوف عقل خود را ضایع نمودند  
 و کیویات چهار در بوکوله اهل چندین قریه  
 را چوب بسیاری زده و چند ماه حبس نمود و ستم‌های  
 فوق العاده اجرا نمود هر آنکه استعلاص  
 نمود دست و سرش کزید فرار نموده و خود را بدیار  
 اسلام رسانیده در دارالسعادة و کوتاهی مسکن نمودند  
 با آنکه چهار صد سال در آن سرزمین با روسیان  
 همسایه و همخوابه بوده و هیچ مضرت و خلاف السابق  
 از طرف ما بدانان نرسیده ما را دچار اینگونه رنج و  
 محن میسازند و به اکثر قریه و قرای ما مسلمانان  
 مأمورین آن دولت اینگونه اوراق مجهول‌الآل را آورده  
 زور جاق می‌امضایانند و خود را هم مدعی می‌شمارند  
 تحمل اینگونه جنس و اذا فوق طاقت بشر و مایه  
 محویت عالم اسابت است

چند سال قبل کورنات (بوکوله) در ایازی نام  
 اهالی همتاد قریه از قرای مسلمانان را در دفتر کشیشان  
 بنام خرسیتان قید نمود. پس از آنکه اهالی آگاه شدند  
 نزد کشیش رفته جکوزی را سؤال نمودند. پاسخ داد  
 بل در دفتر من بدینگونه قید شده‌اید و سواد قید دفتر  
 را به آنان تسلیم نمود. سال گذشته چند نفر عرض آنکه  
 بر حقیقت مطلب آگاه شوید به اسم مسافرت رفته  
 باستپورت خواستند تذکره چی به اساسی خرسیتان بایشان  
 باستپورت داد. اعتراض نمودند بچاق نرسید سبب و  
 علت آنکه در اوراق مجهول‌الآل بنف و جبر از آن  
 بیچارگان امضا گرفته بودند معلوم شد اینک در ممالک  
 روسیه از مسلمانان با کمال عصب و جبر امضا طلب  
 میکنند و هر مجاهد ابا نباید حکم میگوید باز احکون  
 قرال و رای خودم سه سال جزای حبس باید به بینی  
 و حبس بیفرستند. اهالی چند قریه را زیر چوب انداخته  
 آفتاب زدند که از با اقتساد یس از آنکه از نفس  
 افتادند و مقتدر حرکت نبودند سالداتها از سیاست‌گاه  
 بکنار کشیده و خدغن نمودند احدی به آنان مساوند  
 نماید و در اطراف آنان قرال‌گذاروند

از اقوام با نصفت و مرحمت اروپا و از حکمرانان  
 با صروت و انصاف و خروج مدبیت اروپا و امریکا  
 بوجهه اسبابیم نخستین رجا و الهام ما معیت مظلوم  
 که در زیر زنجیر اسارت مفید و گرفتاریم اینست که

امضا می‌کنند جبراً در هر خصوص علی‌العصا دولت  
 از ما گرفته‌است رد فرموده و بعدم اعتبار او حکم  
 اکتند و درثانی ما را این اسارت برهانند تا امروز  
 همه گره مظالم تحمل و بهرگونه مظلومیت ن در  
 داده بودیم ولی اینک چون تمدی و تجاوز بحقوق دینی  
 و مذهبی ما میشود و ستم‌های این حکومت بربری  
 از دایره تحمل بیرون است چارواچار بوجهه اسابت  
 و مردی بدربار دول معظم که در کره ارض اساس  
 عدل را بانی و در حمایت نوع انسانی سهل است از  
 حایه حیوانات هم خود داری ندارند و در آزادی  
 ادیان و مذاهب بقانون عدل و داد همراهی و هم اقطارد  
 بر وجه مشروح پمرض تظلم اجتناساری و رزیم

(۱) حکومت روسیه حقوق ضایع شده و احترامات  
 دینی ما را با رد نماید و امور شرعی و دینی ما را  
 بمحاکم شرعی خودمان تودیع. لطارت مکاتب و مدارس  
 ما را بمحاکم شرعی ما واگذارند و هدایت و امور دینی  
 و مذهبی متجاوز از چهل هزار برادران دینی ما که  
 در (کراشین) ساکنند مداخله نمایند

(۲) اخراج و تعیین رؤسای محاکم شرعی و معذیان  
 را برای و قرار داد خود مسلمانان واگذار نماید تا از  
 علماء اسلامی اخراج نمایند

(۳) حریت دین و مذهب بموم ملت دهد و  
 هر کس در قبول مردین و هر مذهب آزاد باشد که  
 اگر مسلمان دین عیسوی و یا مسیحی بمیل و خواهش  
 خود خواسته باشد دین اسلام را به پذیرد احدی حق  
 تعرض نداشته باشد

(۴) اصناف مسلمانان را که (اذن نامه . پاکت)  
 در دست دارند از دخول بقرا و محال طوائف قزاق  
 و قرغیز محالست نمایند

(۵) بصاکری که از مسلمانان میگیرد ماکولائیکه  
 در شریعت مسلمان حرام است نخوراند و به استعمال  
 مشروبات مجبور نماید و جبراً بمحاربه مسلم سوق و  
 اعزام نکند

که پس از این ما تحمل این امور ناروا ممکن نیست  
 احتمال دارد در میدان ضرب از روی اضطرار عساکر  
 ما را عدم اطاعت اظهار نمایند و در میان عساکر فساد  
 حادث شود که هم مایه ضرر حکومت باشد و هم نام

قتل مسلمانان مینباید می افزاید

اگر کسی از ملت روس عرضحالی بدهد فوراً  
بوقع اجرا وضع میشود ولی درخصوص مظالم وارده  
اگر مسلمان عرضحال منظرانه داده و حفظ حقوق  
خودرا استرحام نماید دوچار جزای حبس می شود  
و کسانی که بمسلمانان جفا و ستم مینمایند حکومت  
بطور آشکارا تصاحب و حمایت مینماید و اشتیای بت  
پرستان از این مساعده حکومت کسب جسارت نموده  
اند هر روزی بیک نوع امرض حال و عرض و ناموس  
مسلمانان نموده و از تجاوزات خود هیچ خوف و  
و اندیشه ندارند ما مظلومان بوجهه آدمیت عرض  
تظلم نمودیم امیدواریم اقوام و دول متمدن اروپ هم  
در حمایت ما در مانندگان خود داری فرمایند والسلام  
مسلمانان رعایای روس

### مکتوب

جناب مؤیدالاسلام - چون مکرر در نامه مقدسه  
اشاره فرموده و با کمال تأسف می نگارند حکمه چرا  
همه عالم متمدن شده الا ما اهالی ایران که روز بروز  
ترقی معکوس میکنیم و رفتار و سلوکان اسباب حیرت  
و طایه عبرت اجانب شده - واضح و مبرهن است که هر  
برکت و صلاح و سداد و عدل و دادی که در عالم  
مشاهده شود چون رجوع باصل آن نموده می بینم متخذ  
از شریعت اسلام است نهایت اجانب دیده و فهمیدند  
اختیار حکم کردند مانند درست کاری درست گونی  
ترك طمع و عدم کاهلی و رحم و انصاف و مروت  
و امثال آن که همه را شارع مقدس امر فرموده  
اجانب اینها را ترك نکرده و باز نظر فرموده شارع  
مقدس در صدد کسب و کمال و هنر و صلحت برآمدند  
و رؤسا و امنای دولت هم اهل کسب و کمال و هنر را  
تفویق کردند روزگار بلکه همه کارشان مرغوب گردید  
در ایران هم اگر باین وتیره رفتار کردند معلوم می شدی  
که از همه جای دنیا اهالیش بهتر تربیت می شوند چون  
صفات رفیقه مانند امراض مسره است که بدیگران هم  
سرایت می کند -

فی بی بی که گاری در عاصزار

بیالابد همه گوار ده را

بکنفر دروغ گو اهل یک شهر را وقتی دروغ

مسلمانان باینگونه وقوفات که از روی اضطرار بروز نموده  
لکه دار شود - وجهه آنکه اینگونه استلال و اختلافت  
بروز نماید بهتر آنکه اصول اخذ بدل عسکری را اتخاذ  
نمایند معلوم است اگر هر حقوق ما را دولت روسیه  
اعاده نماید هم ما کسب استراحت مینماییم هم دامنه  
حکومت روسیه تأمین میشود

اینک دولت روس حقوق شخصی و حقوق همومی  
مسلمانان قفقاز و اذغستان را ابدأ بنظر اعتبار نیاورده  
و هرگونه اشکالات را در امور دینی آنان ایشاء  
نموده و مینماید چندینست شدت هرجه تا مگر بخصوصیات  
دینی و لوازم مذهبه آنان دست تجاوز را دراز نموده  
و ساعت و بساعت بر تعرضات خود می افزاید

امروز که در سایه عدل و داد دول متمدنه  
آزادی دین و مذهب در جمیع ممالک در تحت تأمین  
درآمده - آیا صاحب هیچ دین و آیین تحمل میتواند  
نمود که معبد او را مسکن حیوانات خاصه خلوک نماید؟  
اکثری از مشایخ و علماء اسلام را نفی سهل است  
مفقودالار و یا مسموماً قتل نموده و مینمایند از آنجمله  
است حاجی عبداللطیف که از اشراف علما بود او را  
نفی و مسموماً قتل رسانیدند بسبب آنکه جبهه ادای  
فریضه حج بمسک رفته و در مراجعت از طریق  
اسلامبول برگشته بود که طریق سهل و نزدیکست  
و در بعضی از قرای مسلمانان که در سمت (فوق)  
است اشتیای بت پرستان را آورده سکنا داده اند و  
جای مسلمانان را جبراً از آنان گرفته و باشتیای  
مزبور میسپارند

و در جوار شهر قبه چند قریه مسلمانان را ویران  
و اهالیش را بحدود ایران نفی و تبعید و بجای آنان  
بت پرستان را جای داده و میدهند

بعضی از این مسلمانان مظالم واقعه را نتوانستند  
تحمل نموده بدولت عثمانی دخالت و التماس نمودند و  
بموجب معامدات با آنکه صلاحیت آنکه از خانه هر  
مسلمانی بیش از یکمئات اخذ نمایند محض تضییق و اذیت  
الیوم از هر خانه در صدد مطالبه و اخذ دویست منات  
مینمایند - هر آنکس که مسلمانان را قتل و تلف نماید در  
مقابل یک رشوه مختصر عفو و حکومت ذمه او را  
بری مینماید لذا روز بروز بر عدد کسانی که جرئت

این خدمت و رفتار او بارعبت است شمه از خدمات دولتیشرا معروض دارم. این شخص محترم غیر از صاحب منصب فوج هشتصد نفر سرباز اساطاست از دولت واجب و جیره میگیرد چهار صد نفر سرباز همراه آورده و اینها هم تمام چه در شهر و چه در دهات مشغول دزدی و کار شان تعدی و اذیت برعبت است مسلماً رئیس که آنطور شد تا این اینطور می شود - اعضای ایالت جلیله هم نظر به لایحه حرف زدن و چالوسی کردن این مرد شصت هفتاد ساله افعال و اعمال او را حل بر صحت می کنند و حال آنکه این قبیل امراء بیروت و امنای بی دیانت و انصاف کار مملکت ما را پایجا رسانیده اند مثل معروف است (عیب می جله بگفتی هنرش نیز بگور) حد خطای را اگر ده نفر از امراء دولت اینطور اند یک نفر هم در میان آنها مانند شخص شخص سردار اکرم نیز پیدا می شود که با کمال قدرت و جلالت با آحاد و افراد ناس در نهایت رأفت و مهربانی سلوک فرموده و تمام اهالی را ریزه خوار احسان خود ساخته است نظر بدیانت و درستکاری معظم له از طرف قرین الشرف شاهنشاهزاده اعظم زمام مهام جمهور از کشوری و لشکری بکف کفایت ایشان واگذار شده مثلاً اگر از فوجیکه راجع به ایشان هست و بدیاز آمده صد یا دویست نفر کسر باشد کسی را از جناب ایشان قدرت مواظفنه نیست با این حال هزار نفر که یک نفر بیرونی بانفاد موجود است اگر چه اینها بطلی به حقیر ندارد و مقصودم هم تعلق گوئی نیست غرض استحضار خاطر مبارک است که بدانند باز هم پشه خالی نیست و گذشته از خدمات خودم دلم از این می سوزد که اینگونه مردم را با این دیانت و درست کاری آن گونه آدمها متهم نمود با اینکه در عوض چهار صد نفر حقوق هشتصد نفر را زده گرفت و با این قبیل بانواع واقسام مال دولت و دروات را می بخورد و در جواب طلبکارهای خود می گوید دیوان حقوق مرا نداده است استماع از حضور مبارک آنکه این هر بیضه را در نامه مقدس درج فرمایند که دیگران بدام بلای چنین اشخاص مبتلا نشوند و زنیارات جرب و نرم زبانی این قبیل اشخاص به پرهیزند که - ملوای است ملو از سم قاتل هر کس ایشان طرفی معامله یا کار شده میداند که آنچه عرض شده

گو می سازد یک نفر متقلب که یک نفر زرد برور یک ملک را متقلب می سازد دو حضور انور ظاهر است که این بنده اهل دروغ و تقلب و تعدی نیستم و خدای شاهد آنچه معروض میدارم بیان واقع است که خاطر مبارک مستحضر باشد که تا کنون امرای مملکت ایران بجای تشویق و رعایت چه بر سر کسبه و رعیت می آورند من جمله جناب . . . که اریوم ورود به شیراز بمناسبت شغل خطاطی که دارم هر وقت فرمایشی داشته بنده را احضار می فرمودند و هر خدای سکه رجوع شد بخیمال اینکه راستی و درستی در خدمت بزرگان پایده و نتیجه تواند بخشید کارشان را در کمال دقت انجام دادم و در قید نفع نبودم. تا اینکه فرمودند قدری پارچه اکتیاع کن باید ملبوس برای سرباز تمام کنیم. پول خواستم قدر قبلی دادند که خود راه بینداز تا فلان روز میدهم چون بنده همیشه در خدمات دیوان بوده دیوانگی کرده قبول نموده خود را در زحمت و ضرر انداخته گول تعارفات زبانی ایشان را خوردم - دفعه اول یک عدل پارچه از تاجر فرنگی خریدم چون در سر موحدیکه وعده داده بود پول نداده به تعارف گذراید تاجر فرنگی دیگر محقر حس نداد چون آلوده کار شده بودم و هر روز جناب . . . شتاب کرده پول نداده کار تمام شده میخواستند ناچار از کسبه بازار پارچه گران تر خریده کار کردم و لباس ها را دادم در عوض مدخول بمد از سه ماه زحمت بخواه تومان از تفاوت قیمت پارچه ضرر کردم و بخواه تومان هم از اصل قیمت ملبوس که تصنع کرده بود ندادند مطالبه کردم آبروی حقیر را هم ریخت تصور فرمایید یک نفر کاسب که اینطور صدمه و ضرر بخورد چگونه می تواند کاسبی بکند و این قبیل اشخاص که جزء امرای لشکر اند در شهر و سواد اعظم سکه اینطور تعدی و اذیت بکاسب فقیر نمایند در بیابان و سرحدات و ولایات بیده سکه دست رعیت فقیر بجائی نمی رسد چه قدر تعدی و اذیت برعبت بچاره خواهند کرد - این قبیل رؤسا که خود برعبت تا این درجه تعدی میکنند تا این و سرباز چه خواهند کرد چنانچه شیخ عابد الرحمن میفرماید اگر ز بلغ رعیت ملک خورد سبی بر آورند غلامان او در حالت از بیخ



صدق است اول سلیبی دارد و عاقبت و خیمی خوب است مردم آگاه شوند که این راه بر از خراسان بجهت نیوقند الشاه الله مراتب مرض اولیای دولت قاهره نیز برسد رسد جمال او از خیانت بدولت و اذیت رعیت طارعد شد

### مکتوب یکی از مسافرین

مؤیدالاسلام - خدایت جزای خیردهاد - بعد از مراجعت از سفر عتبات طلیات عبودم به . . . . . افتاد بافاتی موسقی در بازار پتفرج بوم شخصی را دیدم که نمره از جراید مقدسه را در دست و قرائت مشغول بود - ملاحظه کردم مضامینی در او مندرج بود که موجب تنبه عموم میشد - خاصه از حرکات بزرگان با زبردستان و تنظیم مظلومین از ظالمان - فی الحقیقه اگر بدقت ملاحظه شود همین جریده فریده اسباب تعفن و رسیدن بمقامات و تربیت ما تواند شد - دوستم رو بمن نموده گفت - در اینصورت که می بینی جراید بدون شایسته افراض مطالب عام المفسه را درج مینمایند خوب است مختصراً وقایعی که در این چند روزه اقامت خود دیده گوشزد افاسی و دانی نماند شرمند که از ملاحظه واقعه که پیشم خود در این سواد اعظم که وقتی محل سلاطین با هنر و تمکین بود دیده خیلی متشوش بوم ناچار اجابت دوست را از لوازم شمرده بافاتی در گوشه که خالی از اغیار بود رفتم و مشغول برص واقعه شدم

روزی با دوست خود بعزم تفرج بیرون رفتم و در سکوی و برزن میگردیدیم ناگاه جمع (ملکم) صاحب تاجر انگلیس که سابقاً با او در بوشهر آشنائی داشتم افتاد با نهایت شفقت بسوی من آمده دست داده به صحبت و تجدید عهد مودت مشغول شدیم - ناگاه جوی از زن و مرد را که از اهالی رستانی بودند دیدم همه با حالت زار و چشمی اشکبار با دوسه نفر فرانس میرفتند (ملکم) صاحب بمن گفت چند روز است این جمعا در این اطراف می بینم و از حالت پریشانی آنها پریشان میشوم خواهش دارم کرم فرمائی و پرسش نمان که مصیبت آنها چیست و فریادشان از کیست من بسوی آنان رفتم و از حال آنها جويا شدم یکی از از روی تغییر گفت چرا نمیگذاری بدرد خود بپریم سر خود حکمیر و دامن بر آتش دل سوختگان زمین

گفتم ای برادر عزیز درد خود بازگوئی شاید دومی داشته باشم و مصیبت خود بیان کن بنا علاجی توانم نمود گفت چگونه با گفتم خوشتر است ما از اهل فلان ده هستیم به پسر حاجی حزن نانی از روی صدق یا کذب البیاض باقی نسبت زنا داده شده بمجرد لبه بدون تحقیق و رسیدگی از جانب ضابط محکم بشارت و نهب اموال پدر و کسان و محله او صادر شد مأمورین کردند آنچه کردند و نمودند آنچه نمودند هرچه از منقول در خانهای آنها بود بتاراج بردند مجدداً محکم از ضابط محل صادر شد اینها را که بوده شده بافراض حکومت وافی نیست باید طرفین طارش و معروض متحمل جریمه وافی کافی شوند مأمورین مجدداً خانه های طارش و معروض را برصه نهب و غارت در آوردند (ملکم) صاحب رفته رفته خود را با رساند و مطالب را شنید و از روی تعجب بانها گفت اگر راست میگوئید و اموال شما را غارت کرده اند دیگر بکجا میروید گفتند اگرچه اموال ما را غارت کرده اند ولی مأمورین هنوز در خانه ما نشسته و الواط فتنه جو با آنها هم دست گرفته حال با این مأمورین خدمت ضابط شرفیاب میشوم که قرار جریمه کلیه خود را داده اطاعت نمانیم که دیگر مأمورین متعرض ناموس ما نشوند - این را گفت و در کمال عجز باضطراب تمام روانه شدند (ملکم) صاحب دست مرا گرفته روانه شدیم و از روی تمسخر می گفت شما دین خود را بهترین ادیان و شریعت اسلام را بهترین شرایع میشمارید چرا باید بمجرد تهمت منسوب بلیه مصدر نهب و غارت و یا پال سنگ حوادث گردید یا آنکه بالفرض جنایت پسر - پدر و خویشان و اقارب بلکه اهل محل که در این نسبت شریک نبوده چه گنا دارند در صورتیکه صدق و کذب آن معلوم نیست نباید محکوم نهب و غارت کرد بلکه طارش و معروض و کسان و بستگان طرفین منسوب و تراج شوند واقعه اینگونه که دیدی و مطلب اینکه شنیدی دیگر خوب است دین خود را بهتر از ادیان و قانون خود را بهتر از قوانین دیگران ندانی خدا میداند که از این شهادت جالسوز و تمسخر دل گذاز بچه قسم دیوانه شدم هزار مرتبه مرگ خود را از خدا طلب نمودم گفتم پروردگارا این چه طالع بر من نمود و چه وضع نامیمون

کرمانشاهان واقع و دارای هفت هزار نفوس و قسم اعظم اهالی آنجا گرد میباشد (اوشو)

در شمال غرب ساوجبلاغ در اراضی کوهستان قریب بمحدود عثمانی واقع و اهالی آنجا گرد میباشد (ردزون)

در غرب جنوبی ارومیه نزدیک بمحدود عثمانی یک قصبه کوچکی است که اهالیش گرد میباشد

ماکو

در شمال دشت جالدران در زمین سنگلانی در ساحل نهری صکه نهر ماکو مینامند واقع و دارای پنجهزار نفوس است چون در روی جاده تبریز و بازید و ارضروم واقع شده بازار تجارت در آنجا رونق بسیار دارد و قسم اعظم اهالی آنجا گرد میباشد

در بلاد ایران چون این قصبه از همه قریب تر بشمال واقع شده و در طرف شمالی مملکت است در زمستان هوایش بشدت سرد میشود ولی بسیار سالم و سازگارست

در جوار ماکو مغازه بسیار جیم و سبی موجودست دهن مغازه قسی واقع شده که گویا میخواهد قصبه را بدم دوکشد - دو بست متر عرض او و چهار صد متر عمق او میباشد ظاهراً در اوایل این عصر محل سکنای یکی از خوانین کرد بود و مخصوصاً بنا شده

ایالت گیلان

ایالت گیلان - یکی از سه ایالت بزرگ دوات عالی ایران که در ساحل دریای مازندران واقع است میباشد - حدود او شمالاً قفقاز شرقاً دریای مازندران و ایالت مازندران جنوباً و غرباً با عراق و آذربایجان محاط و محدودست

(احوال طبیعی)

سمت شرقی این ایالت را دریای مازندران احاطه و سمت غربی را کوههای گیلان و جنوب و قسمی از شرق جنوبی با سلسله کوههای مازندران محدود شده در ذروه این سلسله ها که مذکور گردید در نقطه تلاقی حدود گیلان و عراق و آذربایجان کوهی بنام (آبی داغ) به ارتفاع چهار هزار و صد متر موجودست و همچنین کوههای سلطان که با مینوی

است که مارا در او واقع نموده دیوانه وار جوابگیم ای بار خدای بزرگ ما را و این ترهات با نسبت بقانون و دین محمدی صلی الله علیه و سلم مده این کتاب ماست و این قرآن ماست که میفرماید (ولا تروا وزارة و زر الحری) این قانون ماست که میفرماید ادعای زنا آبت نمیشود مگر بچهار شاهد حال که (کالمیل فی الکحله) دیده باشند اگر مدعی چهار شاهد عادل نیارود باید بوی هشتاد تازیانه حد شرعی زد (باقی دارد)

جغرافیای ایران

از شماره ۳۰

(میان دو آب)

در وادی که از آب رودخانه (جلائون) مشروب میشود واقع و اراضیش صالح از برای هرگونه کشت و زرع و محاط با باغ و باغچه میباشد و اینک اهمیت نخستین او از میان رفته است

(پناب)

این قصبه در دامنه جنوبی کوه سهند - و کنار رودخانه (صوفی) در کنار راهیکه از تبریز بمرافه میرود واقع و دارای هشت هزار نفوس است و هر طرف این قصبه با باغ و باغچههای لطیف محاط رواج بازار تجارتش بالنسبه بخود از مرافه بیشترست (ده خرکان - یا - ده خارغان)

قصبه کوچکی است که در بیانه دامنه غربی کوه سهند و ساحل شرقی دریاچه ارومیه در کنار راهیکه از تبریز به پناب میرود واقع - و بسبب چگنمههای مرص که در آنجا موجود مشهور و معروف است لوحه های شفاف که از اجزا برون می آورند در اکثر جایهای آذربایجان بجای بنام آینه بکار میرود

این قصبه در هشت کیلومتره ارومیه در ساحل غربی دریاچه در دشت بسیار منبسط در سکندر رود معروف به (نازیجای) و در روی جاده فباین ارومی و دیلمتانی واقع - و اکثر اهالی آنجا نصرانی میباشد که با تشویق مسیونرهای آمریکا مذهب پروتستانی را قبول نموده و از مضافات ارومیه است

(ساوجبلاغ)

این قصبه در نقطه تلاقی راه مومل و سلیمانیه و

مادان آهن معروف است و در سیده غربی سکوه  
مازندران که از سمت شرقی گذرگاه منجیل آغاز میشود  
شاهة تخت سلیمان که به ارتفاع چهار هزار و چهار  
صد مترست موجود میباشد

چگونگی کانه کوههای این ایالت در مبحث احوال  
طبیعیة ایران در ذکر جبال مفصلاً بیان شده که این  
کوهها با درختان جنگلی مخلوند

زمینی که مابین سلسله جبال تا ساحل دریای  
مازندران واقع و محصورست در سمت شمال بسیار  
گرم هرض و در سمت جنوب نسبتاً وسیع است و  
اراضی مزوره را سفید رود و تابهای سفید رود و  
رخی نهرها و رودهای کوچک دیگر آب یاری نموده  
و در نخستین پایه مثبت و محصولدارست در اراضی  
وسط این ایالت شادوك بسیار زرع میشود و از آنها  
که بهوای گرم و راطب دریای مازندران معروف است  
مشهور است که موایش مورت تب است - مجموع  
خوس این ایالت قریب به يك ملیواست (باقی دارد)

### ضوابط و قواعد

#### انجمن تجارتي ایرانیان بمبئی

(در استحكام روابط تجارتي مملکتین ایران و هندوستان)

(۱) مقصود از انعقاد این انجمن ازدیاد  
روابط تجارتي ایران و هند و تحصیل اتحاد و اتفاق  
بین تجار ایرانی مقیمین بمبئی است

(۲) در این انجمن مطالب بلتیک و سیاسی تا جائیکه  
متوسط معاملات تجارتي نباشد مذاکره نخواهد شد

(۳) این انجمن عیوب و نقائص امتعه ایران را  
به دولت علیه رپورت و رفع آن عیب و نقص را  
خواهد خواست

(۴) اعضای عمومی انجمن و نیز اعضای  
انتظامی آن هماره از ایرانیان مقیمین بمبئی خواهند بود  
(۵) سرپرست انجمن تجارتي همواره نماینده بزرگ

دوات علیه در هندوستان خواهد بود - و اعضای  
انتظامی عبارت از يك رئیس و نایب رئیس و ده نفر  
اعضاء و يك منصرم و يك نھویله دار خواهد بود  
در انعقاد مجالس انتظامی انجمن برای کارپروائی (حضور  
بیج نفر اعضای انتظامی کافی است)

(۶) اعضای انتظامی انجمن تجارتي در مجلس  
عمومی سکه جوی از ایرانیان مقیمین بمبئی حاضر و  
تحت ریاست وزیر مقیم دولت علیه منقذ خواهد  
شد انتخاب خواهند گردید

(۷) از تجار ایرانی مقیمین هندوستان هر کس  
مطالب شرکت در این انجمن باشد با اکثریت آراء  
اعضای انتظامی قبول خواهد شد

(۸) اعضای انتظامی انجمن هفته يك بار جمع  
و مشغول مذاکرات مطالب تجارتي واجبه به مملکت  
ایران و هند خواهند شد و قرار داد مجلس انجمن  
را منصرم ثبت دفتر کرده و بجایهای لازمه آن قرار  
داد را اطلاع خواهند داد

(۹) از تأسیس انجمن تجارتي به موجب قواعدیکه  
چاپ خواهد شد بمجمیع تجارخانه های هندوستان  
و ایران مقاطعات لازمه دیگر اطلاع داده خواهد شد

(۱۰) تأسیس این انجمن را اعضای انتظامی  
بتوسط وزیر مقیم ایران بوزارت جلیله خارجة طهران  
اطلاع داده و آراء خود را در اصلاح نواقص و

عیوب مالالتجارة مملکت در خواست کرده و هم  
چنین از دولت استعفا خواهند سکرد که به حکام  
ولایات از تأسیس این انجمن اطلاع داده و برای

اجرای مقاصد این انجمن که عبارت از رواج امتعه  
مملکت ایران در هندوستان است آنچه انجمن اظهار  
باید بدون مضایقه مساعده در اجرای آن به نمایند

جميع اخبارات و مکاتبات انجمن تجارتي با اولیای  
دولت ایران با صوابدید و در تحت مراقبت نماینده  
بزرگ دولت علیه ایران مقیم هندوستان خواهد بود

(۱۱) اعضای انتظامی انجمن تأسیس این انجمن  
را بتوسط وزیر مقیم ایران بحکومت هندوستان نیز  
رسانا تبلیغ خواهند نمود

(۱۲) انجمن تجارتي در تحت حمایت خود  
مکتب صناعتی برای اولاد ایرانیان مقیمین بمبئی  
عقرب باز خواهد نمود

(۱۳) انجمن کلب (دارالجماعه) که دارای  
کتابخانه و قرائت خانه و سایر لوازم اجتماع باشد  
تأسیس خواهد کرد

دولت و سلطنت را نخستین وظیفه سیاسی و اولین تکلیف ملکی است - و هیچ ملت و دولت را نخواهد بود مگر یا سلطنتهای کوچک و جزئی از آن چاره و مناسی نیست در امر معظم است - که اساس سلطنت و بنیان مملکت داری را بمنزله دویانه مستحکم اند - و بدون این دو هیچ ملک نیاید - و دولت باید از نگردد - و قائم و سائس را از پادشاه و سلطان و امیر و امپراطور و پربندان و دولت و قوال بهرام که بخوانیم و هر نام که بنسیم از توجه تام و مراقبت تام در خصوص این دو فقره ناچار و ناگزیر است - و بتحقیق پیوسته که هرگاه یکی از این دو رکن اصل را اختلالی طارض شود سقف ملک داری سرنگون و واژگون گردد - و سلطنت منقرض و معدوم شود و قومی دیگر را بر اهالی آن ملک استیلاء و تسلط دست دهد

(۱) مسئله مالی و خزانه داری است - یعنی دولت باید همیشه سعی کند که دخل و خرجش مناسب شود و اغلب دخل بر خرج افزونی یابد و هم دخلش بمقدار دفع احتیاجات و مخارج لازمه ملکی بوده باشد تا بدان واسطه بمقاصد خود کامیاب شدن تواند - و گرنه چون دشمن داخلی یا خارجی بدو روی آورد باوجود نسی بودن خزانه و نداشتن مالیه جهت تهیه لوازم و احیای چگونه تواند حریف - را جواب گفت و همچنین در هنگام ساج آبادی مملکت و ترقی تجارت و امتداد خطوط آهن و تلگراف و غیره که وسائل تسهیل تجارت و مزید عمران و حکمت رعیت است جمله موقوف بوجود خزانه معصور و مالیه است - و الا دوکار خود درماند و ملک خراب شود - و راهب باطراف ممالک پراکنده و متفرق شوند

(۲) وجود و تنظیم قشون - چه بدی است بدون لشکر و قشون سلطنت داری محال و غیر ممکن است و هرچه قوای جنگی و تربیات عسکری کامل تر و عده قشون زیاده و انتظامات صحیحتر باشد جهان نسبت سلطنت بزرگتر و قویتر و استقلال و شوکتش قویتر خواهد بود - بخصوص در این دوره که تمام دول بیک اتفاق معنوی در تکمیل و تزیید قوای بری و بحری خود توشان و سعی اند و هر روز بواسطه احتیاجی جدید اوضاع عسکری تدبیرات کلی پیدا میکند

(۱۴) برای مکتب و کتب قوانین مخصوص مرتب خواهد شد

(۱۵) رایه عمل انجمن و مصارف متفرقه از قبیل بست و تلگراف و مواجب سپاهی و غیره را اعضای انجمن هر قسم صلاح دید - در مجلس عمومی مذاکره نموده قرار داد خواهد شد

(۱۶) هیچ مخارج باطلاح منصرف انجمن تجارتی باید نبود و در اول هر ماه مکتب مجلس مقصد شود دخل و خرج ماه گذشته را منصرف به اعضای انجمن پیش نموده امضای صدر انجمن را خواهد گرفت

(۱۷) هیچ مذاکرات انجمن و انتخاب اعضا و غیره با غلبه آراء فیصله نخواهد شد

(۱۸) هر سال در اپریل فرنگی مکتب چند روز بعد از عید نوروز باشد انتخاب اعضای انتظامی انجمن در مجلس عمومی خواهد شد و اگر بین سال یک نفر از اعضای انتظامی استقاده یا جای او خالی شود اعضای انتظامی انجمن یک نفر از اعضای عمومی را بجای او معین خواهند نمود تا سال حتم شده اعضای انتظامی مجدداً انتخاب شوند

(۱۹) در انتخاب اعضای انجمن و قرار داد و سایر اموری که از اختصاص این انجمن است فقط اعضای انتظامی رأی خواهند داد ولی برای انتخاب اعضای انتظامی از اعضای عمومی انجمن رأی باید گرفته خواهد شد

(۲۰) هر کس هر قسم تحقیقات راجعه به تجارت و امتعه ایران بخواند شخصاً یا بذریعه مراسم می تواند به انجمن مراجعه نماید و نیز از ایران تجارتخانهها هر قسم اعلان تالی برای رواج امتعه مملکت به انجمن فرستند در اطاق مخصوص که برای نشان دادن امتعه ایران خواهد بود با کمال امتنان گذارده خواهد شد

(۲۱) در يك اطاق که نام آن اطاق موزه ممالالتجاره ایران خواهد بود نمونه امتعه ایران گذارده شده و هفته يك یا دوبار بطوریکه در تالی قرار آن داده و اعلان شود بمردم ارائه خواهد شد

(باقی دارد)

اصلاحات وزارت جنگ

مهمترین مطالب ملکی و لازم غلظت سلطنتی که هر

و تجربه امام گذشته و مال ماضیه با دوست نشان میدهد که این دو اصل بمثابة لازم و ملزوم اند هر یکدیگر را یعنی در استقلال ملکی وجود هر دو شرط است. و اگر یکی بدون دیگری موجود باشد هرگز قائم ندهد بلکه عکس صورت خسارت و زحمت شود. و بسیاری از سلاطین بواسطه غفلت از این مسئله خوبتر از قرین نکتت و ادبار و رورگار را بر خود سیاه نموده اند.

چنانکه مستنعم عباسی که آخرین خلفاء بغداد بود بسبب سخت ولایات که بر مزاج و طبیعت او غلبه یافته بود در اجتماع ذخایر و ذخایر خزائن و دقایق سخت سعی و جاهد بود. بحدی که دو مصنع ساخته و هر دو را از جواهر گرانبها و انواع احجار کریمه و لآلی، سرمعات و سیدکهای طلاپاشته چندان در استکثار بحملات و بضائع و فائس و البسه فاخره و ادوختن مسکوکات مجد و مجرم بود که در سالی اندک از تمام خلفاء عباسی در ثروت و مکنت در گذشت. و حرص مال و منال او را بر آن محرم کرد که اموال وزراء و مغربان را نیز ضبط کرده از اداء حقوق آنان استنکاف نموده و بدین سبب اغاب و محیده و افسرده شدند. بدین نیز اکتفاء نکرده قشون حاضر و کاب را که شرط عمده خلافت بود با انواع بهانه و وسائل باطراف و نواحی متفرق کرد. سببهای چند نگذشت که از دست هزار سواره حرار ساخوی بغداد آری نماید. لشکرها ثروت و مکنت خزائن و دقایق بغداد و تفرق عساکر و ماترین گوشزد هلاکوخان گردید. داستان حریف قافیه را باخته پس با استعداد کافی و قوه عسکری بطرف بغداد راند و اساس خلافت اسلامی را که قرنهای استوار گشته بود خراب. و بغداد و ماقبها را قتل و قارت و تاراج نمود.

گویند بعد از اسارت خلیفه مقرر شد ابواب قوت و غذا بر رویش بر بندند و نان و آب را از وی مضایقه نمایند چون لشکر جوع هموم آورد خلیفه از پاسبانان، نگهبانان مطالبه غذائی نمود که بدو سدسوع تواند کرد. بر حسب حکم هلاکو طبعی چند از لآلی خوشاب، جو مر کر بها بحضورش آوردند. خلیفه بر آشتی که بن جمله، آگول نیست و گرسنگی را رفع نتواند نمود. مرا خوردن در کار است. پس بتوسط ترجمان هلاکو بوی گفت که چون این جمله سد جوع

نتواند کرد و قایقه برایشان جز صرف در حفظ مملکت نیست چرا پیوده ادوختن و بر لشکریان بذل نکردی که جلو خصم را بگیرند و دشمنیت را جواب دهند. مقصود از ابراد این جمله آنکه کنج و خزانه جهت قشون باید. تا حفظ ملک و رعیت کند. و بدون قشون پول و وجوه قائم ندهد. چه خوب حکیم فردوسی این نکته را بیان فرموده آنجا که گفته است.

( بز میتوان لشکر آراستن )

( ز لشکر بی کینه ها خواستن )

و همچنین قشون موجوده بدون آبادی خزانه و موجود بودن هر قسم لوازم از آذوقه و علوفه و آلات و ادوات حربیه اثر نبخشد خصوصاً در این عصر و زمان که مصارف جنگی و مخارج قشون از حد اعتدال خارج است. دولت روس از حیث عمده لشکر بر تمام دول عالم مقدم است. چنانکه مقدار قشون او را شش میلیون محدد کرده اند. مع هذا بجهت خالی بودن خزانه در هر ض یکسال تمام نتوانست زیاده از نصد هزار نفر بمیدان جنگ روانه نماید و لوازم آنها را بطریق لایق مرتب دارد و اسلحه جدیداً اختراع قشون فرستد و خط راه آهن را متعدد سازد.

بالاخره این دو امر بیک دیگر محتاجند در بقا اساس سلطنت و نه تنها در این قرن تمدن و سیاست که علم ملک داری و حکمرانی ترقی کرده این دو امر تحت مراقبت و دقت آمده و سلاطین و رؤساء را بخود متوجه ساخته. بلکه در قرون اولی که هنگام تاریکی عالم و دوره ظلمت و نادانی بود بیشتر بجانب این دو توجه مینمودند. از اینرو چون دوره بربریت و بجهت انوری انسان اندکی رو به نقصان نهاد و خلق شروع با جمیع و تمدن نمودند و دانستند که در این دوره اجتهای انسان محدود بیکدیگری نمیدی کنند و مشاجرات و منازعات در بین واقع شود و اقویاء بر ضعیفاء دست اندازی کنند و رفع این فایده را سانس و قاندهی باید که باستعانت يك میثت مخصوصه بدل و داد محکم کنند و ستم و ظلم را جلوگیری نمایند. که رئیس و قائد را سلطان و پادشاه و هیئت را دولت گویند. و چون این جمع بنفست نتوانند اجراء احکام عادلانه کنند و بدون قوه جبره و نظمه بر جوجه را انجام دادن نتوانند



## شماره ۳۱۹ - ربيع الاول (۱۳۲۳) - شماره ۸ - ۸ (۱۹۰۵) طبعه ۱۸۵۱

تاجار بنام قشون و سرباز از اتحاد قوم طائفه را در تحت کفالت بپذیرفته با استخدام هیئت دولت و اجراء وظائف و احکام ملکی بگشتند و چون این حزب را شغل و مهمل منحصر بخدمت نوعیه ملت و نگاهداری حالت امنیت و حفظ راحت عموم شد - و نمیتوانستند تحصیل طرق معاش و کسب لایم بپردازند - علی هذا عقلاء ملت و داناتان قوم مصلحت عموم را در آن دیدند که مبلغی که کفای مخارج این جمع را دهد بطریق تقسیم بر عموم بحسب املاک و اراضی یا اغنام و مواشی یا سرشاهی یا بعنوان صادر و وارد و راه داری و غیره بنابر اختلاف احوال ممالک و اتم بدولت نام ضریبه و مالیات و کمرک و سایر اسامی بدهند - تا دولت بدان سبب حفظ هیئت نوعیه خود را نموده در پناه این هیئت نوع نیز راحت شوند - و ظلم و نهی داخلی و خارجی مرتفع گردد

ازین بیان بینی واضح و آشکار گردید که سلطنت در ازمینه قدیمه بر دو پایه و اسطوره بنا شده بود - اول اخذ حقوق بنام مالیه - دوم مرتب نمودن سپاه و قشون و میتوان این مسئله را طبیعی یا تربی بطبیعی دانست - از آنرو که آدمی مد الطبع و بالمطره طالب اجتماع و قوام حیاتش منوط بتمام آن و نه شد است و این جمله موقوف بوجود حاکم و قائد و قوه حربه - این امر متوقف باداه حقوق و رسانیدن مشوره در مخارج این دایره است باین سبب میبایم تمام اقوام و ملل عالم را - باوجود اختلاف تمام در طادات و اخلاق و ساینده و روش و وضع حیونی و اطوار زندگانی که یک فرقه بالطبع طومخوار و دیگری مردم آزار و آلت ایم النفس - یکی طالب سلطنت شخصی - دیگری هواخواه ملوک الملوائف و غیره - که در این دو مسئله متداخل و متفق القولند - اینست که هر سلطنت در هر گوشه عالم تشکیل یافته بر این دو امر مشتمل بوده است - حواء بعنوان ریاست ظاهری - مستند بامور ماشیه و اداره حیات انسانی یا آنکه مستند باسمان و بعنوان ریاست دینی و مذهبی بوده

چنانکه صاحب شریعت اسلام نیز اداء خراج و مقاسمه و خنس و زکوة را واجب نموده و تفاوتی چیز در امم نباشد - زیرا که آنچه از اراضی نمیگیرند بنام

خزاج خوانده و هرچه از حیوانات و حیوانات و انگور و امثال آنهاست زکوة و مأخودی از بابت تجارت و کسب و اخراج معادن و غنائم دارالحرب خنس نام نهاده است - و مقرر بود که این وجوه به پیغمبر یا امام رسد تا در آنچه لازم است صرف شود - و زائد را در بین ائمه مسلمین که بمنزله حراة دواقی است بپارند و در مصارف قشونی و حفظ سرحدات اسلامی و سایر آنچه متعلق بامه است از قبیل مریضخانه و دارالشفاه (اصحاب سفه) و تعمیر طرق و شوارع و بسقن پلها و ساختن مدارس و مساجد مصرف کنند

پس معلوم شد که قوه حربه در هر دولت و امت از نخستین لوازم است - مگر آنکه درباره ممالک وجود قشون بحری و قوه دریایی لازم است چون دولت انگلیس و ژاپون - و بحره - و برنی دیگر را لشکر بری لازم و بعضی را هر دو قوه در نهایت لزوم و اهمیت است - چون فرانسه که از طرف شمال مملکت بری است و از سمت جنوب بحری - دول آسیا جز دولت ژاپون از قدیم الایام بری محسوب شده هماره قوه خود را در قشون خشکی صرف میکردند - و احياناً بر حسب لزوم کشتیهای اادی مرتب مینمودند - ولی چون زمین آسیا از طرف خشکی بیکدیگر متصل بود و چندان در دریا محتاج نمیشدند - لذا این علم را کامل نکرده بودند و در دریا نوردی غالب عاجز میشدند - بکس اهالی یونان و اسپارت و فینیقیها این علم را کامل داشتند - چنانکه قشون ایران با آنها قدرت و جمعیت و تهیه و لوازم که بزم تسعیر یونان زمین حرکت کرده بودند چندین دفعه از یونانیان در دریا شکست خوردند و کشتیهای زیاد از ایشان غرق شد - هر چند بعضی تواریخ با خبر میدهد که صنعت بحر پیشانی سابقاً در چین خیلی رونق داشته و این آلات معروف که حکیم اینالیان اختراع کرد و باستعانت او عبور از دریای هیط امکان یافت - یعنی قطب نما (بوسل) زیاده از هزار سال پیش از این در ممالک آسمان (چین) متداول و معمول بود - ولی بطور یقین میتوان حکم نمود که مسئله بحر پیشانی بجهت تجارت بوده نه جنگ

بهر حال دولت ایران از قدیم الزمان تاکنون دولت بحری نبوده و در بحار هیچگاه دستگاہ نداشته

مهر سنه (۱۳۳۳) کشتی همیون مغربی از دور بنظر و برق شیر و خورشید بالای دکل که علامت رکوب ایشان و نشانه مأمورین باشراف و شان است جلوه گر آمد - بعد از چند دقیقه کشتی مزبور در جای مناسب فکر انداز اهزاز شد - و علی‌الرسم به قانون بحری بوسیله شلیک توپ ورود خود را اعلام و نوراً برق شیر و خورشید در قلعه مسقط افراشته و بواسطه بیست و یک تیر شلیک ایضاً مراسم احترام کردند - که معلوم است نزول کشتی و مأمور دولتی و این حسن وصول و پذیرش و این همه شلیک که از دریا و خشکی شد در مثل مسقط بندر مهی چه همه و مهانی خواهد داشت و در حقیقت از عظمت دولت قویستوکت حکایت میکرد

خلاصه پس از آن چند تن از اطالم و اعیان از طرف حضرت سید فیصل امام مسقط به کشتی نزد جناب آقای احتلامانوه رفته ابراهیم خوش آمد و خلوص نمودند - بعد طاین ایشان و امام و مأمورین و قونسولهای دول متحابه با نهایت گرمی دید و باز دید شد - و امام و غیره از هرجه احترامات شایان کردند (ببجگرگی) قونسول و مأمور پلتیکی دولت نفیمة انگلیس که از نیجای انگلستان و طالم به چندین زبان است سیاهی شایسته بشرف شان داد - و از طرف کاندان و صاحبمنصبان کشتی جنگی دولت مشارالیهما موسوم به [رو برسد] نیز قدمی الوردود تقدیم اهزاز و ابراز رسم و داد و اتحاد گردید - با اینکه مسقط بندر عمومی و دارای اهمیت پلتیکی و تجارتی است و دولت انگلونی از آمریکا و دولت های دیگر از راههای دور و دراز در اینجا مأمور سیاسی و اتصالاً کشتی هایشان تردد دارند - با کمال قرب به خلیج ایران که در سایر مناسبات و ملاحظاتی هم مثل آن است این اول دفعه ایست که در این سنوات اخیره مأمور و کشتی دولت علیه ایران وارد و شناخته شده است و جناب احتلامانوه بر حسب وظیفه از حال نبه و غیره بصدد تحقیق و تدقیق برآمده - این نکته رعایای دولت ایران را برای حفظ حقوق آنان در آینه خلیج امیدوار ساخته است - جریده مقدسه که فی لواقع چاپی مله و مادی دولت است انشاء الله و بیانه مسئله را نگذاشته اولیای دولت علیه نیز این رویه حسنه را متروک و موقوف نغرموده نتایج بزرگ از آن خواهند برداشت

بسیکه تاریخ با نشان میدهد صکه از صکوچکترین دشمن در دریا عاجز و ناتوان بوده اند - در زمان شاه عباس ماضی صفوی اناراقه برهانه پرتغالیسان از مسافتهای خیلی بعید که نقشه جغرافی او را بخوبی نشان میدهد کشتی بطرف سواحل خلیج فارس رانده در آنمکان جزیره هرمز را متصرف شدند - و ایرانیان بواسطه نداشتن قوه بحری از دفاع آنان عاجز بودند - بمجرد آنکه اظهار جدال میکردند پرتغالیسان بواسطه توپهای چند که در کشتی داشتند سواحل را گلوه ریز مینمودند و درمقابل آنها قوه دافعه نبود - بدین سبب با کمال قدرت در آنجا حکمرانی میکردند و بالاخره طرد آنها را سبب این شد که انگلیسان از سالیان دراز بقصد تصرف عرصه و بیع هندوستان گریسته درصدد مندمات این مشروع بزرگ بودند - و این معنی با دست داشتن پرتغالیان در خلیج فارس و دریای عمان منافات داشت - پس با ارسال سفراء و اهداء تحف و هدایا با دولت ایران طرز آشنائی و دوستی افشکنده او را محروک شدند که اعلی پرتغال را از این حدود طرد و تبعید کند - بدینقرار که لشکر ایران از سمت خشکی همه کرده دشمن را خارج کند - و اگر آنها در دریا بمقابله کوشند کشتیهای انگلیسی دفاع کنند این تدبیر خلیج فارس از دست اندازی آنها مصنی شد - دولت ایران با وجود آنکه سمت جنوبش تمام دریاست و احتیاجات بحری او هرروز محسوس میشود در پی علاج این امر برنیامده و ابدأ عطف نظری بسوی دریا و منافع آن نموده اند - چنانکه تاکنون نیز در همین خطب باقی بلکه از شدت جهات مباشرین امور حقوق طبیعی خود را در دریاچه خزر برابگان تقدیم همسایگان کردیم (بقیه دارد)

حضور ورود کشتی مخصوص و مأمور

محترم دولت بد مدت ایران

به مسقط

یک دو روز قبل بود جناب احتلامانوه کا گذار کل هرمز - امور مخصوص دولت علیه در دریا - در چاه بهار به (مسقط) بواسطه در دریا انتشار و اعلان شده و هرکس در انتظار و نگران بود - صبح چهارم

## مکتوب از اسلامبول

بإدارة نامه مقدس جلالالتین زحمت میدهد اگر صلاح بناید این ورقه را در نامه مقدس درج فرمایند

امروز در یکی از روزنامه‌های روسی گفتشاش  
ماخذه روسیه را خواندم پایه تأسف گشت که ا. عدم  
انصاف در روزنامه نام شورشیال و بعنوان اشقیای یاد  
کرده بعضی ملامتها نموده لذا لازم آمد که حقیقت مطلب  
وجهة شورشی این اشقیایا را بنویسم تا مطالعه کنندگانرا  
معلوم شود که این شورشیان از چه راه شوریده حرف  
حساب دارند یا درین موقع سخت بدولت خود خسارت  
میزنند یا مضمون این شعر را برای دولت میخوانند  
( بخور آفتاب تا که جانت بیاید )

( نه چندان خوری کرده‌هانت برآید )

چند سال پیش در کتابی مؤلفه یکی از رجال  
سیاسی در ترجمه حال و سر نوشت دولت روسیه نوشته  
بود (اضمحلال قوم روس) چون خیر را در آن فن  
مهارت و اطلاع نبود ندانستم این تاریخ را مؤلف  
از کجا استخراج کرده که در سال (۱۳۲۲) چنان ادبار  
بدولت روس روی خواهد آورد - شاید از سخنان  
حکما ظن و قیاس کرده - ولی این کطالی را ادبار و  
اضمحلال نتوان شمرد - و بلکه این جنگ وظیفه و  
حد دولت را بروسها نشان داد سکه تجاوز از آن  
تکند - چون خیال جهانگیری دولت روسیه بمالیان  
آفتابی بوده از شصت و هفتاد سال پیش بر زمین و  
یسار مملکت روز بروز وسعت میدادند هر چه دول  
فرنگ با ایشان اظهار کردند از اروپا صرف نظر کن  
اروپا بر اهل آن تنگ است ممالک آسیا وسیع و راهش  
بروی شاهنشاهه اگر رو آسیا روی مارا با شما  
کاری نیست این بود که بعد از جنگ آلمان و فرانس  
دولت آلمانیه سخت ایستادگی کرده گفت حق نداری  
که قدمی ازین فراتر نمی دیگر قسمت شما در اروپا  
بماند و بلکه حصه شما زیادتو گفته - از آن وقت تمام  
خواست بصر آسیا دولت روس معطوف شد جهل  
سال است بلا مانع هر روز پیش میرود يك دانگ آسیا  
را بچنگ بچنگ آورد اگر این جنگ پیش نیامده

بود مسلماً لطفه آسیا که خاک چین باشد تحت امر و  
فرمان دولت مشارالها آمده بود - ولی در سر آسیا  
حریف چابک دست سواره و پیاده را چنان تنظیم  
داد که رخ در عقب پیل جنگ جو نهاده و اختیار  
از دست وزیر با تدبیر رپوده با حملات عدیده شاه  
مغرب را مات ساخت - هیبت من بعد بتواند قدمی  
پیشتر گذارد و آرزوی سواری پیل هندوستان در  
خاطرش خطور نماید (ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض  
لفسدت الارض) دولت ژاپون آلمان شرق شد - حد و  
سدی برای دولت روسیه بست که بعد ازین بسوی  
شرق گذشتن او متعسر است - این سخن که میگویند ما  
باروسها باید مصالحه کنیم نه تارک یعنی صلح ابدی  
باشد جز این نیست که دولت روس در اقصای شرق  
برآ و بجزراً با آسیا حرب نداشته باشد قلاع ولادیوستک  
باید بنهدم گردد بندر تجارت هموی شود و خیال  
ژاپون از تجاوزات بعد امین گردد - در این صورت  
دولت ژاپون نه تنها بفرافت و آسودگی اهل شرق  
خدمت کرده بلکه بخود ملت روس هم منت نهاده -  
چون ملت روس اکنون که در جراید آنان را با هم  
اعتقیا نام میبرد ایشان فریاد میزنند که ای وزیرای طماع  
شهرت پرست ظالم این چه جنگ است بیکلید چرا  
باید بچنگید کجا میروید ملت ما گرینه و ملک ما وسیع  
و لم یزرع اهالیش جاهل با ملک ستانی چه لزوم دارد  
جهد نماید ملک خود را آباد کلید ملت را تطم و  
تربت دهد از ملت درصد هفتاد نفر جاهل و بیسواد  
مانده برعکس همسایگان ما که اهل دهات و کومایگان  
ایشان آنتب فقیه میزوبسند و علم کیمیا میداند ملک ما  
بازده مرتبه از خاک فرانسه وسیع تر است سبب چیست  
که ما در زیر بار قرض ایشان بائیم ایشان را ارباب  
دائیم و هر ساعت کلاه منزلت در پیش ایشان برداریم  
و با ایشان دست گشاده کدانی نبائیم قرص بکلوی ما  
رسیده از سنگینی بار قرض قوه حرکت نداریم برایشانی  
ملت و هم کلید از اسارت برهائید - سخن اشقیای عبادت  
از این است اگر چه کسانیکه از جغرافیا اطلاع دارند بهتر  
از ما میدانند ولی برای آگاهی عموم هموطنان قسمت  
اروپا را بوجه اختصار بنویسم تا بدانند سکه  
بروسیه چه قدر حصه رسیده رجال با انصاف و سپه

شماره ۳۱ - ترمیم اول (۱۳۷۳) - سال دوازدهم - شماره ۱۹۰۵ (نصفه اول)

حکوه لاق تا مدته بیستون که آسیا حسابست  
 و از شهر [ارمنستان] آن طرف که سبزی نام دارد داخل  
 این حساب نیست حالا باید ملاحظه کرد که اشتباهی  
 روس از روی عقل این شورش را مینماید یا از راه  
 دیوانگی بازی خواهد مالد و خواه دباوه میگویند ملت  
 روسی پیش ازین جنگ واضح نمخوانند شد اگر چه  
 وزرا اعلان مینماید صلاح نما در اینست که صد میلیون  
 لیرا را تاوان جنگ ندهم با این وجه آن قدر خراب کنیم  
 که دشمن را هو و نابود سازیم مسلم است که اینستندان  
 دیپلماتیست اگر مصلحت مینماید با صد میلیون لیرا مشکل  
 است دشمن عو گردد چون روز روز اقتدار مادی  
 و معنوی روسیه گشته و آن مان بقدرت و سطوت  
 دشمن میسازد هر قدمی که پیش میگنارد شوق و  
 جسارت سرباز زیاد میشود و اعتبار و ناموس واپون  
 بر میگردد شامدی بالا از این میشود که در ده میلیون  
 قرض اول در صدی شش سود محل گنگو بود ولی در  
 سی میلیون قرض آخری در صدی چهار و نیم سود  
 در يك روز زیاده بر هشت مقابل در حواست برای  
 ادای آن پیش شدو اینکه بعضی را گمان اینست که حواست  
 واپون در تدارک جمع آوری سرباز ناجز خواهند آمد آن قدر  
 سرباز ندارد اینهم سهو بلکه غلط است به این دلیل  
 که واضح است فراسه سهل مابون رعیت دارد مالک  
 دو ملیان زیاده سرباز است اما واپون سوای قوره و  
 مانچوری که حالا در اختیار و تصرف اوست سهل  
 و هشت ملیان رعیت دارد و قانون اخذ عسکر  
 فراسه و واپون یکیست یا این اصول واپون از جمع  
 آوری سرباز مطلق نمینماید از اول رجال دولت  
 روسیه و روزنامهها هم پادشاه را فریب دادند و هم  
 ملت را اغوا کردند نمخوانده بودند

( دشمن نتوان حقیر و بچاره شمرد )  
 خلاصه عقرب با اقدامات شورشیان روسیه  
 این جنگ ختم خواهد شد يك دنیا را که آرزوی  
 صلح و مساوات بنام انسانیت می نمایند آورده و راحت  
 خواهند نمود هر ملت بقدر وسع تجارت خود صدمه این  
 جنگ غیر مترقبه را کشیده بنده هم حصه خود را یردم  
 ( هر کس بقدر خوبی گرفتار محنت است )

باز قسمت خود قانع نگفت در صدد تزیید اند تا ده  
 سال پیش تحریر نفوس و قسمت اروپا چنین بود

اسامی دول -	مساحت خاک -	کلومترمربع
آستریا	۱	۶۲۲۵۰۰
اسوج نوح	۲	۷۶۹۰۰۰
آلمانیا	۳	۵۱۰۰۰۰
فرانس	۴	۵۲۸۰۰۰
اسپانیا	۵	۵۰۰۰۰۰
عثمان	۶	۲۴۷۰۰۰
برطانیه	۷	۳۹۱۰۰۰
ایتالیا	۸	۲۹۶۰۰۰
رومانیا	۹	۱۲۷۵۰۰
پورتگال	۱۰	۸۹۵۰۰
یونان	۱۱	۵۰۱۰۰
صربیه	۱۲	۴۸۵۰۰
اسویجره	۱۳	۴۲۰۰۰
دان لوفه	۱۴	۳۸۴۰۰
فلنگ	۱۵	۲۳۰۰۰
بلژیک	۱۶	۲۹۴۰۰
قره طغ	۱۷	۹۴۳۰
لوکسورخ	۱۸	۵۶۰۰
آندوره	۱۹	۳۸۵
لشتاین	۲۰	۱۷۸
سان مارنو	۲۱	۶۲
موناکو	۲۲	۱۵
جمع قسمت ۲۲ دولت		۴۰۷۴۰۰۰
تھا قسمت روسیه در اروپا		۵۴۱۸۵۰۰

با این ارقام دیده میشود قسمت روس در اروپا  
 بر این ۲۲ دولت موجوده برتری دارد در شماره  
 نفوس بملاحظه قسمت خاک خیلی حکمت است جمع  
 خاک ۲۲ دولت چهار ملیان و پاصد و هفتاد و چهار  
 هزار کیلومتر مربع است ولی تنها قسه روسیه در  
 اروپا پنج ملیان و چهار صد و هیجده هزار کیلومتر  
 مربع میباشد نفوس ۲۲ دولت ۷۴۹۸۵۰۰۰۰ - نفوس  
 حصه روسیه در اروپا ۸۸۴۵۰۰۰۰۰ هر کیلومتر دول  
 بخیه و پنج نفر نفوس بشمار آمده استکن در اروپای  
 روس هر کیلومتر بنزده نفر نفوس است - از دامنه

حکومت روسیه در روسیه و در هر کارهای فکری خود  
 دراز خواهند نمود  
 هر چه گمان موی که خالیست  
 شاید صکه پلنگ خفته باشد

پارسال در ماه صفر المظفر بنده عنوانی نوشته بودم  
 در نمره ۴۷ سال ۱۱ به تدریج است که این جنگ برای  
 روسها ماقبت مخیر نخواهد شد اغتشاش داخله را یاد  
 کرده بودم چکه نسیب ملت روس در علیه اینچنین  
 بسیاری از رفقا بنفیده بنده خندیدند اول فتوحات  
 زاین را قیاس به ترا سوال و آنگیس کردند و حال  
 حقیر بر فقا خنده نمیکند چه عقاید بسیار بزرگان در این  
 نقطه بود بچاره این دود سوای صلح و صلاح نیست  
 از نصفه زبان برگشتن باز خبر است (الصلح خیر) باید  
 این واقعات مایه عبرت جهانیان شود که هر روز  
 دول متهمه از مدیبت دم زنند ولی حرمین برین  
 خون می نوع بشر بیشتر می شوند خدا کند بعد ازین  
 مخلوق رحم نماند از غضب خالق بشر بترسند سخن  
 بصدق رانند نه این که صبیح دم از صیاح زنند و چون  
 شب شود بر بر سر خفته رانند - محاسن شما (ع - ۵)

تجدد ملت و دولت

ملت عادت است از حی صکه در ملک خاک تا یک نوع  
 عادت و اخلاق سکونت نماید و حوام علیه اتحاد امان  
 یا اتحاد وطن یا دیانت یا حسبیت وغیره میباشد و بدین  
 است این جمله افراد که جمعی از جهات وحدت صورت  
 قومیت و مابست آنان گشته بدقتی در بین خویش دارند  
 صکه حقوق مشترک گویند و سرآنان را در تسهیل امور  
 معاشیه از وجود سانس و قائد ناچار استی - و ساند عبرت  
 است از هیئت خاصی از افراد همان ملت در تحت ریاست  
 یکتن مخصوص - که او را پادشاه و این هیئت را دولت گویند  
 پس بحقیقت دولت از ملت جدا نتواند بود و هرگز ممکن  
 نشود قوت اجنبی را که با سالی بر این ملت تسلط یابد و اگر  
 چندین بطائف الخیل دست یابند بزودی باز از بین افراد  
 ملت برنیزند جمعی که در مقام دفاع و حفظ حدود و حقوق  
 قوم خود برآیند و وسائل دفاعیه فراهم میکنند و بالاخره یا  
 خود را بکشتن دهند یا قوت اجنبی را دفع میکنند چنانکه  
 ملاحظه تواریخ ام و مال این امر را بصحت تصدیق میکند  
 مگر در دو صورت - یکی آنکه قوم مغلوب در طلب مسخیل  
 کردند و تدریجا مضمحل شوند - یعنی عادت و زبان خود را  
 ترک کرده عادت و زبان قوم غالب را بیاموزند و بدان متناد  
 شوند که آن هیچکس مخالفت برنیزد و قومیت جدید پدید خود

و این دو گروه را از یکدیگر و خشیت باقی نماند چنانکه  
 امت مغربی خود ملت عرب مستهک کرده و زبان لاتین  
 مبدل بلسان مغربی و کیش مسیحی بدل بدین حنیف اسلام  
 شد - و بدین واسطه حصریان در جزء ملت عرب محسوب  
 گردیدند و خود را مسلم شمرند و از سلطه اسلامی استنکاف  
 و استکبار نمودند و با صحنون بهمن دین و عادت برقرار  
 مانده اند و بدین سبب ملوک اسلامی را مطیع و منقاد  
 گردیده مخالفت نورزیدند

دوم آنکه ملت غالب در ملت مغلوب مضمحل کردند که  
 آن نیز رافع خلاف و مباحث و جالب و داد و مودت است  
 چنانکه سلاطین مغول و تاتر بواسطه قبول دین حنیف  
 اسلام و ترویج شعائر اسلامی باندک مدتی در بین اسلامیان  
 مستعجل گشته عادات خود را ترک نموده مسلمانان را بطرف  
 خود مایل و رافع ساختند - و اگر هیچیک از این دو امر  
 واقع نشود عماره غالب و مغلوب از هم متفر شوند و دوامی  
 خلاف و لحاحث بر ضدیت دعوت کنند و امینان بکلی سلب  
 شود و باید دانست صکه محکمترین روابط حسبیت و اتحاد  
 قومیت در میان اسلامیان وحدت مذهب است چنانکه با وجود  
 اختلاف زبان و تنامد امکانه و نظایر قاطبی از یکدیگر  
 زنجند و جدیت آشکار نمانند - لهذا مشاهده میکنیم عرب  
 حکم عجم را اطاعت کند و ترک ریاست پارسی را قبول آید  
 و هندی فتوح افغانی را گردن نهد و در مقام نصب و  
 عبرت او را از خود شمار - قائلان اگر مسلمانان در ساحل  
 دریای هند باشند که یکتن مسلمان را که در وسط اقیانوس  
 کبیر واقع است اذیت رسیده و از یک نفر صیبحی نسبت  
 بدو توهین صادر شده بلحاظ غیرت مذهبی متغیر شود و  
 او وی تمصب کشد و بعکس پارسی مسلمان را بر زردشتی  
 که همزاد و هم زبان و هم خاک است استرحام قوی و غیرت  
 وحیت ملی هرگز طاهر نشود - چاکه در موده اند (الاسلام  
 یجب ما بهله) پس هیچ علتی و رابطه بنباه رابطه مذهبی  
 جالب اتحاد نشود - از اینرو مشاهده میکنیم در بین این  
 ملت آذری را که منشاء آنها علاقه دینی است و می بایم آن  
 آثار را در ملل سائر عالم من جمله آنکه چون یک نفر از  
 آنان بنام وقایع دین و حفظ بیعت مسلمان قیام کند اگرچه  
 از پست ترین خانواده ها و مسکین ترین سلم قوم بوده  
 باشد از اصناف در حوالی او مجتمع شدند امر و سی  
 او را اطاعت و پیروی کنند و در اعلاء کله و قوت اومسای  
 جنبه بکار برند و با کمال خضوع و خشوع در محضرش حاضر  
 شوند و هرگز ملاحظه مراتب شخصی و شئون خصوصی  
 را ننمایند - و چنین تصور میکنند که باشرافترین ناس کسی است  
 که در حمایت دین سمیش زیاده از دیگران باشد -

قضیه دعوت حسن صباح و تنهدی وغیره شاهد صدق این  
 مدعی است پس بر اسراء و ملوک مسلمین همواره لازم است دو  
 نکته را از نظر دقت و مراقبت دور نمایند - نخست آنکه  
 می کنند در اتحاد ملت با دولت چه سلطنت اسلامی از  
 بدو تشکیل آن تا قرون چند نمود جز هیئت منتخبه از بین  
 ملت صحت شرع شریف چنانکه نصب خلیفه واجب میدانند  
 محض اجراء احکام دینی - و هر کس از اسراء که تکامل در  
 اجراء نوانیس شریعه میدورد او را مقصر می شمرند از اینرو  
 هموم مسلمین در خلق بعض خلفا متفق گردیدند بلکه کشتن  
 او را بر حسب قوانین شریعه واجب دانستند و ملت موده از جبار



مملکت از وی و مجیده خاطر شدند و بدین سبب بازماندگان او نتوانستند در ایران سلطنت و حکمرانی کنند - یکی از پادشاهان در وقت سرگ بولسید خود وصیه میکند که (ای فرزند شریعت روح و روان ملک داری و سلطنت است اگر قوای تو چندان باشد که بر جمیع سلاطین کره زمین غالب توانی شد و خزانه و ذخیره ات صد سال قشون ترا کفایت دهد مفرود مشو و از جاده شرع و حکم خدا تخطی مکن که در آن هنگام روح در بدن سلطنت باقی نخواهد ماند و بدن بی روح بر دفع مکره قادر نباشد و بزودی قوتت معدوم شود حق لشکریانت از دور تو برآکنده و متفرق شوند و غضب الهی ترا فرو گیرد و ادنی رحمت بر تو مسلط شود - علماء دین را محرم بنادر و در سلوکت با عامه از آنان مشورت کن و سعی نما که قلوب علماء با تو همراه شود که قلوب تمام ملت با تو خواهد بود - و بجز از آنکه آنها ترا در انظار عامی و کتاهکار جلوه دهند)

سلاطین صوبه اتاواکه برهائیم زیاده از پادشاهان سلفه در مراعات این نکته دقت کردند و پیشتر اوقات زمام مهام را بکف علماء اعلام مقرر میداشتند و بدین واسطه رحمت عموم ناس باین طبقه بحدی رسید که خود را فدائی و جان نثار میدانستند و اگر نبود خطب برخی جهلاء و باختردان فرنگی دواز سلطنت از قایل آنها زائل نمیشد و در حاکمات این خانواده پاره نمیگشت - باز هم که دقت کنیم خواهیم یافت که همه علت اختلال مملکت در زمان شاه سلطان حسین صفوی همین معنی است که بیان کردیم - توضیح آنکه چون سلاطین صوبه بر بلاد سمرجستان راه یافتند و در حدود تصرف آن نواحی برآمدند شاهزادگان کریمی که نسل بعد نسل حکمران آن مملکت بوده بنای قتل و فساد نهاده اغلب اوقات موجب آشوب و طغیان میکردند و در دفع ظلمت مجبور بسوق عساکر و صرف قوای حربی و اتلاف اموال و نفوس پیشمار شدند - چنانکه شاه عباس اول مکرر صفحه کرجستان را قتل و غارت نموده باز پس از چندی همان عمل تجدید میشد بالاخره دانستند که محرم سلسله فساد شاهزادگان کرج هستند و توفیق که ترضیه خاطر آنها بعمل نیاید ممکن نیست آن ملک امن شود پس مصمم شدند یک دون از بزرگان آنطایفه را طواصت بحکومتی راضی نمایند و او آنجا که حکومت ایشان بر کرجستان مورت مزید اقتدار و شوکت شان میکردند و ملک کرج را بر هوای استقلال اعانت میکرد صلاح در آن دیدند که در نقطه دیگر غیر از مسقط الراس آثارا بفرستند لذا بحکومت سرقتند نامزد کرده حکمیل داشتند اهالی سرقتند که مسلمان و منسوب در دین بودند ازین حرکت نامنجان سخت برآهفتند و چنین حال کردند که عیبیان محض توهین اهل سنت و جماعت حکومت را بشخص مسیحی تفویض کرده اند - تمهیدات شاهزاده کریمی و حمایت در بار ایران از او پیشتر ماده را غلیظ نمود و بالاخره منجر شد که اهالی بداهیه نصب مذهبی سر بشودش دو آوردند و واقع شد آنچه واقع شد

خاقان خلد آهیلان فتح علی شاه منظور که در حقیقت مستحکم میکنند اساس سلطنت قاجاریه بود در این مسئله پیش از سلاطین سلف دقت نمود و باین سبب تسلیم اهالی ایران از جان و دل سلطنت این خانواده معظم را قبول کردند و علماء اعلام این سلطنت را شرمی شمرند و بر

طایع مسلمین از ملوک بی امیه همان بود که قواعد دین را مرسوم نمیداشتند و بهوای نفس بر مسلمانان حکومت میکردند - بمباره واضح سلطنت اسلامی عبارت بود از انتظاب یکن برای بصرفت و نفوذ مذهب - پس اگر شخص رئیس بوظایف مفرود عمل مینمود و شریعت او اثر زحمات آن قوت میگرفت او را محبوب القلوب گزیده واجب الاطاعه میشناختند هر چند غلامی حبشی بود چنانکه معنی بعد از آل ابوب سلطنت مصره رهین و تیره بود بیدق دار و سلطان سیف الدین قلاوون و دیگران با آنکه از ممالیک بودند دارای دینه و حکومت شدند - و بالعکس اگر از حدود و تکالیف خود قدم فراتر مینهاد منسوب افراد ملت واقع میشد و باندک معنی ارکان سلطنتش متزلزل میگردد

امروز اگر چه تا یک درجه این عادت ضعیف گردیده مع ذلک چون افراد ناس را ملاحظه کنیم و از آنرا رأی طلبیم بل در کودکان این عقیده مستقر است - و هر حاکم یا رئیس که مخالف احکام قرآن دقت میکند بالطبع دوست ندارند هر چند ابواب عدل و داد بکشاید و در بخت صلوات و جوائز زیاده از چند و چون بخشش کند و بهترین دلیل در اثبات این معنی آنست که مشاهده میکنیم رؤساء روحانی و علماء مذهبی آنها را بر میخیزند از کوچک ترین قری و دهات از کثما ترین قریبها در حالیکه اغلب برفوت یومه قدرت ندارند و مدارند و سائل تقوی و حکمرانی جز مرتبه از ظاهرت و علم با حکام شرعی با زهد و دیانت وسی در تنظیم شمارا که با وجود این تمام مسلمین بطرف او توجه میکنند و امر و نهیش را بشناخ احکام آسمانی اطاعت و اقتیاد میکنند - اگر چه حکم جهاد با کفار و ترک یار و دیار باشد - و این معنی در سایر ادیان و مذاهب مفقود است چنانکه سر بجا جمهوری فرانسه یا در بارباب مخالفت مینساید و یلب خلاف عقیده آزا شوی میدهد - ولی کسی گوش بطرف او فرا نمیدارد زیرا که رئیس روحانی در نظر مسیحیان تنها راهنمای بسست آخرت است - حق مداخله در امور ملکی و دولتی ندارد و احکام حضرت مسیح اغلب راجع بامر معاد است اما شرع اسلام کالی بامور معاد و معاش هر دو است

دوم آنکه اسراء اسلامی باید مراقبت و مواظبت در آداب و رسوم مذهب و قواعد و نوامیس شریعت نمایند و لائق خلقی را از اعمال دینی مانع و مزاحم نشوند که جنس مسلمان در آداب خود شدیدالغضب اند بسا شود جهت حفظ رسوم شوردها کنند و طغیانها ظاهر سازند - همسکس میدانند روس و انگلیس هر دو دولت مسیحی اند و اعتقاد بدین مسلمان ندارند لکن چون انگلیس در ممالک خود رعایا را در رسوم و افعال مذهبی آزاد نموده و میبچگاه مترش عقاید ملت نیست لهذا همه و رعایای مسلمان او در هند و دیگر ممالک از او نهایت خشنود و راضی اند و روس بواسطه تعرض بآئین مذهبی و ضبط اوقاف مساجد و مدارس اغلب گرفتار زحمت و خسارت است و فرقی نیست - در آنچه ذکر شد بین اصول مذهب و فروع آن و همان غیرت است که مسلمانان راست در اصول همان در فروع و متعلقات جاری است - نادر شاه افشار اگر چند در راه استخلاص ایرانیان از تطاول افغانان و نجسها کشید و خدمتها کرد ولی چون در اواخر عمر قدری بامور شرعی استغلاف نمود و اوقاف را تصرف کرده جزء خالصه دیوانی محسوب داشت طغیان اهالی

جامه اطاعت پادشاه را فرسوده و چنانکه از مرتبه سحر محروم  
هیچ چیز کاشف الظلم در این خصوص نوبت حقیقت امر  
بخوبی معلوم میگرد

در این عصر مینت صمر که تاج و تخت کیالی بوجود  
قدس شاهنشاه دین پناه آراسته و مسند سلطنت چرخ وجود  
عاهزاده معظم جبراطم زیب وزیر یاقه خاطر خطیر  
حلوانه بطرف این مسند زیاده از سابق متوجه گردیده لذا  
محض استحکام روابط اتحاد ملت و دولت آزاده سنیه حلوانه  
تحقی گرفت که جناب مستطاب ظهیرالاسلام فرزند ارجمند  
مرحوم مفتون حاجی میرزا زین العابدین امام چه توفیق  
حرفه را بشرف مضاهرت مفتخر فرمایند و میل مبارک را  
بطرف رؤساء ملت بر همگان ظاهر سازند - چه بحقیقت قایلین  
مترجم امام همه اسرور در ایران بزرگترین و محترمترین  
خانواده های علم و فضل محسوب میشوند و با عن جند پیشوا  
و مقتدای امامه شیعیان بوده اند و شاه شهید سید نیز نظر  
بشکلی روابط اتحاد با علماء مرحوم امام جمعا را بصاهرت  
خود اختصاص دادند و جناب ظهیرالاسلام از یکطرف از  
قایل علم و سیادت و شرف و از طرف ای محسوب بخانوا  
ده سلطنت و نوادگ شاه شهیدند و شخصاً جوانی است محلیه  
فضائل و آداب آراسته و از ذرائع پیراسته و در نزد امامه  
و خاصه بواسطه حسن اخلاق و نیک معاشرت و سلوک  
محبوب القلوب و نیک نام و جناب حجة الاسلام آقای حاجی  
میرزا ابوالقاسم امام جمعه را شفقت و محبت نعت با ایشان  
زیاده از چند و چوراست - با این حال اسکر چه جوان است  
ولی جهان دیده و سفر کرده و تجربه اندوخته است

شوال (۱۳۲۰) در همین مرحوم والدش شکره معظمه مشرف  
شد و در وقت حرکت بالامبول رفته رسماً بحضور حضرت  
سلطان عثمانی معرفی شده بر حسب دعوت خاص و در تشریفات  
محضر سلطان مشرف و مورد کمال الطاف و اشفاق سلطانی  
واقع گردیده بعد از ولادت بطهران سفیر سکیر جنگ عهد  
اغیه ذان جواهر ممتاز لرترف سلطان عبدالحمیدخان با ایشان  
تقدیم نمود - بعد از فوت مرحوم امام جمعه از طرف دولت  
علیه لقب ظهیرالاسلام بمزی ایه لطف و همواره  
اعلی حضرت قدر قیمت همیونی اظهار حال مرحمت در حق  
ایشان میفرمودند تا آنکه در این موقع که پادشاه دین پناه  
نسب قدیم را تجدید و حسن عقیده خود را نسبت بخانه  
رسالت و رؤساء ملت مکشوف خواست - حضرت علیه  
اقدس الدوله از بنات جلیله سلطنت عظمی که مادرش زهدت  
السلطه از عندوات حرم جلالت و قایل محرم سلطنت و  
تواضع علیه همشیره ابوی حضرت والا ضام المظنه است -  
در عید غدیر که در خلافت حضرت شاه اولیاء و بهترین ایام  
مقبوله است مجلس عقد در اطاق کالاری در محارت  
گلستان دولت مبارک و منینت منعقد گردید فی الواقع جمع بین  
رؤساء مات و دولت را مجلسی ازین هنر و مناسبتر ممکن نبود -  
ز یکطرف حضرت حجة الاسلام آقای امام جمعه دامت  
برکاته صاحب مجلس و میزان علم و فضلاء از طرف دیگر  
خواب والاداب السلطه لمع کبر یخبراتی واردین محترم اعتدال  
داشتند فماً بیصد نفر از امراء و امیان و یکصد و پنجاه  
نفر از علماء و فضلاء تشریف حضور داشتند حضرت والا  
عاهزاده معظم نیز شرف حضور بهم رسانید موی الدوله  
خوانسار مشرفا مبارک و خدمت گذاری بود - خطیب

السلطان سکه و نوبه و مثل نظام المملاتی دارد و در جنبه  
چاکران دولت محسوب میشوند مواظبت ورود مضرات علماء  
اطلام و ترتیب جلوس و لوازم احترامات هرکس بود - الحاق  
مجلس رسمی با این دولت و حکومه کتر دیده شده بود -  
پس بر حسب قواعد مقرر شرعی خطبه خوانند و اجراء صیبه  
واقع شد و نطقهای مفصل مبنی بر اتحاد دولت و ملت در  
این مجلس داده شد که ذکر آنها موجب تطویل است (دولت)  
بجهازای و اشرف بسیار داده شد و بالاخره مجلس بدو  
دوام بحر و دو سکت اعلی حضرت اقدس شاهنشاه اسلامیان  
پناه و مزید قدرت دولت علیه و صدارت جلیله عظمی بخیر  
و خوبی اختتام یافت - اینک مروس و مریس را تبریک و  
تهنیت گفته از خداوند سلامت و مزید توفیقات شان را  
خواهیم و امیدواریم رشته ارتباط دولت و ملت پندها  
پیش از پیش مستحکم گردد و امامه ایرانیان را اسباب رفاه  
و راحت و ثرق و تقدم حاصل شود و باقی التوفیق

تذکرات

( ۲۲ صفر - ۲۸ اپریل )

مارشل (اوکوما) وزیر جنگ ژاپن در مجلسی از  
مجلس نیم رسمی (توکيو) اهالی را آگاه نمود که مستعد  
و مژسد جنگی بسیار طولانی باید باشند -

امیرالبحر (روزبونیسی) پست و ششم شام با دو  
دسته جهازات که یکی هشت و دیگری هفت فروند  
بود از (کامران) حرکت نمود

شب گذشته جهازی که غالباً از دسته جهازات  
امیرالبحر (نوفاتوف) بود بیست فرسخ در شمال (پنانگ)  
بطرف (سنگاپور) در حرکت دیده شده است

(مستر شاب) امریکائی صاحب کارخانه بزرگ فولاد  
اد (پتوسبرگ) حرکت کرد - اهالی (نیویارک) میگویند  
که سار مهارالیه مفید واقع شده - چه گفتگوست چند  
جهازات جنگی که شانزده هزار (تن) وزن داشته باشد  
بطرز جدید فرمایش گرفته - مستر و صوف وعده نموده  
است که جهازات مذکوره را در مقابل کشتیهای دیگر  
بیست درجه مستحکم تر و قوی تر خواهد ساخت

نمایندگان چند در سمیت مستر (لوتیر) سفارت  
نوق الفاده روس به (فیض) یا تحت مراکز خواهند رفت  
اهالی (پاریس) سلوک بلژیکی (آلمان) را در (مراکز)

خیلی اهم دانسته دولت خود را متنبه می سازند حسیکه  
سرحدات شرقی را هر قسم خوانند مستحکم سازد

اخبارات فرانس از حرکت مستر (لوتیر) سفر انگلیس  
اظهار خوشنودی می نمایند و چنین تصویری کشیده ان  
اقدامات دولت انگلیس بهبودی (فرانس) را منضم است

§ بجهاز عرب بر کاروان مصری که از مکه معظمه مراجعت میکرد قرب ( بنبوع ) حمله کرده هلت قر از عساکر را نیز که همراه قافله بود کشته اند

§ اعلیحضرت بادشاه انگلستان با زوجة محترمة شان در ( مارسیس ) رولق آفرورزند

§ جہاز ( جولیت ) از ( مورس ) برای ( ساگون ) حرکت نمود

§ غیر ( روتر ) از ( حدیده ) خبر میدهد که اهالی ( صفا ) خود را تسلیم کرده - فعلاً باغبان در ( مناخا ) هجوم آورده قلعه کیان آنجا نیز نیم باغی شده اند

§ وزارت ابنیه روس امضا نموده که از ( مسک ) تا ( ناشتند ) راه آهن تعمیر شود

( ۲۳ صفر - ۲۹ اپریل )

§ بموجب تلگرافیک از ( واشنگتن ) رسیده سفیر انگلیس فردا بجانب انگلستان روانه - و سفرای فرانسه و ( آلمان ) نیز در اثر آن خواهند رفت - سیاسیون را عقیده این است که این هیئت سفرا به بادشاه انگلستان و قیصر آلمان و رئیس جمهوری فرانسه غیر رسانه اطلاع خواهند داد خواہشات مستر ( روزبولت ) رئیس جمهوری دولت آازونی را درباره صلح اقصای شرق - جنگ بحری نزدیک و نتیجہ اش غیر معلوم است برای فیصلہ امور صلح سخنان هیئت سفراء مذکورہ را اثر عظیم خواهد بخشید

§ در جنگی که در ( وکلوس ) هفت فرسخی ( کانیہ ) در جزیرہ ( کرید ) واقع شد سه نفر بلوآنیان مقتول و شش نفر مجروح و یک نفر سربازان نیز مقتول و سه مجروح و چهارده مفقودالجزیرہ

§ شب گذشته مستر ( لی ) رئیس اداره بحری در ( گامپورت ) بیان کرد که در موسم خزان آیندہ اولین جہاز جدیدہ در ( پورتسمتہ ) دریای خواهد شد مستحکم و مضبوط تر ازین جہاز در مدت قلیل آمادہ نہ توان نمود بعد از ترمیمات و تبدیلات و تجربہ بسیار که از نتیجہ جنگ روس و ژاپون حاصل شدہ نقشہ این جہازات تازه کشیدہ شدہ است

§ اداره خارجه لندن را خبر رسیده ( امبان ) مکه در ( تب ) مقتول شدہ نائب بالیوز بود نہ بالیوز و برای کار مخصوص بہ سرحد میرفت

§ بموجب تلگرافی مکه از ( تانجیر ) رسیده ( تاون بوش ) سفیر ( آلمان ) درجنین تقریر خود بہ وقایع تلگراف ( روتر ) بیان مسکرد کہ منہا گستیون آلمان کہ بہ ( فیض ) میرود این است کہ از مہمان نوازی اعلیحضرت از سلطان امپراطور آلمان اظهار تشکر نماید و نیز درباره استقلال ( مراکو ) سلطان را اطمینان بخشد - ارادہ کیسیون این نیست کہ از سلطان هیچگونه خواهشی نباید یا جلس تجارتي در ( فیض ) احداث کند

§ اخبار ( طمس ) در عنوانیکه درباره ( سیول ) پایتخت [ کوریا ] نوشته اظهار داشته است کہ ژاپونیا در ( کوریا ) مستقلاً تصرفات نموده و خاندان و اعزہ و اقربایشان فوج فوج گروه گروه در آن سرزمین میریزند تاکنون هشت ہزار نفر از ( فوسان ) تا ( یلو ) سلسلہ آبادی آنان شدہ است - و در امور ملتی و دولتی و ملکی بجای اقوام دیگر ژاپونیان منتخب و مقرر می شوند - نہ ہزار قشون بی قاعدہ ( کوریا ) بہ یک سد و بچاہ قر تنزل نموده و این جماعت قطع برای حفظ عمارات شاهی اند و بجای پلیس در ( سکوریا ) سپاہیان ژاپونی معین شدہ شاهنشاه ( کوریا ) و درباریان ایشان متحیرانہ درکنج تاریک جہل بجهالت و نادانی دچارند ولی باطناً منتظر ظفر و قشندی روس می باشند

§ اعلیحضرت ادروہقم از ( مارسیس ) بہ ( پاریس ) رفتند

( ۲۱ صفر - ۲۰ اپریل )

§ غیر ( روتر ) از ( پترسبرگ ) تلگرافاً خبر میدهد کہ جنرال ( لینویچ ) اطلاع داده کہ شب پستہ ونہم دستہ از قشون روس در قرب ( تن کوسان ) بر ژاپونیان متواتر حمله برده و آنان را در پنج نقطہ عقب نشاندہ مقامات مذکورہ را متصرف شدند

§ ادای رسوم ادعیه شب نیچہ ( استیر ) در ( پترسبرگ ) خوب گذشت نیز امروز گمان اختشاش نیست

§ در جریدہ رسمی روس اشاعت یافته کہ بمناسبت میلاد امپراطوری قروضیکہ بمناسبت خرابی حاصل شدہ ( ۱۸۵۷ ) بذمہ زارعین تعلق گرفته و هفت و نیم ملیون لیرا بود دولت معاف نمود - در روز دیگر اعلان شد کہ دولت روس تمام مسلمانان و ( بودہ ) مذہب را

حد ادای مراسم مذهبی و عبادات و حقوق دیوانی و سایر آزادی بخشیده اند

۵ آدیروز (پتسبرگ) به امن و آوایی گذشت و جمعی هم مثل سابق نبود سربازان در هر ره گنومین بودند

۵ اعلیحضرت ادورد مقیم شب گذشت در (پاریس) غیر رسانه وارد شده ملک انگلستان زوجة محترمة ایشان در محبت اعلیحضرت نیستند و در جزایر (مدیترانه) حصر و سیاحت و تماشاخانه

۵ شش جہاز (موشک شکن) انگلیسی از جیل طارق بجانب (مالتا) حرکت کرده تا قبل از حرکت بجانب دریای چین مرمت شود

( ۲۵ صفر - اول می )

۵ غیر (روتز) از (سنگتو) خبر میدهد تمام جہازات (باتیک) که دست جہازات امیرالبحر (توفانوف) نیز شامل است در قریب جزیرة (هینان) دیده شده اند

۵ مسیو (بلغان) سفیر روس در رپورت خود اطلاع داده که اگر مجلس تازه باسم (دومای دولت) از طرف ملت منعقد شود و اعضای آن از مشیران سلطنت علیحدہ باشند اولی است

۵ روز (استر) پتسبرگ بکمال آوایی گذشت از حضرات نیز اخبارات مدعی بگوش رسیده است ۵ کیسیون تجارتی که از هند به ایران رفته بود به بوشهر مراجعت نمود. مسز (نیوکونی) رئیس کیسیون بسبب شکستگی استخوان پاش در شیه از معطل مانده یقین است تا دو هفته عودت خواهد نمود

۵ قونسله های مقیم (کابیه) که در جزیرة (کرید) واقع است از حکومت خواستگار شده که بیرقهای دولت یونان را از عمارات بردارد و رنه قشون دول متحده علیحدہ خواهند کرد

۵ بموجب تلگرافیک از (ساگون) رسیده جہازات [ باتیک ] در بندر (وات) صکته دوخلیج (بان حوک) و چهارده فرسخی شمال (کامران) واقع است خارج از حدود بحری انگر انداخته و کشتیهای سیورسانی روس تا کنون در دریای (ساگون) پآمد رفتند ۵ جہازات جنگی فرانس مأمور شده اند که بیطرفی خرابه را درین جنگ نگاهدارند

۵ (سنگتا) مینویسد که جہازات [ باتیک ] بی موقع درین دریا رسیده اند

۵ رعایای روس از اشاء این خبر در اخباری سنی که همه ارباب مذاهب را کاملاً آزادی در ادای مراسم مذهبی داده شده خوشدل و خرم اند عقیده شان این است که این نپیدات مقدمه آزادی باتیک است و تا کنون این حقوق

بزرگ بر پایا بخشیده نفعه بود

۵ از تلگرافیک امروز عصر از (وارسا) رسیده ظاهر می شود که بر دستة عملیاتیک بمناسبت عید (می دی) بیرقهای سرخ همراه داشته قشون پیاده حمله نمود و سواره نیز بر آنها شلیک کرد. سی و یک مقتول و پانزده مجروح شدند برخی را در شفاخانه و جمعی را به خانهای خود بردند. در حله تانی پست نفر مقتول و مجروح شد

۵ دوفر در میان خانه (پتسبرگ) نارنجک میساختند نگاه یکی از آن نارنجکها ترکیده بسیاری مجروح شدند ( ۲۶ صفر - ۲ می )

۵ غیر (روتز) از (نویکو) تلگرافاً خبر می دهد که از روی تحقیق امیرالبحر (روزویونسکی) از بنادر (اندوچینا) مثل اول ذقال و سیورسات می گیرد و میخواهد که سلسله مراوده خود را برای آینده نیز قائم دارد. تمام جراند واپون در تحقیق حال کمابیک در خاک فرانسه فرار داده شده استفساری کنند. دوات واپون فعلاً مهر خوشی بر لب زده مظنون است که اظهارات اولیة خود را باز تجدید نماید.

۵ شب گذشته ساعت یازده اغتشاش در (وارسا) شروع شد در حوالی (براکا) قشون شلیک نموده چهار نفر مقتول و بسیار مجروح گردید ساعت نه و چهل و پنج دقیقه در شارع مخصوص بین پاسبانان نارنجکی انداختند و فوراً بر آنان سرباز شلیک کرد. از صدمه نارنجک دو نفر از قزاقان و یک نفر از پلیس و دو زن مجروح شد. و از شلیک سربازان بسیاری مجروح و مقتول گشته عدد تلفات بطریق صحیح معلوم نیست چه قشون ماجلاً تمام صوبه را محاصره کرده است.

۵ جماعت زیادی بر پاسبانان (لاذ) حمله کرده و بر سربازان شلیک نموده دوفر مقتول و طفلی را مجروح مکررند. دو از باغیان در مقابله باک از پاسبانان مقتول شد

۵ شب گذشته باغیان نارنجکی میان پاسبانان (لاذ) انداخته صروی بخشید. از آن بعد پاسبانان شلیک نموده سه نفر مقتول و دو مجروح گردیدند

۵ غیر (روتز) از (وارسا) خبر میدهد که در جنگ در روز نه فقط سرباز بر اهالی شلیک مکرر بلکه نوکهای نیزه و سر قنک و شمشیر را هم به کار بردند و دست سر و اعضای مرد وزن و بچه را بسیار در هم شکسته و زخمهای شدید باهالی رسیده. ده نفر از مجروحین در شفاخانه جان تسلیم مکررند. در

تقدیر دوج اموات کم از بجایه نفر مقتولین ثبت شده  
عده واقعه را مستور داشته اند

§ ققون (کاسی) از مضافات (پولند) در وقتیکه  
اهالی در کلیسا اشعار وطنیه میخوانند داخل شده  
حمله شدید کردند در آن میان چند زن کشته شد  
§ اهالی امروز در (وارسا) آرام بودند ولی  
عملجات به کارخانها رفته مردم را به اغتشاش مجبور  
می کردند

§ عده بلوآیان (لاد) به هفتاد و پنج هزار رسیده  
§ از حمله ققون بر کلیسا و خوبیزی که دیروز  
واقع شد اغتشاش زیادی در (پولند) و (لایپسا)  
روی داده است

§ اعلیحضرت سلطان عثمانی عاجلا فرمان صادر فرموده  
که ققون و قورخانه زیاد بجانب یمن فرستاده شود فعلا  
می و دو (بتالیون) ققون روانه شده ولی مظنون است  
که ارشدت گرما ققون را زحمت فراوان رسد

§ امیرالبحر (جانک وس) بر جهاز (گوشان) از  
(ساگون) روانه شده معلوم نیست به کجا بازم است  
§ دیروز شام نارنجکی در عمارت پلیس (منسک) افتاده  
عمارت را خراب نموده جوی بر قزاقان حمله کرده آنان  
نیز جواب دادند - عده تلفات درست معلوم نیست

§ از مراسله که در روزنامه (مارشک پست) اشاعت یافته  
و به (واشنگتن) رسیده ظاهر میشود که دولت انگلیس  
مؤکداً مراسله مطابق مراسله رساله امریکا به دولت  
چین نوشته که بیطرفی خود را از جنگ همه قسم نگاه دارد  
§ روز دوشنبه بجواب مراسله سفیر ژاپون وزارت  
خارجة فرانسه نوشته و بدین امر اشاره شده که احتمال  
قبول جہازات (باتیک) حدود بھری فرانسه را روا  
کرده باشند

§ خبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که تعمیرات  
جہازات جنگی روس در بندر (آرتھر) به آرامی رو  
به ترقی و مظنون است که شش جهاز جنگی و چندی  
کشتیهای (کروزائر) قابل جنگ شود

§ خبر روتر از (وارسا) تلگرافاً خبر میدهد که در  
جنگ دیروز شصت و دو مقتول و دویست نفر مجروح  
شدند امروز زیادہ خوف بنساعت است چه بومیان بر  
حرکات باغیانہ خود افزوده عملجات در حال بیم و رجائند  
در همه کارخانجات غنله اغتشاش باند است

§ صورت خواهشات لارد (کچنر) درباره بازماندگان  
ققون (گورکها) که از زلزله تلف شده در جمیع

اخباراب اغتشاش یافته است  
§ قزاقان روسی در سمیت (نگاکی) تمام امروز عصر  
دین (وارسا) - جارجین از اهل (پولند) را یک همه مدعی  
وطن برستی بوده و انظار وطن دوستی میکردند بیشتر  
نموده و هر دم اینکه یوز دوشنبه به قتل رسیده امروز  
حرمانه دین جواهرند شد

§ دیروز شام باز اغتشاش در (وارسا) روی داد -  
ققون بر جہازات بوسی شلیک کرده بسیاری را مقتول  
فر مجروح ساختند

§ خبر اغتشاش و بلوا از (گرادنو) رسیده افواہاً  
آنها اغتشاش کسب قومیت نموده اند  
( ۲۸ نفر - ۱۵ می )

§ بموجب تلگرافیکه به روزنامه (هللی پبل) از  
(کنکانگ) رسیده گفت انگلیس (تل بائوس) نام  
عصر سی ام ماه گذشته هفده فرسخی جنوب (کامران)  
در حلیج (هان کوی) - جہازات باتیک را مشاهده  
نموده سه کشتی قنارہ در بین (ساگون) و جہازات  
(باتیک) متصل در آمد و رفت بود و حمل آرد - برنج -  
ماهی - سبزی - مواشی و شراب برای جہازات جنگی  
مینمایند

§ ماورین بحری فرانس در جهاز (دانشا) جہی  
از ملاحین را نشانده که جهاز مذکور فرار نماید

§ خبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که اخبارات  
دربارہ سلوک و عمارات فرانسه با جہازات (باتیک)  
بنای همه را گذارده اند

§ باشندگان [پاریس] را عقیده این است که امیرالبحر  
[جان کاروس] خود بر اثر جہازات [باتیک] حرکت  
نموده تا کاملاً بیطرفی فرانسه را نگاه دارد

§ دیروز پادشاه انگلستان با مارکویس [پرتول]  
نہار خورده و تا یک ساعت با مستر [دلکلی] وزیر  
خارجة فرانسه گفتگو مینمودند مستر [دلکلی] از  
سلوک و رفتار شاهانه خوشنود به اداره خروج مراجعت  
عمود - جہی از نمایندگان فرانس این امر را  
اعلیحضرت پادشاه انگلستان بیست دقیقه کامل با توجه  
نام با سفیر آلمان گفتگو فرمود خالی از اهمیت نمیشمارند  
§ اعلیحضرت ادورد هفتم به انگلستان مراجعت میفرمایند  
§ بابعالی درباره رسیدن چهار جهاز جنگی انگلیس  
به [کویت] وزیر خارجة انگلستان [لارد لندون]  
را آگاه کرده متعرض شده - لارد موصوفی جواب  
داده که مرا ازین امر هیچ واقفیت نیست و درین  
ممانع مائل هیچگونه بحث و گفتگو هم نیست



جبل‌الذین کلکتہ

مہیکل کالج اٹوت نمبر

کتابیہ امورادارہ با

مدیر کل مؤید الاسلام است

منظم اداره

آقا محمدجواد شیرازی است

ہر دو شنبہ صبح

دو شنبہ توزیع میشود

بتاریخ دو شنبہ

ربیع الاول ۱۳۱۳ ہجری

مصادف با

از مرکز و مرا بلا استثناء ہوتا ہزار

( منعم گرفتہ می شود )

روزنامہ مقدس

قیمت اشتراک

سالانہ — شش ماہہ

بہند — و ہر مہ

۱۳ روپیہ — ۷ روپیہ

ہو ایران و افغانستان

۲۰ قرآن — ۲۵ قرآن

ہو ہمانی — و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

ہو اروپا — و چین

۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک

ہو روس و ترکستان

۱۰ منات — ۶ منات

# جبل‌الذین

سنہ ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبضہ ادارہ

۱۵ می ۱۹۰۵ میلادی ( خریدار نباید قیمت اخبار را با خودی تسلیم نماید )

در این جریہ از ہرگونہ علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید مافی بحث میشود

مراسلات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست

## فہرست مندرجات

- قابل تقلید و توجہ نمایندگان دولت علیہ ایران
- اثرات انگلیس در ایران
- جغرافیای ایران
- اسلامبول
- تبریز
- از اسر آباد
- عربستان
- شورش افغانان در سرحد

قابل تقلید - توجہ نمایندگان

## دولت علیہ ایران

نمایندگان خارجہ در ہر مأموریت ثابت سعی و توجہشان این است کہ رسوم و نفوذ تجارتی و سیاسی دولت متبوعہ خود را در آن قوم و ملت زیاد نمایند - و درین امر بدو وجہ نمیتوان آنها را ملوم قرار داد - اول آنکہ بموجب دستورالعمل ادارات عالیہ بدین مسلک موظف و بلاسلطہ مہین نکتہ است کہ دول ہر شمنہ اروپ تاخن بہر سرگز بند کردہ و بی ہر نقطہ گذاردہ ہم روزہ سعی بر تقوذ و رسوم وارد آورده اند - دیگر آنکہ چون مأمورین خارجہ صرف و اقتدار خود را در سایہ قوت دولت و عظمت ملت

شاخہ خویشین را شریک نفع و ضرر در امور ما ندانستہ ازین رو نفع خود و اولاد حویم ارد تجارتنی کہ بہر تدبیر توانند روح سیاسی دولت را زیاد نمایند - ملت خویش را در آن نقطہ کہ ہموی در جہم اروپائیان و این مسلک عادت و عہدہ ہم مخصوص حالا دیگر تعلیم و است و درین مسئلہ مداومہ در اصول تعلیم و تربیت آنها دستورالعمل جدیدہ شدہ کہ بداعتاً این نتیجہ را حاصل صغریہ برای اینکہ این مسئلہ سعی را مجسم نمودہ تا رشت بدان درست ملتقت شدہ جای انکار برایشان باقی نماند بیان شدہ از شرح اقدامات مسر ( سائکس ) واپس فونسل دولت انگلیس در کرمان بد نیست

پانزدہ سال قبل کتر کسی از اواسط ماس در کرمان بود کہ از مغرب و مسلک انگلیس واقف باشد - تا چہ رسد بہ رسوم و نفوذ انگلیس در آن شہر شہر و مملکت وسیع تخمیناً دہ سال است کہ مسر موصوف بہت واپس فونسل دول انگلیس وارد کرمان گردید - معلوم است کہ واپس فونسل را اختیار و اقتدار و عزت و وقار در نظر خودی و بیگانہ تا چہ اندازہ است - ولی در سایہ دانش و سعی واقعات نہ تنها خود را از اولین رجال محترم مقتدر کرمان قرار داد - بلکہ در مملکت وسیعہ کرمان و بلوچستان رسوم و نفوذی از انگلیس بجای گذاردہ کہ بدین اجال شرح و بیان آن نشاند - از ہر طبقہ جمی را در سکرمان و بلوکات طرف دار دولت انگلیس نمودہ جماعتی را شیفٹہ بقیہ دولت متداولہا قرار دادہ کہ شرح این مراتب نیز از موضوع این عنوان خارج است - نکتہ سنجان رموز و واقعات کار آگاہ کرمان ملتقت این نکات هستند و میدانند ما چہ میکنیم - این مأمورین کوچک کوچک خارجہ کہ باین سرعت درین مملکت

بزرگ و بزرگ ما تا این درجه اقتدار و رسوخ و نفوذ خود را قرار میدهند همه از نتایج بی علمی و بی اطلاعی حکام و اعضای حکومت است ورنه در هر شهری از شهرهای دول منتهیه صد نفر اینگونه مأمورین خارجه و پررنگتر از آنها موجود و (کان لم یکن) اند چرا که حکومت و اعضای آن عالم با اقتدار و اختیار خود و واقف بمحدود آنها میباشد این است که مأمورین جنبیه نمیتوانند از حدود خود خطوه نموده باز بی عتدالی دراز نمایند لذا عدم وجود مأمورین خارجه در ممالک منتهیه یکسانست تا وقتی که حکومت را دولت از روی اثر و حسب و نسب بخش فرماید همین آتش در کاسه خواهد بود -

بالجه - ستر (سانکس) انگلستان رفته در هیئت ایگه بانجمن وسط آسیا (سنترل ایشین سوسائیتی) معروف است نطقی داده خیالات خویش را ظاهر نموده است بعضی اهمیت آن طمس و سائر روزنامهجات انگلیسی در اخبار خود اشاعت داده ما نیز برای جلب توجه رجال دولت علیه جنباً ترجمه نموده درج در نامه مقدس می نمایم

### اثرات انگلیس در ایران

#### ترجمه از روزنامه طمس

سومر (سانکس) وایس قونسل دولت انگلیس در (سنترل خود) بابتی - انجمن آسیایی وسطی) ضمناً در نطقی در معاملات به ضلای جای مسرت است که وزارت خارجه و نیکو از اثر تربیتی قریب هنداست کمال توجه را دارد - سال باین طرف وزارت - روس با خبر است - از دو سه ماه حاصل کرده - دوهین مملکتین در معاملات ایران حظی پیشرفت نموده است مؤسس اساس نیه عقل و تدبیر کارها لاد (کرزن) است و ثمره اقدامات آن ایرا درین مملکت ایران : هفت صد و پنجاه میل دوازی تاگرافی شدیم : برآمد چند ساله معلوم گردید که سیم تلگراف تبریز - و طهران و بوشهر - و کراچی چنانکه باید و شاید تشیی بخش نیست مطابق مقاله نامه شانزدهم گشت (۱۹۰۱) که در طهران دستخط شده دولت ایران سیم جدید تاگرافی او راه (یزد) و (کرمان) و (کاشان) سرحد بلوچستان احداث کرد - و نظم این سیم به اداره (اندو - یوروپین تلگراف) سپرده شده - یعنی نظم تلگراف مذکور تحت امر انگلیس خواهد بود و اینک نیز در قبضه آنان است - ما با آزادی تمام این رشته تلگراف را برای ایران ساخته مصارفش را دولت متحمل شد - و یقین است - که بعد از یک مدت دراز مداخل آن بر مخارجش خواهد افزود

متکالیته در نظم و نگاهداری این رشته تلگراف روی داد بسیار است - برای عبور و مرور از صحرای بلوچستان که در طی راه واقع است زحمتی فوق العاده پیش آمد - ولی این زحمت نسبت به نگاه داری انتظام تلگراف (مکتوبه) خیلی کم بود - ظاهر است این رشته تلگراف جمیع اقوام را نافع خواهد افتاد - اینک ابداتلگرافات به زبان پارسی زده نمی شود زبان انگلیس رایج و مردم نیز طایفه شده اند - اداره خارجه حکومت هند را با کرمان روابط و تعلق حاصل و مخارجه با حکومت هند این رشته تلگراف خیلی آسان شده است

از طرف مشرق این سیم تلگراف پیشرفت خواهد بخشید و بدین سبب انتشارش بلوچستان و طاقه جات ایران هم وضع خواهد شد - و ترقی تجارت راه (کوئته) و (نشکی) با امنیت تمام آزادی خواهد گرفت - بلحاظ سرعت و رود اوزلی اشیاء تجارقی از طریق بندرعباس خوب است ولی این قدرها محفوظ و امن نیست - همأ قریب از طریق (کوئته) و (نشکی) تجارت فروغ حاصل خواهد کرد - شک نیست که در سواحل بلوچستان و طاقه جات ایران این سیم تلگراف مثل یک رشته راه آهن اهمیت پیدا خواهد نمود -

و این نکته مهم ترین امراض ماست بر ما لازم است که نگاهداری رسوخ و نفوذ خود را به نمائیم - چیزی که باعث ترقی نفوذ ما شود این است که در ایران نمایندگان خود را زیاد کنیم

در آغاز سنه (۱۹۰۳) در تحت جنرل قونسل بوشهر که قونسل و وایس قونسل بود - اینک پانزده قونسلخانه است در سنه (۱۹۰۳) قونسلخانه دو (شیراز) رسماً افتتاح شد این قونسلخانه قائده عظیمه بما خواهد بخشید جنرل قونسل (بوشهر) در معاملات سیاسی ما در خلیج فارس توجه زیاد مبذول داشته ازین دو لازم است که دو موسم گرما به شیراز بیلاق کند و اینجا بماند -

همین قسم از مشهد تا زیت حیدریه که بطامنه هشتاد میل و اثرات انگلیس خیلی موجود است یک وایس قونسل مقرر شد - حقیقت امر این است که در آن مقام دولت روس به بهانه امراض طاعونی و واتی و غیره به تجار هندی - بلی ادیت می رساند - و ما از تدبیرات او کاملاً لاهلم بودیم - حکومت هند برای نگهداشتن حقوق تجار هندی مقرر نمود یک نائب قونسل تعیین شود

سال گذشته در (اهواز) نیز قونسل مقرر گردید در این مقام اهمیت و ضرورت مخصوصه احساس شد - چه ازین جا تا اصفهان که دوسه هفتاد میل است کبابی (لج) راه خوسته خوبی تعمیر کرده است - اهالی آنجا اینقدر ما منتصب نیستند و ابداء شورش و پرخاش با ما ندارند - در (کرمانشاه) نیز قونسل مقرر شده این شهر دورراه بندهاد و طهران در سرحد ایران و عثمانی نیز بزرگ است و تجارت آن دویست هزار لیرا سالانه در بر می -

این امر موثر امراض تجارقی و پولتیکی ما خیلی متزلزل بود و یک نماینده پولتیکی تازه بودی است که از طرف دولت انگلیس ر هدهات - سال گذشته نماینده مذکور از راه سیستان به منتم سفر کرد - و در (بجنورد) که راه سیستان و مشهد و بندر عباس خیلی جای نزدگی است برای ترقی تجارت نماینده خواهیم گذاشت - و سه قونسلخانه که دوسه شهر بزرگ تجارقی خلیج فارس است سر بنی خاص به خیالات حکومت هند می دهد - ولی این مسئله قابل عبور و مرور است که بعضی قونسلخانه های ما در خلیج فارس یکسر با وزارت خارجه مربوط اند با آنکه از مصارف حکومت هند قائم شده - مناسب چنان معلوم میشود که مرجع و مآب همه در یک مرکز حکومت باشد - و بهتر و انبب این است که تحت حکومت هند قرار گیرند و چنان دولت غور و تأمل می نماید که یک اداره مشرقی مرتب نموده که جمله تعلق و روابط نمایندگان آسیائی انگلیس را آن اداره فیصل نماید - و این قرین مصلحت خواهد بود یا نه نمیتوان رای داد ؟ در ملازمین ملکی هند (لندن سروس) نمایندگان خوب برای ایران میتوان پیدا کرد - ولی مصروف بر آنکه

آنها کم عمر باشند و بلحاظ ضرورت و افراض اینگونه  
 مأمورین آنها را تعلیم مخصوص دهند و ملازمت نمایندگان  
 پولتیکسی این خیال لازم است که بدانند در آینده مأمورینشان  
 جانی خواهد بود سکه اهالی آنجا از رعایای دولت انگلیس  
 نیستند - چه ممکن است که آن نماینده این امر را سرکوز  
 خاطر ندارد - گو ایرانی ها کم بضاعت و قادراند ولی بدرجه  
 کمال مغرور و متکبر هستند - و ذره ذره امور را احساس  
 میکنند - باید بحال هوشیاری با آنان سلوک نمود و اگر  
 بنیر فهم و ادراک نکته مزبوره در معاملات ایران مداخلتی  
 شود به انگلیس ضرر خواهد رسید - و نیز نمایندگان پولتیکسی  
 انگلیس را لازم است که در هر نقطه از وضع تاثیر و اقدامات  
 رتب خود با اطلاع باشند و این نکته اهم را هم مد نظر دارند  
 در عمل کمرکات ایران بلژیکها مداخلات نامه دارند و این  
 نیز یکی از حکمت عملی روس است - اهم مسائلیکه نمایندگان  
 را در هر نقطه لازم است مراعات نمایند و ملتقت باشند  
 این است که روس و اثرات دول دیگر را نیز در آن ملک و  
 ملت ملاحظه نمایند - مخصوصاً این حکمت عملی روس است که  
 بلژیکها را در کمرکات ایران دخل داده - ایرانی ها عموماً  
 از معنی جنسیت و نوعیت فرستگها دور اند - دولت روس  
 چنین دانست که اگر ایرانیها نفرت از او کنند از قوم دیگر  
 یعنی بلژیکها نفرت ندارند چه هیچ تعلق سیاسی با ایران  
 ندارد - اینک مسموع می شود که دولت روس با او بالا  
 گذاشته میخواهد انتظام داخلی و خارج صوبجات محتلم  
 بدست آنان سپرده شود تا آنکه موقع یقه بدون زحمت  
 آنان را از ایران بیرون کرده خود بر آن ادارات مسلط  
 گردد - اگر این امر از قوه فعل رسیده افراض سیاسی و  
 تجاری انگلیس خیلی منزول خواهد شد - از قرائن معلوم  
 میشود که بلژیکها در ایران مستحکم جای کرده و اگر  
 تدابیری برخلاف آنان شود نتیجه بالعکس خواهد بخشید -  
 یعنی تا آن زمان در ایران با اندازه قوت خواهند گرفت  
 که هیچ کس برخلاف آنان نتواند حرکت نمود - و بهر طرفه  
 من حیث المجموع اصول انتظام بلژیکها خوب است - و  
 امر برای ما مفید نیست و غلطی سخت شمرده میشود  
 امریکه بظاهر مفید ملک و ملت و دولت است  
 ظاهر غایب - درین صورت حرکت ممانده  
 ما با بلژیکها غلط و کلیه معانی با آن واقع خواهد شد  
 کرن مکوهن) در فیصلا (رودهرتند) اور  
 ضروریه و مفیده در - آن بعمل آورده است در سنه  
 (۱۸۷۷) جنرال (گولداسته) در سیستان حدودی مقرر  
 کرده بود و با رود (هرتند) متعلق شده و راهی دیگر اختیار  
 کرده است ازین رو مجدداً ضرورت به نداشتن حدود و سرحد  
 بندی نوشته در کبسیون (گولداسته) و (مکوهن) است  
 ظاهر است چه فعلاً جمیع سیاسیون توجه خاص در  
 ایران مبذول داشته - لذا برای کبسیون (مکوهن) خیلی ایراد  
 کرده اندیشه شورش بود - ولی در کبسیون (گولداسته) این  
 زحمتها پیش نیامد در سنه (۱۹۰۲) وقتیکه کبسیون حرکت  
 کرد اولاً سخت آثار مخالفت نمایان گشت این امر نتیجه  
 نزدیگاه منویانه روس بود - از چند سال باطرف آریست  
 روس در سیستان پیش از تصور ما زیاد شده بود ولی از  
 افتتاح راه (کوه) و (ننگ) منزول و متدد شده روسها  
 هم قسم می کرده اند که ازین راه تقصانی بجا رسانند

دولت روس برای مزاحمت و ممانعت کبسیون (مکوهن)  
 انری قابل و هوشیار غفلاً فرستاد - و با خیالات آن مأمورین  
 بلژیکی کرک و فرنیطنه خیلی همراهی کردند - آن زمان هشتم  
 الملك) حاکم سیستان بود - ولی در حالت خوف و رجا  
 این نکته را نیکو میدانست سکه بشای حکومت وی بر  
 خوشنودی اعلیحضرت شاهنشاه ایران منوط و خورسندی  
 اعلیحضرت بر خورسندی روس مربوط است  
 طاقت قوتل روس حشمت ملک را به طرف کشی  
 خود مجبور ساخت و نتیجه آن شد که قوتل انگلیس را  
 هرگونه دقت و مزاحمت پیش آمد - و سرداران بلژیکی را  
 بوجهه مخالف و اسلحه اطاعت ما برگردانید - ولی بعضی  
 از آن سرداران وقتار مخلصانه با ما کرده و اسلحه خود را  
 حواله مأمورین انگلیس نموده و اظهار خوف نمودند که آیا  
 راست است که روس میخواهد بلوچستان را منصرف شود یا نه  
 مختصراً روس هرگونه جد و جهد در پیشرفت افراض خود  
 در سیستان نمود با سکوش های زیاد که ابداً قابل تعجب  
 نیست - چه این همه ملک خیلی سرسبز و شاداب است - هر  
 سلطنت هوای تسلط آن را در سر دارد - و این همه  
 کرنل (مکوهن) عزم و استقلال بخرج داد و بر قوتل  
 روس ثابت کرد که اثرات انگلیس در این مملکت بی زوال  
 است و قوتل روس را حیران و پشیمان ساخته طاقت  
 این شد که مقضی المرام گردیده به سیستان روانه  
 و میدان را تنها (کرنل مکوهن) گذارند - سیستان  
 شاخ بنگ شاهنشاهی در (حضرت آباع) (بنگ) روسی هم  
 زیاد شد - اگرچه در مقابل آن در (بلوچستان - ایران)  
 باز نمود - البته جای تاسفین رو (کبسیون) مجارنی هند)  
 آثار اغتشاش نمایان است نماید و از طریق شیرز و رشهر  
 از آنطرف نتازد و شورش بلوچستان که خلاف قیاس  
 هودت رفت در عمل کبسیون خارج واقع شد -  
 فیزی از افراض کبسیون این بود که دو (پود) و سواحل  
 (مکران) روابط تجاری قائم دارد روسها کبسیون تجاری ما  
 را هم به نگاه حسد آمیزی بینند - افسوس این است محلی  
 برای تجارت روس نمی توان ساخت چه مطلقاً تجارت روس  
 در اینجا نیست - و مسلک اخبارات روس که بر کبسیون  
 ما حمله نموده ظاهر میشود که در این امر قدری افراض پولتیکسی  
 شان نیز شامل است - چه دولت روس قصد کرده  
 بود این صناعات را به قبضه تصرف خود آورد ازین  
 واقعات که در دو سال گذشته به کمال سرعت بی بد دیگری  
 روی نمود بقین حاصل کرد که دولت ما مستحق ایران را  
 خیلی عظیم میداند و بیشک در وقت ضرورت آماده و مهیا  
 بودن خود را قرین مصلحت و مناسب وقت دانسته همین نکته  
 در پیشرفت افراض ما بسیار مفید خواهد شد - فرضاً دولت  
 ایران و افغانستان را برای مقابله با رقیب شمالی - در ترارد هم  
 مشکل دیگر پیش خواهد آمد - یعنی این امر را پایدار  
 تصور نتوان نمود - رجال ایران برای پیشرفت افراض روس  
 به روی روسیان رفتار می نمایند از طرف دیگر سلطنت بزرگ  
 (آلمان) از دام گذر کرده از دهه بیج فارس  
 میخواهد سر به روی آورد - چنان معلوم میشود که در عرصه  
 قبیل - سکه راه آهن این نواح موصوع بحث شود - ولی به  
 عقیده من مناسب نیست که گامی در ایران برای توطئه تجارت

جلسه پیشی

بموجب تکراری که از پیشی رسیده بوم جمعه ششم ربيع الاول از طرف مجلس تجارت پیشی بر است جناب آقای میرزا محمد امین التجار (ادرس - خطابه) مبنی بر تشکر و اظهار رضایت از خدمات به جناب منعم السلطان وزیر منیم تقدیم نمودند - و همان روز طایفه زردشتیه پیشی نیز (ادرس - خطابه) مبنی بر تشکر و اظهار رضایت پیش کردند

حبل المتین

جناب آقا میرزا محمود خان منعم السلطان وزیر منیم از حسن سلوک و درصت کای زاید بر آنچه در تقریر آید خود را محبوب القلوب خردی و بیگانه نموده - این است که با احترامی که از طرف ملت این مأمور محترم نائل شد هیچک از مأمورین سابق را حاصل نیامده بود - امروزه چشم ملت ایرانیه خصوصاً در خارجه باز و احساس قبیح و حسن افعال مأمورین خود را می نمایند جناب منعم السلطان در این قبیل ایام مأموریت با عدم آشنائی براسم این مملکت ملت ایرانیه را به افع اعمال نوحه مائل و کارهای بزرگ را انجام دادند - انجمن مظفری که دارای مدرسه مجانی و قرائت خانه رکب است در کاکته و انجمن تجارت پیشی که تازه تأسیس شده و غیره و غیره از اثرات ایشان است اگر درست ملاحظه شود ازین تأسیسات ملت ایرانیه هند را نتایج عظیم خواهد مزید مکتب جدید زردشتیان ایرانی را نیز که بریاست این تأسیس یافت خلی از تشویقات ایشان نتوان گفت - این است که چون ملت اینگونه احساسات خیرخواهانه از مأمور محترم خود دیده در احترامات فوق العاده وی دقیقه از دهبر را فرو گذار نمایند از طرف حکومت هندی احترامی که از ایشان شده درباره سائر مأمورین مراعات نشده بود امیدواریم که با نیل مرام و صحت و سلاقی تام ازین سفر معاودت نموده اقدامات ملت پرورانه دولت خواصه خود را انجام دهند - آنچه محقق است نیم ربيع الاول روز دوشنبه که مصاف با بازدم می است از پیشی بجانب مصر حرکت خواهند نمود

( هر کجا هست خدا با سلامت دانش )

راه آهن ساخته شود چه از بوشهر به انبار راه خلی خراب است و انجمنیها را در مشکلات و زحمت خواهد انداخت و بندر عباس راهی به میدان های وسیع ایران میرسد که آن جا که هشتال و غیره به مقابل راههای دیگر کم است - این طریق از میناب و (دره گنوا) می گذرد و فاصله تا (رزان) دو صد و هشتاد و پنج میل است و درین راه فقط یک فرسخ سکوه است و از (رزان) تا کرمان هفده میل است و راه میان آن قسمی است که اسپ و کالسکه به خرمی و ایسات تمام دور و سرور میتوان کرد در (رزان) خط راه آهن تقسیم خواهد شد و از اینجا شاخه به (مصر) و (اندو - اروپه) گذر کرده به (کویت - ونش) با راه سیستان ملحق خواهد شد و از (کرمان) تا (طهران) راه سه لایر خواهد بود - شک نیست که پذیرفته این رشته راه تجارت روس را اینگونه تقصیر نمیتوانیم رسانید که بقایش محال شود و مسئله راه آهن بنائاتی چند قوه بحری ما را زیاده قابل اعتماد خواهد بود این امر با شمه است که آیا طریق بری هندوستان صورت بگردد یا نه؟ این مسئله قابل توجه است که درین بود و آینده بحری قوه ما افزون بر قریب خواهد داشت - ممالک روس واه قوای سلطنت را ما نگاه توأم سلطنت به ذرائع راه آهن تنه که با وسعت و گسترده گری درین جا شبهه نیست که در بحر متصل است ولی رفت اگرچه ما را از آلمان های روس جانی نخواهد نیست - البته این امر را ظاهر باید داشت که ما در خدمت روس به اینکه خواهشات روس را ضعیف نمیتوانیم شد اعظم کوشش های روس این است که در خلیج فارس سمری یابد و جنگالی شده نماید بی از نقشه جات روس این است که در مملکت ایران راه آهن بسازد تا از طریق امانت این به راه آهن هند ملحق شود - و دیگر بدهد خلیج فارس با بوشهر و بندر عباس برسد - ولی نقشه کشیدن چیز دیگر و کار کردن امری دیگر است - دولت روس امر در شرق الشرق به جنگ عظیم مبتلا شده - ممکن است که من بعد تمام کوشش و تدابیر خود را برای حاصل نمودن راهی در خلیج فارس و بحر هند صرف نماید - یقین باید داشت این امر که تا چندی توجه خود را باین طرف معطوف خواهد ساخت قوه روس مبنی بر نتایج جنگ حاله است در صورتیکه راه صدمه عظیم رسد در آن صورت ده و بیست تا پنجاه سال حیالات از عقب خواهد افتاد جنگ حاله مسئله خلیج فارس را علی کرد - و تا وقتی که روس باین طرف ملذات شود بدر قوه بر خواهد خورد و ما هم مساعی بیخ خواهیم نمود که در خلیج فارس هیچ بندری را متصرف نشود - و از رسیدن به قرب هند او را بار خواهیم داشت چه خلیج مذکور حصه است که از صد سال بدین طرف ما در نگاهداری آن مشغولیم

## جغرافیای ایران

### از شماره ۳۱

#### تقسیمات ملک

ایالت گیلان از طرف يك والی اداره میشود  
مرکز حکومت ( رشت ) میباشد بلاد معروفه اش  
( لامیجان ) ( لنگرود ) ( رودبار ) ( منجیل ) ( یژه  
بازار ) ( بازارگاه ) ( جبه بازار ) ( کسگر ) ( غازیان )  
( انزلی ) ( شفتورد ) ( کرغان ) ( ایزان ) ( هور ) ( آستاره )  
( حسن قلعه ) و سائر است

#### ( رشت )

رشت در دوست و جهل و شش کیلومتره شمال  
غربی طهران واقع و دارای يك صد و بیست پنج  
هزار نفوس است هر چند زبان اهالی مشابه بزبان کرد  
( کیلی ) است ولی در معاملات رسمی تماماً فارسی  
استعمال مینمایند - بازارش دایر و معاملات تجارتیش  
بحد و واخر و چارسوبش بیش از هزار و باصد  
دکان را داراست و قریب پنجاه کاروانسرای تاجر نشین  
و جهل و پنج حمام مردانه و زنانه دارد

اطراف چهارگانه شهر را جنگلهای پر زور که از  
درختهای شمر و غیر شمر نمونموده احاطه کرده و  
قسم اعظم آن درختان شمشاد و گلر بویزه درختهای  
سکرموی کهن انار و گلاب و ارگل و لیموی شیرین  
ترنج و پر تفال و نارنج و سایر مرکبات است

هوای این شهر بسیار سنگین و مورت تب و  
نوبه است چون سبب را پر زوری جنگلهای اطراف  
دانه بدفست درختهای اطراف را بریده و بر  
فضای شهر افزونماند ولی اهداً تأثیری بجهادت هوای  
آنجا نخبیده و محقق گردیده که منبع اصلی تفت هوا  
مردابی است که در چند کیلومتره شهر واقع است و  
مرداب مذکور گوشتش کم و نزار و لوخ زار است  
اراضی شهر بحدی نفاك و رطوبتی است که اگر  
زمین را يك متر حاضر بزنند در نهایت مینوی آب  
بیرین منظر مینمایند چون در طبیان میاه آب چامها  
از سر چاه بروی زمین جاری میشود محض احتیاط  
اطراف چاهها را مرتفع مینمایند

در خصوص مبانی شهر هیچ آثاری از کهنات

بجا مانده آنچه اینك دیده میشود همگی تازه است زیرا  
بسبب رطوبت و نمانکی زمین مبانی در نمی یابد - از مبانی  
معروضه حاضر دایره حکومت است که قریب بوسط  
شهر در قریب بقعه ( سید ابوجعفر ) واقع و معروف  
بدیوانخانه است و ( مسجد جامع ) و ( مسجد طواهر امام )  
و ( مسجد آقا سید حبیبالله ) و جامع ( حاجی آقا رضا ) و  
جامع ( حاجی ملا محمد خمی ) و جامع ( سینلان ) و جامع  
( گلشن ) و مسجد ( سنی ) و مقبره مقدسه حمیده  
حصرت امام رضا علیها آلاف التحية والثناء که در محله  
سافری سازان در میان جاده طهران واقع است

مبانی رشت تا بیست و پنجسال قبل بسیار مختصر  
بنا میشد و روی بامهارا با يك نوع علف و برکهایکه  
از بیته می آوردند می پوشیدند که این اصول را ( قالی  
پوش ) میگفتند لیکن از تاریخ مذکور تا حال رفته رفته  
طرز مذکور را بکلی متروک داشته اند اینك موافق  
اصول معماری جدید اروپا یعنی همارت چند طبقه مزین  
دلفنینه جهت نشیمن بنا مینمایند و بلا تفریق روی جمیع  
بامها با سفال پوشیده میشود

در ساحه با نسحیکه در سمت جنوبی خارج از  
شهر واقع شده است مردمان با نوت و اعیان مملکت  
با يك طرز دلفنینه باغ و باغچههای لطیف بسیار  
خوب که با اشجار گوناگون بطور بسیار خوش مشجر  
است آماده و در وسط باغات صیفیه و سگوشکهای  
خیل عالی قشك بنا نموده اند که در فصل مخصوص  
رفته و در آنجا بسر میدهند و آن باغات علاوه بر آنکه  
صیفیه اغنیاست محل قرچ و تنزه عموم اهالی شهر هم  
میشد - بونه و نهالهای کل بطور فراوانی در آنجا  
ترپت و بعد آورده میشود و در فصول چهارگانه  
بلا اختطاع در کال فراوانی بونههای مذکور بر از کل  
خوش بوی معطر مینمایند

نخستین محصول رشت ابریشم و برنج و کتف و  
مای خشك و تخم مای و نون و چغی و کتان و  
ریسمان حکتان و شمشاد و زیت و روغن زیت و  
گلدوزهای صنایع و حصیر و سائر میباشد

از بیست سال قبل حکه تخم بیه رشت را آفت  
رسید تا بکدرجه محصول ابریشم آنجا نقصان وارد  
آمده بود بعدها جهت آنکه بحال اوله ترجیح شود از



شماره (۳۲) ۱ ربيع الاول (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۲۵ ثی (۱۹۰۵) صفحه (۶)

علاک عثمانی و بلجیک از روی اصول باستو دوست و پنجاه هزار قوطی در هر قوطی دارای سی گرام ککه تخمین عبارت از شش مثقال بوده باشد تخم پنبه برشت بردند از روی استانتیک گمرک هتساد هتساد طاورک بخاری جهه خشک نمودن پنبه به اصول جدید اینک در آنجا بنیاد و آماده است و قاوریک امین الضرب سالی هتصد هزار ککیلو قوزة خشک از آنجا به اروپا می رود و همچنین هر قدر ابریشم فیلاتور لة قاوریک اعمال میشود به اروپا حل میشود

و در توابع و قرای این شهر هم ابریشم کلی بعمل می آید که قسمی از آن در داخل مملکت استهلاک و یک قسم کلی آن را بطرف عراق صرب و دمشق می برند و همچنین محصول زیت آنجا محل اعتناست

و محصول برنج ولایت مزبور در نخستین درجه با برکت است و اقسام گوناگون بعمل می آید (مولوی) (سدری) (عنبربو) (آکوله) و (برنج رسمی) که از این برنج رسمی سالی شش مایون کبسه که هر کبسه عبارت از جهل و هشت من تبریز و یا بیست و هشت من شاه و یا یکصد و بیست حصه و یا یکصد و پنجاه و چهار ککیلو بوده باشد بخارج حل میشود و از برنجهای دیگر هم اندکی بخارج حل و باقی در خود مملکت ایران صرف میشود

و سالی بقدر دو مایون و چهار صد هزار من تبریز که معادل شش ملیون حنة اسلامبول و قریب هفت مایون و هتصد هزار ککیلو تونون عمل می آید که قسمی از آن بخارج حل و قسمی در داخل بصرف میرسد

در این سنوات الحیره ککه از لیل حضرت اقدس شهرباری مظفرالدین شاه فرزند بخش تاج و تخت ایران گردیده اهالی به تشویقات عمران پرورانه مایونی متابعتاً در سد زرع جان برآمدند خاصه که بر حسب امر و اراده ملوکانه مقدار کلی بوته جان جاب و در جایهای مناسب زرع و در این نزدیکها جهه آنکه در پیشگاه مقدس مایونی موفقت و دست رس بدین آرزوی ملوکانه پدیدار آید از محصول مزبور، تماری به آستان مقدس ملوکانه تقدیم - بعد الاستعمال فوق الحد موجب مظهرین ذات اقدس ملوکانه آمده و فرمان

واجب الاذنان به تکثیر زرع و معاونت لازمه بزراع صدور یاقه است

با آنکه اهالی رشت علی الاکثر از جهه اغنیا میباشد ولی هزار افوس مهمک بذوق و صفا و عبث و عشرت میباشد و ذرة در قید ترقی و عمران وطن عزیز خود نبوده با کمال پیدروی امرار وقت میباشد (بقی دارد)

مکتوب از بیروت - سوریا

(الناس موتی و اهل العلم احياء)

(الناس مرضی فهم فہیم اطباء)

شرط اخلاص وطن و فرط اختصاص به آن خاک محترم مقتضی است که خاطر مبارک مدبر محترم جریده مبارکه "جبل المئین و ابنای وطن را به شمه از توقف بیروت منمضراشته شاید متنبه و موجب توجه گردد این بنده محمد علی خراسانی که سالها عمر خود را در تحصیل علم طب گذرانیده و از محوم ملک منمنده به انواع و اقسام امتیازات علمی قانز شده ام سال زیارت بتاتاق الحرام مشرف شده بودم - در مراجعت چون مسبق بودم که جعی از نورسان بوستان وطن در (بیروت) مشغول تحصیل السنه و علوم حسنه بدین واسطه مایل شدم چند روزی در آن شهر شهر که الحقی در تمدن و تاسیس مدارس عالیہ و تحصیل علوم و معارف گوی سبقت را از اغلب ملک اروپا ر بوده توقف نمایم و دیده دل را بملاقات آن تربیت شدگان وطن محترم روشن کنم

ووری بقصد گردش در مدرسه طیبه فرانسه

ککه بزرگترین مدارس آن شهر است رفته از دوستان سؤال کردم از شاگردان ایرانی ککسی در این مدرسه هست؟ جواب داد - بلی دو نفر ایرانی که تحصیلات مقدماتی مدرسه را تمام کرده وارد این مدرسه شده مشغول تحصیل طب هستند - یکی از آنها طالبه در صریض خانه و دیگری مشغول درس است - هرگاه لحظه توقف بفرماید خود بجماعت شما طراحد رسید چند دقیقه نگذشت بجماس درس تمام شد دربان به اتفاق آنها میرزا محمدعلی انصاری معروف به "پشتی" محترم را در جناب خدمت جناب حاجی

مکتوب از اسلامبول

جناب مؤيد الاسلام ابدك الله تعالى مواظبه حصه و نصاب مستحسنه و مطالب كزين و تحريرات دلنشين شما اجسام مرده را روح ميدهد . در نامه مقدس آنچه شرط تبليغ است بجا آوردی و صدای بيداری اقوام وحشی خفته را گوش زد بیداران هست خود پسند کردی - زحمت و مشقت بسیار در این راه برخود روا داشتی و از نشان دادن طریق تمدن و نیکبختی چیزی فرو نگذاشتی - ولی صد حیف که بخار غفلت در دماغ ما اهالی ایران نچنان جای کرده که بصر صرموا عظ سو دمند بدر شود - و بحکمت و نصیحت هزار امان رفع گردد نرود میخ آهنین بر سنگ (طم قلوب لا یفتقرون بها)

از آن میترسم که بگویند (دعوت قومی لیل و نهاراً فلم یزد هم ایل) گویا آب و گل ما بنجات مرده تخم پیخیزی و تنبلی در مزرعه دل ما کشته و یا در ناصیه ما نوشته (العادت کالطیبة الثانية) اول جان بدر شود بعد از آن عادت

بر آن که در اعطاف طبمش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس (از الله لاینیر ما بقوم حتی ینبروا ما بانفسهم) عادت ما بر این جاریست که امروز بر من خوش گذرد همسایه بجهنم - غافل از اینکه

بی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیك گوهرند چو عضوی ب درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

(الناس نیام فاذا ماتوا نذهبوا) در حدود مملکت بدان تغییرات گوناگون و انکسار از حد افزون می بینیم اهتتا نداریم و کالعدم می بیند داریم - با اغالت چگونه بر اصلاح خلك وطن رو آریم و به آسایش همسایه و ابنای وطن پردازیم - اما در زبان آوری و سخن پروری لاف و گداز سر آمد جهایم و انصح دوران (بقولون باقوامهم مالیس فی قلوبهم) مسموم شده (المهدة علی الراوی)

هنگامی در قزوین شورش پهمرسیده و اشرار بی اعتدالی کردند شاه شهید نورالله مضجعه میرزا موسی وزیر طهرانرا بحجة تأدیب و تنبیه اشرار قزوین مأمور فرموده میرزا موسی را در حین ورود اهل شهر استقبال

میرزا حضرت آقا ملک المتکلمین که اهل قزوین اسابت خانلر و فراست نظریه مصداق این بیت است فی المهد تطلق عن سعادت جده

بزد بنده آمد شرایط محبت و هم وطنی را بجای آورده به اتفاق وارد مدرسه شدیم - جناب مشارالیه بیک از معلمین و اجزای مدرسه معرفی حقیر را نموده تا آنکه بمنزل رئیس مدرسه (پرشانیه) وارد شدیم - رئیس مدرسه کمال احترام را بجای آورده و قبل از آنکه این بنده استفساری از تحصیلات مشارالیه نماید زبان بتریف و تمجید آقا میرزا مهدی گشود و صورت امتحانات او را که در موقع خود به امتیازات فوق العاده نائل شده بود ارائه نمود

پس این بنده عرض کردم - که چون خود حقیر از علوم طب بی اطلاع نیستم اگر اجازه باشد حضوراً سؤالی از ایشان نمایم - رئیس مدرسه و سایر اشخاصیکه حاضر بودند سؤال بنده را مقرون بصواب دانست این بنده عرض برگارد (غشاء خارجی قلب) سکه یکی از امراض مشکله طب است و تشخیص او در کمال اشکال است سؤال نمودم - آن بلیل بوستان وطن بدون توقف و درنگ با لطفی آنچه فصیح تر نخستین سخن به بیان و تشخیص آن مرض آغاز کرد - پس از آن علاقات و معالجه او را بقصی که باید و شاید عنوان نمود - سکه اگر بنوامم مختصری از تقریر مفصل آن جوان دانشمند بنکارم اقلأ چندین صفحه خواهد شد

الحق بنویس جناب مشارالیه از عهده جواب آن مسئله مهم برآمد که این بنده بی اختیار از جای برخاسته پیشانی را بوسیدم - رئیس مدرسه و جمیع معلمین در محکمال شرف انواع تملقات و مراسم در حق او مبذول داشتند

بعد از این مقدمه در تحقیق ترتیب و تحصیل هر يك از ایرانیان برآمده گویا همه از يك بستان هوش و دانش شیر خورده و در يك مهد دانائی و خرد پرورش یافته اند - امید است که سایر ابنای وطن محترم هم به آنها تاسی جسته پیوسته در صراط تحصیل علوم و معارف ثابت القدم و واضح المقیده باشند

(محمد علی خراسانی)

بوده بعد از ورود بشهر راه مسجد جامع پیش گرفته  
اطله مسجد شده بفرامی برداشته سر با ایستاده و گفت  
بن دعا خوام کرد همی آمین بگوئید. جمعی منتظر که  
به خواهد گفت بیان کرد خداوند عالم بر ظالم بلا فرستد  
لنت کند - مردم سکوت اختیار کردند زیرا بزم  
بشان ظالم عبارت از مأمورین دولت است با احترام  
أمو زان از آمین چون باز داشتند - دوباره گفت  
لنت آمین گوئید - اصرار کرد مردم بیک زبان  
صدای آمین بسوق رسانند سپس گفت اکنون دعای  
بن مستجاب شد - شما همه ظالمید من عذاب و لنت  
خدا که بر شما ظالمان فرستاده از منبر بزرآمد و همه  
اشرار را گرفته بسزا سیاست رساند - و حالا زمان  
ما بدتر از آن زمان است صغیر و کبیر طرف و عامل  
ره ظلم و طغیان گرفته ایم خداوند قهار رحم از دل  
مأمورین داخله و خارجه برداشته بکفر اعمال و افعال  
ناشایست ما جزای باسزا مینمایند بقی و فقیر بزرگ  
و کوچک رحم نمیشود هر یک بدخواه خود رفتار  
میکنند - نه حکم شرع در میانست قانون صرف - رعیت  
که بمنزله اولاد پادشاه است از هم قطع و فصل  
میکنند - از امانت و عذاب چیزی فرو نمیگذارند  
چنانکه در خارجه هزاران از انبای وطن از ترس  
آمرین ترك تبعیت کرده از وطن هیز مهجور مانده  
هر ساله چند هزار از رعیت و ثروت وطن میبکاهد  
و بخارجه مینزد هر روز کاروانیست که از معابر  
ایران بروس و روم و هند میگذرد و بر نمیگردد -  
مثل عوام است اگر از خانه کسی گریهش برود چند  
روز فحش او را میکنند و قذفان او در دلش آرنند -  
نمیدانم رجال دولت ابدایت و مأمورین تذکره حساب  
میگیرند که هر ساله چند هزار از تبعه بخارجه عبرت  
میکنند و یا اینکه دو تومان قیمت تذکره ایشان را از  
جستجو بار داشته بفتح حاجل قانع شده از سود آجل  
چشم پوشیده قافل از اینکه اگر این بدبخت ترقه بود  
از کار سکرد او اقل سالی ده تومان بثروت وطن  
مینزود و شاید اولادی هم حاصل میکنند که خدمت  
دولت و ملت نماید - و بر رعیت پادشاه هم میفزود  
خصوص زنان و اطفال غیر بزرگ بمنزله هم قاتل است  
که راه میدهند در خارجه برود - صاحب زن و فرزند

بدبخت از کثرت حرص و آز خود را بکارهای جان  
گداز و زحمات و خطرات دور و دواز میاندازد  
وجودش نابینا آورده زن و فرزند میگذارد و میگذرد  
الیاذ بالله وجدان داند آژن و فرزند چنه میشوند  
غیرت مانع است از تحریر حالات ایضا و پیش بندی  
اینهم بسته بقلم حقیقت رقم آنجناب است شاید من بعد  
جلوگیری نمایند و نگذارند

گرچه دانی که نشنوند بگو

آنچه مبدائی از نصیحت و بند

اگر بینی که ناپنا و جاه امت

اگر خاموش بنشین گناه است

اشخاصی که در وطن هیز نشسته دل بکار و کسب  
بست الحمد لله و لك هر سال چندین هزار نفر با عزت  
تمام احرام حج می بندند هیچ يك از آنها روی  
خارجه ندیده اند در مملکت خود صاحب ثروت شده  
و استطاعت بهمرسانیده اند و آنان که بخارجه مادی  
شده اولاً در عقاید تزلزل بهمرسانیده و ثانیاً از ده  
نفر یکی بوطن برنگشته نه نفر تلف شده چه باجل  
حنسی چه مطلق یا با اهل آن مملکت معارضه و مقابله کرده  
گفته و یا با هم دیگر دعوا کرده بقتل رسانیده اند - و  
آن بکنفر هم که باقی مانده آنها از عجز و ناتوانی و بیدست  
و بانی خود در مانده - بوم جدید رزق جدید تحصیل نموده  
تا قایت راه آخرت سپرد هر ساله بنفوس دول سائره  
و ثروت ایشان کرورها میسافزاید - الا ایران هالست  
که دیده بودیم وقوع اینهمه حوادث بخوار بی توجیهی و جلب  
منافع مأمورین نیست اگر در خارجه صاحبی بر رعیت  
باشد چه یارا کسی را که ایشان متعرض شود اگر قاتل  
اهل ایران باشد و کم و بیش چیزی داشته باشد مأمور  
او را گرفته مانند بیاز پوست میکند و رها میکند و  
اگر مفلس باشد بعد از چند روز حبسی اخراج بلد  
سکرده میرود جای دیگر باز عمل خود را پیش  
میگیرد اگر قاتل از خارجه باشد دیت خون مقتول  
جز چند خنث آب کشیده نیست که بدرسوخته بسزای  
خود رسیده مستوجب قتل بوده که کشته اندش و اگر  
دیوانه و نر ادعائی باشد اگر هر دو طرف اهل ایران  
باشد مأمور هر دو را سخت نموده رها میکند که در  
حقیقت مقتول واقعی میشوند - ار تدارك رزق بومیه

از خویشتن دفع نماید - اما مرتبه کمال عقل فضائل  
نفسانی است از مکارم اخلاق و محامد صفات - و نقص  
ملوث شدن برزائل و قبایح است - اینک باید دانست که  
فضائل چیست و رزائل کدام است ؟

اما فضائل طبایی است در افراد نوع انسان که  
مقتضی میشوند الفت و انس و مراقبت و اتحاد و  
محبت و موافقت را در بین صاحبان اوصاف مذکوره  
بجایی - چون دو نفر یا جمعی فضائل اوصاف متصف  
کردند قهراً مشاجره و منازعه از میان مرتفع شود -  
آثار دوستی و یگانگی پدیدار گردد چون سخاوت که  
عبارت است (از بخشش در موقع ومنع از اعطاء در  
غیر موقع) اگر در دو نفر یافت شود لامحالہ باب ستیزه  
آویزطلی مفتوحه شود - چه هر دو بالطبع طایل ببدل و  
اخلاق اند و از جلب اموال دیگران صرف نظر دارند -

بدی است که اینگونه کسانی باب مجادله در اموال  
نباشند اینک با مشاهده میشود ارباب سخاوت تعدی  
بمقوق غیر نمینند اما از قبیل اشتباه موضوع است  
یعنی متلف و مسرف بیک را که هر عملش خارج از  
حد اعتدال است - حی و کریم تصور کرده اند - و این  
خود سهوی است بزرگ - سخاوت از ملکات فاصله  
است - ونی اوصاف پندیده نشوند مگر آنکه موافق  
میزان اعتدال و مطابق قسطاس مستقیم اقتصاد و میانه  
روی گیرند - کسی را قارت کردن و بدیگری بخشیدن  
در حالیکه نه آنرا گناهی است و نه اینرا سابقه خدمت  
از قبایح اعمال است و رزائل اعمال که مرتکب ملوم  
است و در نزد وجدان و خالق جهان مقصر و گناه  
کار و سخاوت حاق است نفسانی که اقتضاء میکند بذل  
و مرحمت را در مورد حق و منع و رد را در مقام  
ناحق - و این چنین کس پیرامون حرکتی خارج از حکم  
عقل نگردد اگر تواند در مورد لایق بخشش میکند  
و گرنه بحدود و حقوق دیگران دست تعدی دراز  
نمیکند - و هرگاه طرف مقابل نیز همین صفت متعقل  
باشد این دورا تشاجر از محالات است و بعکس رابطه  
جنسیت و جامعه صفت بیکدیگر مائل و راغب سازد  
و باندک مباشرت انس و محبت پدید آید و اجتماع و  
افتت صورت پذیرد و همچنین است صفت که یکی از  
بزرگترین فضائل است (یعنی جاتی نفسانی که موجب

طایز مانند و اگر مدعی و یا مدعی علیه از اهل همان  
ملکت باشند بدون خبر مأمور حکومت علیه میبرد و  
آنچه دلخواه است حکم میکند - از وقتا و اقوام آن  
شخص هم اگر بمأمور خبر دهد جواب میدهد که من  
حق مداخله ندارم زیرا که مأمورین پیش از من چنین  
قرار گذاشته اند - لما برعبت هیچ یک از اقوام سازه  
حق یونان و صربیه و قره داغ نمیتواند حکومت  
علیه سؤال و جواب نماید مگر رعیت ایران را که  
پلیس و ضبطیه بدون سؤال و جواب برده و حقارت  
بی اندازده مینماید - کسی را یارا نیست که بگوید چرا و  
چسب باین بیچاره این حقارت را روا داشته اند چون  
تحریرات آنجناب از راه محبت و غیرت و قربتاً الی الله  
است شاید تأثیر در رجال دولت عموده و ایشانرا بدل  
سوزی رعیت بیچاره راغب نماید که رعیت را سیامنسیا  
نگذارند و از حال ایشان جستجوی فرمایند و نگویند  
که من توب و توبخانه ندارم که بچنگم کسانیکه از ربح  
ما کترند چگونه تصاحب برعبت خود عموده و لذت  
آنها را نگهداشته اند ما تنها باید بخواری و ذات متحمل  
باشیم؟ بضمون ارحم رحم عمل فرمایند تا خداوند ارحم  
الراحمین در دنیا و آخرت بر ایشان رحم فرماید -  
اگر دفتر نفوس مصدق بود معلوم میشد که هر ساله  
چه فزاید و چه کاسد و آنچه فزاید بیچاره نوباوگان  
اسکتری از زحمت آبله درگذرند و آنان که خلاص  
شوند روی پدر سیر نه پند و پدر از بلغ و صالحان  
میوه نمیند خارجه نفوس ابرار هفت میان مینوبند  
داخله پست میان میگردد

( بین تفاوت ره از کجاست تا کجا )

در این چه قدر عیوب ملحوظ است تا گفتنی - باری  
فرض ازین لاطایلات اینک اولیای دولت ابد آیت بنوع  
حکمت عملی راه عبور خارج برعبت مسدود فرمایند  
که اهالی اواره وطن و خانان و حسرت بروی اهل و  
هیال نباشند زیاده سلامتی آنجناب را طالب

خلص صمیمی (م - ب)

حاصل فضائل منظم المصراک

انسان را مرتبه کمال و رتبه رفیعی که باید خویش  
را بآن مقام برساند مرتبه نفس و داناتی است که  
باید بقوت نفس و سعی خود را از آن دور و او را

میشود گفتن از شہوات بلبله و ترک طمع بناموس دیگران - کہ چون دو یارچی باین صفت آراسته باشند هرگز در خصوص شہوت و تکامولی سئیز تمایز سبک حفظ ناموس غیر را چون ناموس خود واجب و لازم شمرند - کلاک قناعت بمنی اکتفاء نمودن پاد سلخود کہ چون چند نفر ذارای چنین ملکہ گردند و از طمع کناره گیرند و هر يك بحصه و نصیب مطویش راضی شوند داعیة جدال مرتفع گردد - و بالآخر وہام فضائل را کہ علماء تہذیب اطلاق و حکما حکمت عملی در متون کتب و مصنفاات خود نوشته اند اگر استقراء و تفحص کنیم خواهیم یافت کہ لازمة هر يك از آن فضیلتها اتحاد خداوندان اوصافی است در آنچه متعلق بآن صفت است - چنانکہ صاحبان صفت را در مسائل شہویہ نزاع واقع شود و ارباب سخا و قناعت را جدال ملکی و مالی پیش نیاید - بنا براین چون جمع شوند این فضائل در دو تن یا زیادہ فطرت و طبیعت آنها بانحداد میل کند و در اعمال و مقاصد طریق آشتی و التیام پیش گیرند و یگانگی حاصل شود و بنیوت مرتفع گردد و اہمیت دوام یابد با اندازه رسوخ فضائل و ملکات حمیدہ - پس فضائل مناط وحدت است در ہیئت اجنابہ و جبل المتین و عروق القوسی اتحاد است در بین آحاد ملت کہ هر یکرا بطرف دیگران جذب و جلب نماید و دیگران را بسمت خود منطوق و شایق گرداند - تا آنکہ تمامی افراد يك قوم را بمتألف نفس واحد قرار دهد کہ بیک ارادہ متحرک شوند و در حرکات و اعمال يك قائمہ و نتیجہ را منظور نمایند -

مجموع فضائل را چند بیک مسئلہ کہ اصل اصول و مرکز محامد و مجمع آداب و میزان حق و باطل است یعنی اعتدال در مشاغل و اقتصاد و مباح روی در امور و اجتناب از افراط و تفریط در هر کار و چون عدل شامل شود همه افراد یکقوم را در آئینہ هر يك در حدود و حقوق خود متوقف شوند و خطره و گامی بطرف حد در دیگران نزنند - و در اعمال از تعدی کناره جویند و تجاوز را روا ندارد و از چیزی کہ بمقوی دیگران مس کند و بمحدود غیر بر خورد دوری و تجنب نمایند - واضح است کہ چون

حیوان این صفت بہتصنّف کردند داعیة اختلافی و تفرق ریح تمیاید و حیالت نمیدن بوقت پذیرد و دودہ عمران و آبادانی شروع شود - چہ عمران فرع اجتماع و اتفاق در امور است - و عمران را تعریف کنید بحیالت آبادی کہ از اثر زحمت حیوانی در طریق تمدن ناظر شود - خواه این زحمت و ریح در افکار بلعد یا اعمال و اقوال - و تحقیق پیوست کہ اگر آدمیرا اجتماع حاصل نمود و مساوت و بکک ہم دیگر نمایند انسان را بکیت و ادبار فرا گیرد و در حیثیت دوچار سختی و تنگ دستی شود - چہ آلات و ادوات طبیعیہ او را در پیدا نمودن لوازم زندگانی تکلیفات نکند و بالآخرہ انسان را امتیاز از دیگر حیوانات بواسطہ وجود اجنابہی است - چنانکہ فلاسفہ و حکما تصریح کرده اند کہ انسانرا دو قسم وجود است - یکی وجود خاص کہ اختصاص بعضی دارد - و این وجود کہ عبارت از بدن و جثہ شخصی باشد دارای اعضاء و قوای است کہ خداوند تعالی در او ودیعت سپاده است تا حفظ کنند وجود را مثل سمع و بصر و دست و پا و غیرہ و باعث شود بقاء نسل از برای نوع انسان واضح است کہ انسان در این قسم وجود مساوی است با سایر حیوانات - چہ نسبت موجد کل در هر مخلوقی امانت سپارده آنچه را کمایت زندگانی او کند - و مقرر نموده است چیزی را کہ بوج او را ثابت و پایدار دارد - حتی در اشجار نیز این امر را ایجاد فرموده نہایت آنکہ در برخی حیوانات بقاء نسل بمحمل است و در برخی بنہادن بیضہ و در اشجار نیز بطریق تعدد است لکن حکمت بلیی کہ آدمیرا اشرف مخلوقات گردانیدہ از برای او وجودی دیگر و حیاتی علیحدہ قرار داده کہ بسبب وی از سایر حیوانات ممتاز میشود و صاحب رتبہ و مقام بلند میگردد وجودی اعلی و اکل از وجود خاص و حیات مخصوص - وجودیکہ سرمایہ ہمہ ترقیات بوج بشر گفته وجودیکہ او را بر کائنات مسلط ساخته و زبر دستی بر آنچه در روی زمین است بخشیدہ وجودیکہ موجب سعادت و شرافت و علت ترقی و سیادت است - یعنی وجود اجنابہی و حیات نوعی کہ افراد انسان نسبت باینگونه وجود حکم اعضاء و اہماس و اجزاء را دارد - و شیبہ آبد باجزاء يك



حدود خود کند و وظیفه خود را امان نمایند و از خود خویش بحدود دیگران تعدی فرمایند تا جرح عمران منظم گردد کند. و وجود اجتماعی را رونق حاصل شود و اگر هر کدام مال و جان و ناموس و شرف و قول جامع (بمقوق و وظائف) غیر مجبور باین اختلال و خالی بمران راه یابد و وجود اجتماعی چار و خسته گردد، چنانکه مشاهده اوضاع دوست این مطلب را با نشان میدهد که اولین وسیله عمران تأمین است و امنیت و امان راحت کننده جهان است - آیا امان را جز عدم تعدی بحدود دیگران معنی دیگر است؟ آیا چگونه جهان آباد شود و تمدن و عمران بیدار گردد و وجود اجتماعی را دوره خوش و سعادت رخ نماید در صورتیکه افراد انسان بر همدیگر بتازند و اموال و نفوس همرا باج شایند؟ و کذا که اگر هر کدام در وظیفه مقرر تسامح و تکامل کنند و قسمت خود را از وظائف انجام ندهند مثل آنکه چشم تمیزالوان و اشخاص نهد و وش اصوات را درک نکند - پس منظم کننده عمران و حیات اجتماعی هاست فضائل است که مقاله را بدین کلام عنوان نمودیم زیرا که فضائل چنانکه شرح دادیم مانند از تعدی صاحبان اوصاف حیده بمقوق دیگران و میتوان تشبیه حکم کرد فضائل انتظام حیوانات و عالم السای را بقوه جاذبه در تنظیم عالم کبیر - چه قوه جاذبه قوه است که بواسطه او نظام کواکب و سیارات را محفوظ مینماید و بسبب تعادل در جذب همسایر در محل خود برقرار مانده حرکت دوری و سیر مخصوص خود را منظم میکند و نسبت بین خود و سایر کواکب و سیارات را مرتب مینماید و بحکمت الهی وجود کرات و بقاء آنها را بر بهترین ترتیب مینماید و اگر نبود قوه جاذبه و جذب سیارات و کواکب هر یکدیگر را حرکت دوری صورت نمیکرد - و اگر تعادل در جذب نبود یعنی قوه فراره و دافعه هر آینه کرات یکدیگر مصادف مینمادند و اختلال در نظامشان ظاهر میگردد خلاصه آنکه قوه جاذبه دو اثر مینماید - اول هر سیاره را حفظ میکند از فنا و اضمحلال در دیگری - دوم نظام کل و هیئت اجتماعی عالم را محافظت کرده برقرار مینماید - (ذاتک قدر الزیرالعلیم)

فضائل نیز در وجود عمران همین اثرها را مینماید

عزیزت که چون اجزاء متناسبه فراهم شوند يك بنیان تشکیل میدهند و تحت يك اسم - همچنین افراد چون با یکدیگر اجتماع کنند از اجتماع این جمله عینی مخصوص تشکیل یابد که آثار ملک و قوم یا امت و هدایت طوائف بانواع مختلفه و اصناف متعدده - چون مله ایرانی و ترکی یا روسی یا زنجی و عرب و باعتبار دیگر شرقی و غربی و شمالی و جنوبی - و از راه دیگر مسلمان و نصاری و یهود و مجوس - چنانکه اعضاء بدن شخصی منظم میکنند حالت حیات مخصوص را و نگاه میدارند وجود خاص را از اتلاف و فنا تا مدتی معین و موعده معلوم - کذا که افراد انسان نیز مرتب میکنند در هیئت اجتماعی حالت عمران و آبادانی را بواسطه اداء و وظائف مخصوصه که راجع بهر يك از آنها است - قوه حیات خاص مرکزی است از برای بدن و اجزاء تن که در هر عضو کامل میکند اسباب قدرت او را در اعمال راجعه بدان وهم محدود میسازد شغل و عمل و وظیفه او را که نمیتواند بشغل عضوی دیگر مداخله کند

مثلاً در چشم مقرر داشته قوه ابصار و رؤیت را و وظیفه او را تشخیص سرد و ولوان و تمیز اشیاء و اشخاص قرار داده - و در دست قوت گرفتن و نهادن و بسط و قبض - و در پا رفتن و ایستادن و نشستن را بخشیدیم و با اینکه جاده حیات و قوه امداد از يك می کز همگی میرسد و از يك سر چشمه سیراب میشوند - مع ذلک چشم نمیتواند در وظیفه دست مداخله کند و دست نمیتواند شغل زبان را انجام دهد و اگر جز این بودی یعنی توقف در نزد حدود و وظائف در کار نبود هرگز مملکت بدن و وجود خاص در تحت انتظام و ترتیب حاصل نمیشد و وظائف لازمه که نگاهدارنده زندگانی اند سرانجام نمیگرفت - و بسا مشاهده میشود که بواسطه عروض بعضی امراض یاوه اجزاء از اداء مأوریه و وظیفه خود عاجز میشوند - یا برخی اعضاء مداخله در عمل و شغل دیگری مینماید - آنها هم ملک بدن و محور و چار میشود و حرکت اعضاء از انتظام و جهت میافتد و فساد در آنها راه مینماید و منجر بهلاکت تمام بدن میشود همچنین افراد انسان در وجود اجتماعی و حیوة عمران هر يك را وظیفه و رتبه مقرر است - یعنی حدود و حقوق در حکم آنست که باید حفظ

و همین حکم را داراست زیرا که حفظ میکند اشخاص را تا اجل موعود و برقرار میدارد بنوع حالت انتظام وجود اجزای را و محفوظ میدارد نسبت افراد را و مانع میشود بلیدن یکی سر دیگری را (حق یاری امرائه و یفتح فی السور)

هر ملتی که قائد و سانس و حاکم و حارس و واضح و رافع و کاتبه مدبرین امور و حافظین شئون و مباشرین سهام و ارباب حل و عقد و خداوندان امر و نهی در بین شان افرادی از همان ملت باشند از بزرگان و شرفا که قائم بحق و واقف بمواقف عدل و صاحب مضائل بوده جلای بطرف حق سی و هیچیک مقصدی را که مخالف مقصود کل و منفعت عموم است اختیار نکنند و از تقاضا حکه غایب و غرض همگان است منحرف نشوند و در عملی که منطبق بملت و سود جمیع است اهل و مساعی روا ندارند و بقول جامع از مقتضای حکم وجدان يك خارج نشوند باندازه که جمیع در حکم بنیانی متین شود. آنچنان بنیانی که بادهای سختی متزلزل نماند و زلازل شدید رخنه دریاچه رسفتش نیفکند و امت را قوه بسیار بزرگ از تراکم قوای اشخاص حاصل شود که بر حفظ موقع خود قادر و آنچه را محل مجد و شرف است دافع و جهت هجوم اغیار را مانع تواند شد. پس این ملت همان قومی هستند که فضائل در آنها حاکم است و مکارم اخلاق در آنان نافذ و راسخ و منصف اند باوصاف قاضیه و اطوار پندیده. و چنین قومی که شأن شان این است و صفاتشان چنین هرگز اختلاف و نفرت در افرادشان پیدا نشود مگر بواسطه الفت و انس. و مغایرت نکنند جز بسبب اتحاد. و اختلاف مسلک ظاهرینافی اتحاد متسد نباشد. چون دو نفر که محیط یکدانه را طی کنند از دو جانب مختلف یکی از طرف مغرب و دیگری از سمت مشرق متوجه بسوی نقطه شمال گردند پس این دو شخص اگر چه در مسلک مخالف اند ولی

هر دو را منظور رسیدن بنقطه شمال است و این امر هرگز منجر بکدورت و قضاوت فکیف دشمنی و عداوت نخواهد شد هر چند ظاهراً ستیز و آویز نمایند چنانکه مشاهده میکنیم. بسا اوقات اعضای پارلمنت دول معظمه در خصوص يك مسئله بلنقی مشاجره و مناظره کنند

و بر ضد یکدیگر قیام نمایند و با اینکه مشاجره در نظر عقلا ناپسندیده است طرفین را ستایش کنند و ستایش را سبب آنکه هر دو بازم يك مقصودند هر يك از طرفی و چون مجلس ملقزی شود باز همان دوستی و محبت برقرار است. و مثله این جماعت مثل فقهاء و علماء شریعت اسلامند که چون باب علم الیقین امروزه بروی آنها مسدود است ناچار در الحذ و استنباط فتاوی و احکام شرعیه محتاج میشوند بکاوش و تجسس اخبار و احادیث و در استکشاف حکم شرعی از اخبار حکه باصطلاح فقهاء اجتهاد گویند اشکالات پیش میآید که جهت رفع آن اشکالات مجبور میشوند از استعمال طرق عقلیه و تدقیقات لفظیه و فلسفیه و در این وجه اختلاف آراء و تعدد اقوال و تباین فتاوی پیدا میشود که از آنجهل یکی بصواب رفته و دیگران خطا کرده اند. و ممکن است که همگی نیز راه خطا پیچیده باشند و حقیقت حکم شارع غیر از همه این افکار باشد. مع هذا بر هیچیک ابراد نیست و انگشت اعتراض بطرف هیچیک شان دراز نتوان نمود و هیچکدام دیگر بر اطمین نزنند و مذمت نمایند زیرا که همگان را غرض يك امر است که تحصیل حکم شرعی باشد و جلای در طلب پیدا کردن اوستند و در ثواب اخروی شریک. نهایت مصیب را دو اجر است و خطاکار را يك اجر و هر کدام آنچه دانسته و فهمیده اند بحسب ظاهر صحیح و حکم الله است. و عمل کردن بمقتضای آن بر او واجب و لازم خلاصه امتی چنین را مرکز يك نقطه است که عبارت است از حیات امت و عظمت و شوکت نوعیه و رفعت ملیه و جمله در حول آن مرکز بمثابة محیط دایره حلقه زده اند و احدی از آنها از محیط جنسیت بیرون نیستند و توجه نمی نمایند مگر بسمت مرکز واحد و هر يك را نصیب و فائده خاصه از مرکز کل اضافه میشود چون نهرها حکه همه بدریا میریزند و از دریا نیز استمداد نموده حفظ و بهره خود را دریافت میکنند

(باقی دارد)

مکتوب از تبریز

در عشر اول ذیحده (۱۳۲۲) مکتوبی در اختراع توپ سریع الاطلاق موسوم بتوپ (سلسل) عرض و ارسال نمود که در صورت صلاح در نامه مقدسه

## شماره (۲۲) ۹ ربيع الاول (۱۳۲۳) حبیله دوازدهم ۱۵ ص ۱۱۰۵ (صفحه ۱۳)

خروج و عکس مخترع و اختراع را هم محض مزید استحضار خاطر مبارک در لقب مکتوب فرستاده بود و چگونگی تفصیل را وعده بپدید داده که عرض برساند. اینک با هزاران افسوس و دیده گریبان حسینه سوزان بمقام عرض زحمت برمیآید که توپ مزبور را مخترع غیور وطن پرست در اوایل شهر ذی قعدة پس از زحمت بسیار و بیکاری از شغل و کار و مخارجات زیاد با تمام رسانیده در حضور جبهی از وطن پرستان بموقع امتحان در آورده بدقت تمام ملاحظه شد. از روی ساعت در یکدقیقه دو قرصت مرتبه بر و خالی نمودند. هرگاه قدری تند دسقی مینمودند به عقاب میرسید. هرچه اظهار تشکر نسبت بمخترع بنامیم کم است که کلیه وطن پرستان را از عالم یأس و ناامیدی بمقام ارجند امید رسانید. باری بنا شد مراتب بعرض امنای والا حضرت اقدس ولیعهد برسد. یکی دو نفر از خدام آستان مبارک که اظهار نموده آمده تا شایسته کرده منعقد شده عکس آنرا گرفته که عرض برسانند. بعد از دوام بامرار وقت گذرانیدند. جبهی چه بود بعرض نرسایدند؟ (گویا عدم تعارف از مخترع و نبودن مداخله) بود. میدان مطلب در اینجا بسیار وسیع است محض خلعت و شرمساری از اجانب قلم را از تحریر و عرض آن نگاهداشت جزای اینگونه اشخاص را بمحضرت احدیت و به نیک ولی نعمت وا گذاشته و میگردد. منجمه در اوایل محرم جناب مفاخر الدوله رئیس کل کارگزاران مهاباد مملکت آذربایجان که در دولتخواهی و وطن پرستی و غیرتمندی مستقی از توصیف و بی نظیرند این مطلب را در روزنامه شرف دوس منطبعة قلیس و غیره ملاحظه فرموده نهایت متعجب گشته که در اینمخت اینگونه اختراع که باعث شرف و شرف ملت ایران است در تبریز بمنصه شهود برآمده ما از آن بی اطلاع باشیم (البته بی اطلاع خواهند بود بطاعت اینکه در مثل شهر معظم تبریز که دوم پای تخت ایران است يك روزنامه هفتگی و ماهانه بلکه سالیانه نداریم که از وضع مملکت مطلع و مستحضر باشیم)

افسوس که آنوضع ناگوار و عیوبات ناخوار باعث جرفی تحسوس و طالع از تقریر و تحریر است هر دم

کرده از مطلب دورم ساخت. خلاصه جناب معظم له پس از آنکه یقین حاصل نمود برصحت مطلب فوراً مخترع را با اختراعتش در نهایت محبت و ادب در کارگذاری حاضر و در کمال دقت تا شایسته فرموده تحسین بسیار و مسرت بی اندازه اظهار. فردای همان روز مخترع را با توپ در حضور انور حضرت اقدس ولیعهد گردونمهد حاضر پس از اجازه در حضور مبارک امتحان شده حضرت اقدس که در فن نظامی و اسلحه جات حریه بد بیضا دارند بکلیه اساس و آلات آن غور رسی نموده مخترع را با لطافت عنایت کامله مقتدر فرمودند. پس از تا شایسته مجدداً مرصحت فرموده که باید هنگام رفتن بدار الخلافه توپ را خودم برده از نظر انور شاهنشاهی بگندام بد شما را طهران بخوامم امر فرمودند که توپ را برده پاکیزه نگاهدار هنگام حرکت خواهم خواست

در ۲۱ شهر محرم حضرت اقدس بسلامق و میمنت تشریف فرمای دارالخلافه شدند کثرت مشاغل که سر آنحضرت راست که هماره باید به نفس نفیس مبارک تمام امورات مملکت و سیمه آذربایجان را از داخله و خارجه رسیدگی فرموده احقاق حق فرمایند خاصه در موقع تشریف فرمائی که باید بکلیه ادارات شهر و حکام مملکت دستور العمل امنیت مملکت و آسودگی رعیت فرمایند از خاطر مبارکشان محو گردید ولی امیدواریم همینکه بسلامق وارد دارالخلافه شده بموقع شرفیابی در خاکبای مبارک بعرض رسانیده اهتمام در تکمیل و ساختن آن خواهند فرمود. باز در اوایل محرم شاهزاده آزاده رئیس کل تلگرافخانه مبارکه آذربایجان تفصیل اختراع توپ را استماع فرموده محض اجرای وظیفه خودشان که باید هرگونه وقایع و اتفاقات همه را همروزه بدار الخلافه تلگرافاً رپورت دهند چند نفر از رجال و صاحب منصبان بزرگرا دعوت فرموده که از آنجمه جناب اجود انبانی کل سکه سابقاً اجود انبانی توپخانه مبارکه طهران بودند حضور داشتند. مخترع را بمجلس مزبور دعوت فرموده در ساعت معین اختراع خود را در حضور آقایان حاضر و از موقع امتحان گذرانیده مورد تحسین و توصیف مجلسیان گردید. جناب اجود انبانی اظهار فرمودند محضات و فواید این

توب اگر اقدام بساختن آن شود از سایر توبهای جدیدالاختراع که دیده ام بهتر است - باری منظور شاهزاده از انقاد این مجلس مطلب صحیح آوردن بدست بوده - که راپورت بدهند (نمی دانم راپورت دادند یا نه) جناب مستطاب آقای امام چه روزی مخصوص ناشناخته و تحسین بسیار نموده با کمال وحد و بشاشت مبرمود برای دفع دشمن بهتر ازین حره ناریه بدست نمی افتد - انشاء الله اولیای دولت قاهره اقدام بساختن آن خواهند فرمود - مخترع با عدم استطاعت که دارد متحمل زحمت و مخارج زیاد گردیده در عوض تحسین زیاد شنیده و بس - گذشته از اینکه با تمییز و انعام منتخر و مباحی گردد در نخت توبیخ و ملامت مشق از بهمان و دون طبعان اهالی شهر واقع گردیده که هرروزه انواع اقسام به طعم و لطایف آنها گوش میدهند از تحریک آن که باعث اثر جار قلب وطن پرستان است صرف نظر نمود - ولی این شخص غیور وطن دوست با این عدم استطاعت خواب را بر خود ناکوار نموده در صد اختراع تفنگ جدید و باروت پر قوه تر از باروتهای جدیدالاختراع است

عبرت و نتیجه بی علمی

گوش - سخن شنو کجا دیده اعتبار کو - در نمره بیسم نامه مقدس شرحی درباره ترقیات اردشیریان حکمران درج فرموده بودید - کاشکی ما نیز مثل طوایف ارمنه و زردشقی های ایران وقت علم را جنبیده آنی در یشرفیت آن غفلت غیور زدیم ا - کاشکی زرگان مامم تاسی بدین بک مشیت مات باهت نموده به جستجوی چاره برآمده و باوگان و اخلاف خویش را از دست راه زمان دین برهسانند [ چشم خواب آلود ما بیدار خواهد شد مگر ] اینک امانه تبریز با آنکه شش و هفت هزار پیش نیستند متعدد مدارس منظم و با قاعده دارند بالعکس ما بد بختان در شهری سترگ مثل تبریز دارالعلمی نداریم که رفع احتیاج اطفال مسلمانان را بتواند ترده - کجا رواست این همه نوباوگان وطن شب و روز خون جگر خورده کوششها نموده - آخر لامی ناچار بمدراس پروستان و کاتولیک اکتفا کنند - همانا ککشبشهای مسیحی در عالم فد تربیت اطفال ایرانیان را ذمه گرفته اند تا ماها بیچوجه متحمل ندانند و مشاق نشویم

غیا آ آیا از فکر این کنیشتان که در تبریز و سایر ولایات محروسه و حل اقامت انداخته اند مسیوق نیستیم ؟ غیر ازین است که در یشرفیت مقاصد خود میکوشند ؟ پس چگونه دانسته و فهمیده اطفال خورد - مال و ناباغ را به آنها میسریم ؟

گر مسلمان همین است که ماها داریم آه اگر از بی امروز بود فردای مطلب را قدری واضح تر عرض کنم این فرشتگان دیو سیرت و غزالان تازی طبیعت همت خود را بر این گماشته اند که دین مبین اسلام را صدمه زنند - حق طئه يك روز مجلس وعظ منعقد ساخت بعضی عوام الناس را بطوائف الحیل احضار می نمایند و با سخنان محبت انگیز زهر آمیز خودشان آنها را فریب داده از شاهراه هدایت بوادی ضلالت میکشند - و این بی خردان مغرب دین نبوی را قریح دماغ نام نهاده تیشه بر ریشه اسلام میزنند

من از مفصل این جمله نهی گفتم  
نوخود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل

وقت است که رجال دولت علاج اینگونه دردهای مسری را فرموده نگذارند بسایر اعضای ملت حنیف سرایت کند -

اری تحت الرطاد و میض نار  
و پوشك ان یكون لها حرام  
و ان لم یظنها عتلاء قوم  
یکون وقودها جنت ضحام

بلی که - قطره سبل شود چون بیکدیگر پیوست - از موضوع مکتوب دور افتادیم - باز بر سر مطلب آیم و ملاحظه کنیم که ما ایرانیان را علم لازم است یا خیر ؟ البت لازم است - علم است که در مدت سی سال اهالی ایران را از قید جهالت رهانیده بسر منزل تمدن رسانید - علم است که این دولت ضعیف را در آنک زمان جهان استمداد بخفود که با متدر ترین دول اروپا یجه بر وجه گذاشته او را زیون خویش ساخته - از بی علمی است که بزرگترین دول آسیا دست بسته اجانب گشته و مملکتی مثل (مابجوریا) بین دولتین متعاریتین متنازع فیه واقع گردید - نتیجه بی علمی است که بسیاری از بنادر و جزایر معتبره خلیج فارس دستخوش اجانب شده - نمره بی علمی است که تفلان شخص مفرض در طرف

چند سال مملکت ایران را ویران کرد - چنانکه تا بناهای  
حالیتهای پذیرفت - ازین اطلاق خیزد که هر  
هنر خود را با دوطرف نگندم و احتکار غله مصروف  
حاشته و به سبب همین جهل تاغیبار فریاد مظلومین را  
بخاک آید میسایم با اینکه هزارگونه کارهای با مفضلت  
تر ازین در پیش داریم - چگونه که تاگفتم بهتر است -  
علم است سبب همه قسم ترقیات و تفوقات - علم است  
سرمایه ثروت و عزت -

( علم ما را سوی یزدان می رود )

( علم ما را نود و هفتاد می دهد )

( علم دارد پایه ناموس ما )

( علم افلاطون و جالینوس ما )

گذشته ازین ها مگر ما ایرانیان بجناب مستطاب  
(اطلبوا العلم من المهد الی الحد . و اطلبوا العلم ولو بالعبث) مخاطب  
قیم ؟ سلیمان سکه ازین امر منظور علم شریعت است  
آخر شریعت مبعیثت را هم لازم دارد - و علوم اخروی  
دنیوی را نیز متضمن است - حدیث شریف (العلم علان)  
مطلب را شاهد است - پس علم دنیوی را کجا باید  
تحصیل کرد ؟ درم کاپیکه سرکوبه ها داریم ؟ (افسوس  
که ما بخردان کورو گراییم) نگارنده یکی از شاگردان  
مدرسه کمال است - پس از آنکه پنج سال در مدرسه  
مذکوره تحصیل کرد در فارسی و عربی قوه پیدا نمود  
که از زبان فرانسه و روسی و بعضی علوم چنانکه جنرافی  
و حساب خطی برگرفت - قهرآمدرسه را بند نمود و آن  
همه زحمات مدیر عیاره را هباء متورا گردانیدند - حالا  
قریب به دو سال است که ما بدبختان غرق لجنه نکبت و  
تلاکف - بضها در اثر تحصیلشان میگردیم - برخیا از  
حکومت بیکاری کاری پیدا کرده و بعضی دیگر در  
مدارس کاتولیک و پروتستان چنانکه ذکر شد مشغولند -  
امید که دانشمندان ملت بخل مرحمت فرموده  
در تاسیس مدارس جهد بلخ بکار برند و با غافلان  
فریاد ( قوموا الی التائون ) ر بگوش جان رسانده آبی  
احمال و تکامل روا ندارند

چندین بروی خاک لعلت سرا به بین  
بیرون فرح فرا و درون دلگشا به بین  
سکانتان به علم و هنر آشنا به بین  
پایه و استقامت نشان اغنیا به بین

با امن و عیش حالت شاه و گدا به بین  
آکار نظم در همه جا رو تا به بین  
روشن به نور علم و ادب بدما به بین  
اندو زبان خلق دعا و ثنا به بین  
اینها مگر نه از اثر فیض مدرسه است ؟

(چواد نوری زاده) از شاگردان مهدیه کمال  
(توسخنرا نگر که حالش چیست)  
(بر گذارنده سخن منکر)

قصیده

اشعار ذیل را جناب صدرالادب از مشاعر همراه نامدار  
دارالخلافه طهران در فرائد بستن سد احوال و چند سه  
دیگر سروده و مقدمه فرستاده اند - ما نیز بعضی تشویقی  
امناء دولت علیه بدرج آن اقدام کرده امید داریم بزودی  
این مشروع مقدس سکه سالها مطرح مذاکره است  
صوت وقوع یابد و دولت و ملت را ازین صبر فواید کلی  
و نتایج بسیار حاصل شود

مژده ابدل دگراره جهان گشت حوان  
بخت ایران هله برداشت هراو خواب گران  
در پیدار شد از خواب ولیکن امید  
غفلت خفتن خود را بنماید جبران  
اهل هر مملکی سکرده ترقی جز ما  
که ز بخت بد خود کشته فرین خذلان  
و حشیان منل و انگری افرقائی  
همه دانا و بماندیم چرا ما نادان  
هست معروف بچودت همه جا ایرانی  
میل بر تزیینش همچو سبی برهستان  
بود ایرانی هم آنان سکه ادا نادر شاه  
بگرفتند همان مملکت هندستان  
مستندند همه لیک سربو خواهند  
تربت فیل کشاند که سکشه بار گران  
دولت و مات اگر هر دو بهم یار شوند  
میتوانند که این ملک سکشه آبادان  
سه طیب است بدولت عامه بر ملت  
در کف این دو بود حالت نضج و بجران  
ای طیبیان بشیند و هم شور کنید  
تا بیاید دواتی ز برای درمان  
حق به پندبر خود گفت که شاور فی الامر  
مشورت مشکل هر کار نماید آسان  
ظلمت جهل زدائید بنور دانش  
حیوان را بنمائید زرافت انسان  
سیم و زر در دل سنگ است نهان در معدن  
سکرتیازند برون عیب نباشد از کان  
در صدف لؤلؤ تر هست ولیکن فواص  
دلت باید که برون آوردش از عمان  
اهل ایران همه مشهور بنیرت ز چه ما  
همچو دوه شده ایم و دگران شیر زبان  
شده در مملکت ما ز چه رو قطع و حال  
گر ذکر جای بیاید و بیاید احوان



مازيكاري خود طبع و آنها بگر  
 دحل ايران پيرند از ره تزوير چنان  
 كه ازين كوش بان كوش خبري نشود  
 كوچيا چه پرديم و ز تنها شد جان  
 ماهه سكرسته افتاده و آن خادم ما  
 تان ما ميخورد و ماهه بر وي نگران  
 اومني ماهه در كار و سلمان بي كار  
 غيبت آخر بگجا رفت و گجا شد ايمان  
 آخري مردم ايران خدا را مدعي  
 تا بي وحشي و بي تربيت و بي سامان  
 چند محتاج فرنگي بجدا جا دارد  
 خون ز دپده بختايم بسان باران  
 كفن مرده خود را ز فرنگي خواي  
 همچنان كافه ساده سكه نوبسي قران  
 اين همه صدمه ز بي علمي و بي دانشي است  
 سود كم كرده و سكتتيم گرفتار زبان  
 سي شش سال فرون نيست كه ميكادوي راد  
 سكرد انسان ز صفا خلق بتر از حيوان  
 شاه با دا بچنان روح ادين الدوله  
 كه هيخواست سكتد مملكت پير جوان  
 آن مهين شخصي بگانه بوفرد دانش  
 كرد تاسيس مدارس ز طريق احسان  
 بهر ارزاني تند او بهزاران زحمت  
 ساخت يك دستكهي با نخودي تند گران  
 نه هين صرف نظر سكرد ز مال دنيا  
 دوره دولت و دين بين كه گذشت او از جان  
 غيبت و همت و دين داري و دولت خواهيش  
 بود ز اندازه فرون شرح و بيانش نتوان  
 نام نيكي بچنان ماند ازو باقي و روت  
 بسوي سلك برين باد قرين غفران  
 ليك الحمد خدا را كه در اين فرخ عصر  
 عدل بگرفته جهن را ز كران تا بگران  
 خلق آسوده هم او ممدات شه سكوني  
 بار ديگر بچنان زنده شده نوشيروان  
 بخت ايران شده بيدار و خواب غفلت  
 اينك از همت سلطان و وزير سلطان  
 صدراعظم كه و رادم نسب و هم حسباست  
 حبش عقل و كفايت نسبش از خلكان  
 از لبش همت عيان معجز بود سرير  
 در كمش همت نهان آيت بود عمران  
 همت حويش به آبادي ايران مصروف  
 سكرده كوتاهي و غفلت نشايد يك آن  
 شه ترقى دهد او را كه سكتد ملك آباد  
 آدي از همرى شاه سكتد آبادان  
 شه سليمان زمان حضرت والا آصف  
 هر دو در فكر علاجند بدمر امكان  
 شاه بگماشته همت چو به آدي ملك  
 عرض حال بنمايم بحضورش عنوان  
 همت سچيه سحر گرچه جبارت باشد  
 حكمت آموختن از روي خطا بر لقمان  
 بنده صدر الادبا مور و سليمان شاه است  
 صفا مور و سليمان نو بخوان از قران

كوش بر عرض ديگر بدهد شه كه عيب  
 كه بخواه طاعت شاهان بگمايان احسان  
 شهر يا با چو تورا ميل به آبادي هست  
 راه آبادي ايران سكتد اين بنده پياد  
 چارسد است در ايران كه اگر بته هود  
 ميشود مملكت ايران ز صفا رشك چنان  
 اولين سد كه بود منتفش از همه پيش  
 سد آهواز بود مملكت خوزستان  
 كه اگر بته هود منتفش در يك سال  
 ميتوان گلت بود نصف خراج ايران  
 و چه ملكي هم خاكش زر خالص باشد  
 و چه خاكي هم سكتش گهراست و مرجان  
 ني شكر رويد از آن خاك كه از رشك قدس  
 خم شود قامت شمشاد و قد سرو روان  
 شكرش سكرى حلاوت ز نبات مصري  
 برد انسان كه ز نامش نبود هيچ نشان  
 تلخي كام جهان از شكر او شهين  
 خود برنجش پرد از همه رنج برقان  
 مزده آب اسكر باد باين خاك دهد  
 سكرى شكرش آتش بزند هندوستان  
 خيزد آواز زهر بنديش شام و سحر  
 كه كند او بشه شاه دعا از دل و جان  
 جر هكر حاصل آن ملك بود از همه چيز  
 مملقتها است دواين خاك كه شرحش نتوان  
 حاصل نيل وي از بهر هم نيل سرام  
 جامه نيلي ايران بنمايد الوان  
 قدر اين خاك بدانست كه اين سده به بخت  
 شاه شاپور همان زنده آل ساسان  
 بست آن سده و آباد نمود آن خطه  
 كه شد آوازه آبادي او بر سكيهان  
 هست اميد سكه شاهنشاه وانا دل ما  
 جان دهد ز لب باين خاك قرين حرمان  
 دو مين سد سكه بود بسلك او پس لازم  
 سد ساوه است سكه ايلم نموده ويران  
 يست فرسنگ بود خاك مطمح كه اگر  
 رسدش آب شود همسر باغ رضوان  
 حاصلش گندم چو با نخود و پنبه بود  
 از فواكه هنب و قيصي و تين و دمن  
 تقع اين خاك كه آباد شود بسيار است  
 و آنكه ساوه است بزديكي شهر طهران  
 غله او بدهد خرج هين شهر سكتد  
 هيچ محتاج نباشد بپراق و زنجبان  
 تان ارزاق هود و مردم بيچاره غني  
 شهر طهران پس از اين كس نخورد تان كران  
 پنبه و قيصي و انجبر و انارش بگر  
 سدهت روسيه رود همت مناشي ساين  
 سپين سد كه بود بستن او واجب هين  
 رود شارود بود تايد اش همت هيران  
 سرد سكرده ز نيش دل بر زانش ما  
 خاك قروين هم از اين آب هود آبادان

مخوش خلق و خلق چو یکی حول خود  
 همه با نام خود است و لیکن خندان  
 کس ندیده بهمان خاک بانی استمداد  
 که دهد حاصل بی آب تالی سبحان  
 کجها هست در این خاک نهفته که اگر  
 رسدش آب هویدا شود آن کنج نهان  
 چو چیز است که گر یافت شود او در ملک  
 خود آمد اسکر چه شده باشد و بران  
 اولین مایه آبادی و رونق عدل است  
 دوین آب و سیم خاک و چهارم دهقان  
 علل ارببه را علت فانی عدل است  
 باورت سکر نبود بهر نو آرم برهان  
 یافت از عدل بضاک ظفر افریدون  
 سکر کیشرو با عدل مسخر توران  
 هست از عدل هم ایوان مداین بریا  
 زنده از عدل بود نام مهین نوشیروان  
 گشت از عدل بنا اس اساس اسلام  
 سکر از عدل هر فتح بلاد ایران  
 این قدر دان که بود عمده آبادی عدل  
 گر بود عدل همه چیز توان یافت بدان  
 شکر ایزد که هم از عدل جهان روشن کرد  
 آفتاب ظک شامی و ظل یزدان  
 چارهین سد سکه بود منفعت او بسیار  
 سده رود سکرند از بلد اصفهان  
 تالی آب حیات است اسکر ره یابد  
 خاک آن بوم شود زنده باب حیوان  
 زنده رود از مددش زندگی از سر گیرد  
 شود از قوت او بار دگر باره جوان  
 شاه عباس همیخواست که این آب آرد  
 بروی کارو شود آبرویش صد چندان  
 همت عالی شد دست سخارا بکشود  
 تا که از پای کند کوه رشود آب روان  
 با دل سکر سر سکه بر بند زشوق  
 تن جهان در طرب از رانده آن جان جهان  
 تا که از دست قضا گشت جدا تیری سخت  
 حور از بخت بد مردم ایران نشان  
 شه شد از پیل پیاده به نشست اسب اجل  
 بچنان تاخت رخ خود و وزیران حیران  
 مملکت باز عزادار و سیه روز نشست  
 خلق از جور ظک روز و شبان در افغان  
 گر چه جاری نشد از کوه همان رود کردند  
 لیک از چشم همه خلق بشد چشمه روان  
 ران زمان تا به کنون مملکت ایران چون  
 شه ندید است بجز این شه قیصر درمان  
 خسرو ملک دهم وارث جم لیت جم  
 محیی دولت و دین ملعی ظلم و عدوان  
 شه مظفر ملک عالم و عادل که بود  
 سکرین چاکر در گاه بلندش خاقان  
 چو صد نهفت به پیش همش کار بزرگ  
 چار صد شه چو سگندو بنیاید بیاید

خسروا همت عالی تو آباد میکند  
 ملک ایران بهمان گونه که در عهد کیان  
 صیبت عدل تو گذشته است زنه گنجیبرخ  
 پر نمود است همه شش جنبه و چار اوزان  
 کافرش خوانم و ز اسلام ندارد جیره  
 نعمت عدل ترا هر که نماید حکمران  
 تا که در ظلمت غیبت بود آن شمس هندی  
 آفتاب رخ تو باد در ایران تا بلن  
 عقد پروین ظک از بهر نثار آرد  
 انگند در قدمت تاج سر خود سکیون  
 راست از تیغ کعبت قامت دوات چو خسرو  
 خم ز بیگانان نه دشمن ملت چو کمان  
 مملکت یار و دلت خاد و عدویت بی سر  
 بهشت آباد و جان تو مصون از حد تان  
 بنده صدر الادبا از دل جان مدمت کو  
 بدما خواسته عمرت ز خدا جاویدان

مکتوب از استرآباد

در این اوقات بمحافظه شهر استرآباد و توابع آن  
 از حسن طینت و کنایات کافیه و توجهات کامله اولیاء  
 دولت علیه کمال امنیت و آسودگی را دارد و شرارت  
 اشراک بکلی معدوم گردیده در جندی قبل طایفه تراکه  
 باز دست بشرارت گذارده قریب سه هزار رأس اسب  
 و گوسفند و گاو و غیره و غیره بسرقت برده بودند یکجا  
 قبل حکومت حسب الامر اولیای دوات محض سیاست  
 و تبیه این طایفه اردوی ظفر شکوهی ترتیب داده و  
 فرزند ارجند خود اعظام السلطان را بایب الحکومه  
 قرار داده در منتهای قدرت و شوکت حرکت فرمود  
 جناب اعظام السلطان بنسالدوله سرایبه در امور  
 نظام و امنیت شهر با کمال قدرت و کبیاست هوش  
 همه روزه از طلوع آفتاب الی دو ساعت از شب  
 گذشته بعرض طارین رسیدگی نموده با کمال عدالت  
 احتیاق حق میفرمود من جمله چند قبضه قنک بسرقت  
 از ذخیره مبارکه برده بودند بحسن کفایت و فراست  
 هوش و نکته سنجی در دقایق امور سارقین و اشناخته  
 پس از استنطاق گرفتار و با شکسته بسیار تمام  
 تنگهار را مسترد داشتند و نیز از حصایل حیده و  
 رعیت نوازی این جوان سال میر عقل اینست  
 که چندی از کزت بلرندی و شدت سرما وزرادی  
 برف گوسفند در استرآباد یافت نمیشد رعیت بواسطه

شهر هم خواهد شد الحق والاصاف در این مملکت  
مظلم تر از این اقدام مجذانه و ودینه باقیه منصور  
نمیشود

امیداست که اهالی رغبت بهم رسانیده کوی وجود  
این اطفال از مرج نحس نادانی بهرج سعد علم و دانایی  
زول نموده آفتاب اقبال اهالی این مملکت از افق علم  
ودانش طلوع نماید چنانچه بدیده اصاف بنکریم تمجید  
وتعذیب افعال ممدوحه اینگونه اشخاص علم دوست برزخه  
عموم نوع لازم است و این گنهام را فرض است که  
ب ادارات اطلاع و اشاعت بدهد تا از درج آن اسباب  
تشویق صاحبان خیر و ترغیب و تحریمی بعضی از  
خودگان نوم غفلت گردیده بهوش آیند

موزیک جیان این شهر که قریب دو سال است  
از اطفال این ولا منتخب گردیده بعملی جناب  
آقا میرزا علیحان سرهنگ و مشایق موزیک که  
از شاگردان طبقة دویم مدرسه مبارکه دارالقنون  
است تربیت یافته ترقی فوق الماده کرده اند از طرف  
ایالت محض تشویق و تشکوه از کیسه خود بموم  
موزیک جیان فی نظری بکک دست لباس بسیار خوب  
بطرح لباس الطریقی تمام نموده عنایت فرمود

### مکتوب از شیراز

چندی است که در مجالس و محافل اهالی فارس  
از اعیان و اشراف و کسبه و غیره جز اخبارات جنگ  
روس و ژاپون و ترقیات دولت و رواج علم  
محبت دیگر نمیبارند الحمد لله زحمت چند ساله سرکار  
هدر نرفته و انشاء الله نخواهد رفت عجب شوری  
بر سر ایرانیان خصوصاً شیرازیان اداخته حق در  
مجالس عزای داری حضرت ابی عبدالله علیه السلام مقاله  
های روزنامه مقدس را میخوانند و مردمان تشویق  
و جناب عالی را تصدیق میفرمایند که مؤید اسلام  
هرچه نوشته و می نویسد جز از نصب ملت و دولت  
خواهی و ترقیات وطن خرض دیگر ندارد بی تا تکاری  
ندروی چند سال است فریاد میزدید و ناله میکردید  
نازه عمر بختید اگر چه بعضی خود خرمشان عوام  
غریب در میان هستند لیکن الحمد لله حق غلبه  
دارد خداوند طلیان بر توفیقات جناب عالی بیفزاید

بودن گشت نظم حاکمه این جوان غیور از  
خود پول بچند فرزاده جبهه تحصیل گوسفند بسفحات  
ماردران فرستاد و قرب دو هزار گوسفند آوردند  
بسی حاکمه خریدند بودند بین قصابها تقسیم شد  
اسباب رفاهیت عموم گردید طبع صرفه الحال و از حسن  
سلوک و کار دانی مظلم الیه بدعا گوی وجود اقدس  
حضرت شهر یاری مشغول اند

ایالت از اقدامات مجذانه و اطمینات خیرانه بدون  
اینکه صدمه و ادیت و خسارت باحدی وارد شود تمام  
سازقین و اشرار طایفه زکات پناه بنوبخانه مبارکه آوردند  
و تمام اموال مسروقه را کاملاً و عیناً تسلیم نمودند  
و التزام سپردند که من بعد مرتکب اینگونه شرارتها  
و حرکات شنیعه نکرند

روز ۱۷ شهر محرم الحرام با تمام اردو متضی المرام  
مراجعت بشهر فرمود اسباب مزید تشکر و آسایش  
عموم رعیت گردید و نیکو ترین خدمتی نمود که  
زبان از یاس تشکر و توصیف آن امکان و قاصر  
است و آن اینست در شهریکه اسمی از معلم خانه  
شنیعه شده باک یک مکتب خانه که چهار نفر اطفال  
در آن تربیت یافته باشند نبود و اسکنان نفوس آن  
بیسواد صرف بوده ایالت در این سرحد مظلم از  
مشاهده این حال از راه غیرتمندی که مقتضی از  
حسن طینت میباشد از سکیه قنوت خود احداث  
مدرسه مسی بمدرسه انجمنیه فرموده همه نوع لوازمات  
آرا از معلم و مشایق فراهم آورده از غره شهر  
صفرالمطر هر کسی مایل باشد فرزند خود را جبهه  
تحصیل بمدرسه بفرستد در نهایت مهربانی همه قسم  
درس و مشق باو تعلیم خواهد شد - حال چنانچه اهالی  
خرد این شهر بواسطه عدم اطلاع از نتیجه و ثمرات  
این نعمت غیر متوجه مایل با آوردن اطفال خود باین  
مدرسه نبوده باشند جز بد بختی چه توان دانست خرابی  
این مملکت که بزرگترین غمومات آنها بواسطه عدم معلم  
خانه و سرگردان بودن اطفال نشان بوده حال از  
استماع اینخنده روح فرا سرور عظیمی حاصل نموده روز  
میشارند و فرزند های خود و عده غره شهر صفر  
را میدهند و لا بداً بالتبع اسباب تشویق اهالی خود

نشان دهد که آن تمدن و اقتدار و شوکت اسلامی غیر از غفلت و خفاقی مسلمانان و فریب خوردن از ماران خوشخط و خال علت دیگر نداشته تا اصلاح را بدین ذات رسانند - امروز بر عموم مسلمانان خصوصاً ایرانیان روزنامه خواندن و از ارضای طم با خبر شدن لازم بل واجب است هر کس حرف و گفتگویی دارد در جواب حاضر

بعد از آن جناب مستطاب صدرالمدین بالایی منبر رفته اولاً حالات بحرین را از روزنامه مقدس قرائت و بعد مصیبت طرابة شام خواند - در حقیقت حلبی بر اهل مجلس اثر کرد و بسیار جوش و خروش برخاست - امیدواریم که در سایه بلند بایه پدر مهربان ایرانیان اعلی حضرت مظفرالدین پادشاه و در ظل تدابیر صائیه حضرت اشرف شاهزاده صدر اعظم بوزر چهر خصال - ایران روز بروز بتزییات جدید و ترقیات فوق العاده نائل شود که انشاء الله آبیاری رفته باز آید بجوی

از قرار معلوم حضرت نواب اشرف والاشاهنشاه زاده اعظم شجاع السلطنه مصمم افتتاح مدرسه شده اند تا بحال صورت نگرته انشاء الله پس از افتتاح برض مبرسانم چند نفر از محترمین راپورتهای بند اهواز را خواست نمودند که در روزنامه مقدس درج فرمائید

### بلوچستان

جناب اعلی الله دره کارگذار دولت علیه ایران و مأمور فوق العاده بلوچستان که حسب الایامی اولیای دولت با صحتی همیون مظفری به ( مسقط ) رفته سلامت و هیئت بجاه پار مراجعت نمود - و غیب ایشان از اینجا پنج روز همه جبهه شد دو روز ذهاب و ایاب و سه بوم نیز در مسقط اقامت داشتند بقرار معلوم آنجا از ایشان و کتبی به احترام تمام پذیرش گردیده و روی هم قریب بجاه میر شایک ثوب در ورود شان از بر و بحر شد که در موقع مهم مسقط که بکوه و قلاع طبیعی و غیر طبیعی محاط است صدا و - طوت و صوت خاصی داشت و خیلی باعث دلچسپی مسکونه و جلوه بود و در آن انشاء افراشتن برین شهر و خوشبید در قلعه مسقط شوکت قدیمه ایرانیان نشان میداد علاوه بر این ایشان و حضرت سید فیض امام مسقط و عمان و مأمورین و صاحب

قریان قلمت بنویس - که تازه خواب آلودگان بیدار و تازه اسم دولت و ملت و ترقی محاسن و قانون مساوات در هر مجلس صحبت میشود - از عدالت گستری اعلی حضرت قدر قدرت شهر یاری و خیالات عالی حضرت مستطاب شاهزاده ابن الفوله صدر اعظم اشکر میکنند و روز بروز منتظر تزییات جدید و اصلاحات مملکت اند خدایا گواه گرفته میگویم که هرگاه در ممالک عروسه ایران گرفتن اعشار از حاصلات و محاسن شرعیه مساوات اجرا شود اهالی در کمال میل و رغبت اطاعت طواعیت نمود - از مطلب بگذرید مگر دو هر مملکت چند نفر منوی است که بجهت منفعت ذاتی خود هزار گره میرقصانند

( آنبو بشکست و آن پناه ریخت )

باری اینها مقدمه بود چند روز قبل در مجلس روضه خوانی یکی از اعیان مملکت فارس بدم شخصی مداح وارد شد و نشست - جناب مستطاب آقای آقا سید شرفه که در رکاب مبارک حضرت نواب اشرف والاشاهنشاه تشریف فرمای شیراز شده وسعت ندامت خاصه دارند تشریف داشتند شخص مداح عرض کرد جناب آقا روزنامه مقدس آمده مسئله بحرین را نوشته میفرمائید تقدیم نایم مطالعه فرمائید؟ در این ضمن یکی از حضار فرمود مگر روزنامه جکار میآید - جناب آقا سید شرفه از اینصورت خطی ملول و دلنگ شده بر منبر صعود فرمود بعد از خطبه شروع کرد به منعت روزنامه گفتن و محضراً دولت و وطن خواهی گرامی نامه مقدس را تریف نمودن - فرمود ایها الناس روزنامه مقدس میگوید و ملتتان را دوست دلبرید - دولتتان را دوست دارید - ملت و شرافت ملی را دوست دارید - قانون مساوات شریعت محمدی را اجرا دارید - محاسن را از دست اجانب محافظت نمائید - که اینها دشمن دین و مذهب ما هستند این سخن قدیم که گفته اند ( ای توطن مصر و عراق شام نیست ) سخن مؤذوم است فرمایند حضرت حتمی مرتبت را در فتح مکه مسکونه یاد آورید ایحضرات اجانب دشمن دین و مذهب ملک و جان ما هستید مگر کدام ممالک را از اسلام تصرف نمودند که محافظت عرض و ناموس آنها را کردند بردارید تاریخ بخوانید که بر شما

شماره (۲۲) ، ربيع الاول (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۱۵ ی (۱۱۰۵) منبجہ (۲۰)

خير مقدم فرو خوانده قولل جديد نيات اظهار  
خوشوقى نمود نهار را دوسر (واتك) لسان ازى  
صرف سكره سپس تازم بندر پير بازار گرديده بار  
كاشى هاى كوچك اين بندر در حاليكه يرق احترام بر  
فراز كشيده بودند الى دهنه پير بازار بمشابت رفته  
بودند نهار مسلمان رعايى روس نيز سوار باركاش  
(على اف) شده نادهنه بندر مزبور همراه بود قولل  
جديد نيات اظهار خوش وقى از نهار نمود ( آقا  
كازم تاجر باقى ) صاحب باركاش على اف نهار مفصل  
بحضرات نهار مشابت كشتگان داده پذيرائى فوق العاده  
در اياب و ذهاب شد نگارنده نيز بر حسب تصادف  
در باركاش بودم

### زلزله بندر عباس

توزدهم ساعت يك بعد از ظهر در بندر عباس  
زلزله شدیدی محسوس شد و تا ده دقیقه اثر آن باقى  
بود عصر همان روز حرکات دیگر به همان شدت  
محسوس آمد - و در هر چهل دقیقه تا پنج دفعه حرکت  
نایان شد - همارات بسیار خراب و مناره هاى بزرگ و  
دیوارها و دكاكين هم منهدم شدند بموجب خبرى كه  
رسیده از كوه (كنو) كه در عقب (بندر عباس) واقع  
است دو صد فرسخ فرو رفت و از صدمه آن بخیله  
قر تلف شدند - در شرق (بندر عباس) قصبه  
(سارو) را صدمه زیاد رسید - در بندر عباس سه  
قر نفوس پیش تلف نشد ولى همارات بسیار خراب  
و اهالى خوف هستند و آنانكه استطاعت دارند  
بیرون شهر در مكانهاى خشكى منزل نموده - شب  
پنجم ساعت نه و بیست دقیقه زلزله محسوس گردید -  
بیست و یکم صبح نیز ساعت نه و بیست و هفت  
دقیقه و باز ساعت ده و چهل دقیقه احساس جنبش  
زمین شد در بیست و سوم ساعت سه و سی دقیقه  
روز و ساعت یازده عقب مجدداً زلزله محسوس گشت  
همارت قولل حقا انكليس از حرکت اولیه صدمه زیاد  
یافت - دیوارهايش كم و بیش شكته شدند - حرکت  
زلزله از شمال و مشرق معلوم میگردد

### شورش افغانان در سرحد

بمكومت منته خبر رسیده كه چند نفر افغانان كه

منصبان برى و بحرى دول خارجيه ملاقات هاى دوستانه  
و مرادوات صمبانه واقع شد و در ضمن از اوضاع  
عليه و احوال تبه تحصيل اطلاعات لازمه گردید -  
این را هم باید در خاطر داشت كه این نخستین مرتبه  
است كه بمباركى در این عهد خفته نایبده دولت عليه  
رسماً رفته است

امور معوقه بلوچستان ایران و انگليس پشرفى  
شایان دلرد و با وجود مشکلات فراوان امید است كه  
به محال نيات طرفین در كلیه ترتیبات صحیحه داده شود  
كه حق الامكان دور از مصالح جنین نباشد  
بعد از استماع از ورود جناب اعتلام الدوله كار  
گذار به (مسقط) پنج فرودگشتى جنگى دولت انگليس  
به يك نفر (امیرال) آنجا رسید و بطرف بندر عباس  
و لنكه رهسپار شد

### عربستان

جناب مستطاب سالار معظم با اردوى محترم و  
مختم وارد عربستان شده و بعد از ملاقات با ایالت  
عربستان و حكومت محرمه و غیره اقدام بكار كه مسته  
وصول و ایصال مالیات بی طرفی و حوزه است  
هوامند سكره - خداوند ایشانرا به انجام خدمت و  
اجرای مقاصد دولت موفق سازد

مهندسین هولاندی كه نایباً برای باز دید سد اهواز  
و اكال ملاحظات به آنجا رفته بودند با قشدهاى كامل  
مض تکمیل مهمات مقاصد مراجعت نمودند اطلاعاتيكه  
درین باب بدست بیاید بعد عرضه میدارد

جناب حاج رئیس النجار پشكار حكومت محرمه به  
واسطه مرشد نایب الحكومه به زیارت عنیات رفته میوزایانس  
نایب الریاسة كركات عربستان هم بطهران رفت مضمند  
السلطان شیرزاد خان سرتیب كه مرد نیكى است به محرمه  
آمده و ظاهراً چند روزى برای سركى و نظم توپى  
اقامت نماید

### مكتوب اترلى

امروز قولل تازه دولت روس برای اقامت  
گیلان از روسیه با جهل بته وارد اترلى؟ نید  
حنگام و رود باسكه از طرف حكومت خیر مقدم  
پیش شد همچنین شاگردان مدرسه صندیه خطابه



که در (دهاکه) ساحلو بودند برقریه (سازان) که  
 بر سواحل رودخانه کابل واقع و در حدود انگلیس  
 داخل است حمله کرده اند. علت غاصت چنین ذکر  
 میشود - که يك كشتی شکسته در سواحل (سازان)  
 رسیده و همینکه رئیس سربازان (دهاکه) چند نفر  
 کشتی در تحقیق و طب عیاجات فرستاد اهالی قریه  
 (سازان) چنان تصور کردند که در آن هیزم است  
 چه از آنجا حق حمل ندارند - بتاریخ هشتم چند  
 نفران خاصه در از (دهاکه) به میدان شمال  
 (سازان) آمده قریه را هدف گزیده نمودند - و  
 وقتیکه آنان در (سازان) مشغول کارزار بودند بخیال  
 اینکه هیزم آنان از دست نرود - طائفة دیگر از  
 افغانان بر (کاک) سوار شده عبور کرده هیزم متنازعه  
 را با خود بردند - ثابت افغانان از اهالی (سازان)  
 بهت خواستند تا يك نفر مجروح خود را برند و  
 آنان قبول کردند - افغانان بهرگز خود مراجعت  
 نکردند - این هنگامه که بطور رسیدگی نتیجه تندخون  
 یکی از سرداران کوچک انگلیس بوده و اندیشه هیچ  
 ختلافی نیست

تلاکقات

( ۲۱ صفر - ۵ می )

بموجب تلگرافیکه از (ساگون) رسیده - دوم شهر  
 جدا جبهه سزات امیرالبحر ( روزنیسکی ) در خلیج  
 (مان کوه) تلگراف انداخته و سرم آماده روانگی شده -  
 امیرالبحر منور ازین معنی به نابندگان فرانسه نیز اطلاع  
 داده است

حکومت (ارگن مان) انتشار فروش جبهه سزات جنگی  
 را بدوات روس انکار کرده اظهار داشته است که حکومت  
 مشارالها راضی بفروش جبهه سزات جنگی است ولی از  
 خوف خروج وی از شرایط بیطرفی در حین جنگ  
 بمفروشد

( ۲۱ صفر - ۶ می )

بموجب ( روزنیسکی ) خبر میدهد که چهار جبهه  
 موشک شکن دیروز در مغرب (میکانو) از طرف  
 (ولادیوستک) ظاهر شده يك چهار بادی ژاپنرا غرق  
 کرده ملاحظه می گزیند ولی ناخداای آن اسپر گردید  
 امیرحضرت امیرالبحر روس بمیلیکه وزیر را برای

مشوره مسائل راجع به مدارس زمین فرموده - و  
 در تحت ریاست (مستر دی وانت) قرار یافته بود تغییر  
 دادند ازین واقعه اهالی را گمان این است که - ترموصوف  
 را در نظر امیرحضرت و قفق بمانده چه يك مجلس دیگر  
 نیز زیر نظرانی مستر موصوف بود تبدیل یات

با وجود تمام سخت پاییس مجلس خفیه ازوکلائی  
 موهجات محتابه دیروز در (میکو) تشکیل یافت - که در  
 زمین يك هیئت قومی قواعد و ضوابط مرتب نمایند  
 امیرحضرت امیرالبحر روس در (ا. ک. و. ل. و.)  
 هزار و يك صد و بیست و چهار طلب مدرسه حری را که  
 عهده می بخشد برمود که بواسطه قتل بسیاری از  
 عهده داران در (مچوریا) ترقی در منسب شهرها  
 چار ماه قبل از وقت داده میشود

اعضای شورای ملی (بولند) بلواتیارا حکم داده  
 که به کار خود مشغول شوند - در شمس بیان شد که  
 وقت وزمان یکجستی را بر ما عرضه میدارد. اما حالا  
 وقت آن نرسیده که ملت تفاوت پیشه کنند ولی جمله  
 جات را لازم است که به آسودگی تمام برای مقابله  
 حصول آخرین شرایط آرازی آماده باشند -

برای مصیبت ناگه گان زلزله هند هزار و صد و  
 چهار ایرا از لندن رسیده (لاردر رابر) صد ایرا  
 مرحت نموده است

( ۲۱ صفر - ۷ می )

بموجب ( روزنیسکی ) خبر میدهد - که در اخبار  
 رسمی امروز انتشار یافته که ژاپونیسان از (نگوا)  
 بجانب شمال پیشروی و قشون - واره روس را منتشر  
 کرده (کوان) را که به فرسخ در جنوب (نگوا)  
 واقع است متصرف شدند

بتاریخ یکم ژانویه از (نکومل) به حاص (فوشون)  
 رسیده و بتاریخ چهارم در نواح (ارسالور) و (طاساطون)  
 که ده فرسخ در شرق و جنوب (واوون) است خصم  
 را منتشر کرده شب چهارم (پادشیم) را قاپض شدند

اخبار تازه درباره چهار کشتی موشک شکن  
 روس که يك جبهه بادی ژاپنرا غرق ساختند - البته نرسیده  
 ولی مظنون است که به (ولادیوستک) عودت  
 نموده باشند

از توقف امیرالبحر ( روزنیسکی ) در حرکات

§ جنرال (لینویچ) تلگرافا خبر میدهد که چهارم دسته از قشون سواره ژاپون سواران روس را سکه بیرون اردو ساحلو بودند رجعت داده اند

§ در اخبار رسمی (پاریس) بیان شده که دولت فرانس نه فقط احکام سخت به مأمورین (اندو - جینا) در نگاهداری شرایط بیطرفی فرستاده بلکه هفتصن چند معین کرده که مراقب نمایند آیا هدایات وی اجزاء شده است یا نه

§ خبر (روز) خبر میدهد شکایت ژاپون این است که جہازات (بالتیک) در سواحل دول بیطرف آذوقه و ذغال و لوازم دیگر گرفت و خود را ساخته بر قوت خویش می افزایند

§ چهارده جا در کشتی سازخانه (پتربورگ) شب گذشته حریق واقع شده نقصان زیاد رسانیده است (۳ ربيع اول - ۹ می)

§ سفیر (ژاپون) در (پاریس) رسماً عدم رضایت دولت متبوعه خود را از دولت فرانسه ظاهر داشته و تک و مددیکه در (اندوچینا) به روسی حاصل شده يك يك بر شمرده است - مستر (دلکاسی) وزیر خارجه فرانس اطمینان داده سکه خلاف ورزی از شرایط بیطرفی ابداً نخواهد شد

§ برخی از جراند را عقیده این است که این اختلاف اگرچه اهم است ولی چندان سخت معلوم نمیشود

§ روزنامه (استندرد) مینویسد که ابدای حیرت نیست که ژاپونیان از اطاعت سکه به خصم آنها رسیده برآشفته و اظهار ناراضی مینمایند - ژاپون در دوک منافع و مضار خود ابدای محتاج باغواهی خارجی نیست و این تصور که دیگری او را اعوا کرده خطای محض است

§ بموجب تلگرافیکه از (ساگون) رسیده جہازات بالتیک خلیج (هان کوهی) را گذاشته در شمال خلیج پرتو در آنجا جہازات فرانسه موجود است - امیرالبحر (روزبویسی) اظهار داشته که ما فوراً روانه میشویم

§ دولت فرانسه از اعتراضات ژاپون در انهدام شرایط بیطرفی جنگ سخت منتشر و پریشان است و چنین اظهار میکند که دولت فرانسه از آن وقتیکه امیرالبحر (روزبویسی) بدون اطلاع در (کامران) داخل شده شرایط بیطرفی را نگاه داشته - البته ازین و بعد هرگاه

خود اهل (توکیو) مشکوک شده باین معنی شاید امیرالبحر مزور به سمت جنوب حرکت نکند و خود را در خطر جنگ درین زودی نیندازد

(۲ ربيع الاول - ۵ می)

§ کشتی (شنگهای) پنجم رپورت داده که در هفتاد میل جنوب و شرق (لابن) دو دسته جہاز که ظاهراً مشغول حمل ذغال بودند دیده شده

§ کشتی موشک شنگیکه در (لابک) گرفتار شده بود خلاص شد - عملجات جہاز را عقیده این بود که گرفتاریشان شش ماه طول خواهد کشید

§ برخی از اخبارات درباره توقف جہازات بالتیک به تدابیر سخت راه نمایی موده بدولت اصرار میکنند و اخبارات معتبره مینویسند که رفتار آزادانه پیش باید گرفت

§ وقایع نگار (طمس) از (توکیو) می نگارد که خشم و غضب ژاپونیان مجدداً زیاد شده - بسیاری از اخبارات معتبره بیان می کنند که دولت فرانسه برخلاف ژاپون آماده حرب گشته و این امر بر دولت انگلیس لازم است سکه مداخلت دولت ثالث را از این جنگ مانع آید

§ روزنامه (طمس) امروز در یکی از عناوین خود می نویسد که هیچ حرکتی از دولت فرانسه افسوسناک تر نخواهد بود از اینکه او سوالات و شکایات ژاپونرا غلط انداز جواب دهد - شک نیست درین باب تدبیری برای رفع این فائزات ناخوش خواهد شد - ولی دولت فرانسه باید ملتانت باشد که دولت انگلیس را چاره جز این نیست که دعوت ژاپون را اگر مسلم و قابل قبول باشد امانت کند چه ژاپونیان دعوت میکنند که بر عتود عهد نامه خود پای بند باشیم و هیچ چاره ما را از تعمیل آن نخواهد بود

§ روزنامه (طمس) مجدداً مینویسد که لاردر (لسدون) وزیر خارجه دولت انگلیس رسماً بدولت (فرانسه) با منتهای محبت و رأفت اظهار کرده که دولت فرانسه باید شرایط بیطرفی جنگ را با کمال دقت ملحوظ دارد - لاردر - سفیر دولت (ژاپون) با مستر (دلکاسی) وزیر خارجه فرانس ملاقی شده تا دیو باز صحبت میکرد